

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دین و بین الملل



شماره دهم

اسفند ۱۴۰۰



ماهنامه دین و بین الملل

تهیه و تدوین: مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه
با همکاری اندیشکده راهبردی مرصاد

ناظر علمی: سید مفید حسینی کوهساری

سرمدیر: علی امیرخانی

آدرس: قم، جمکران، بلوار انتظار، مجتمع دارالولایه،

مرکز مدیریت حوزه های علمیه، طبقه ۳

مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه

تلفن: ۰۲۵۳۳۱۳۳۱۴۰

فاکس: ۰۲۵۳۳۱۳۳۱۲۸

آدرس پایگاه اطلاع رسانی: www.hawzah-ird.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۶
بخش اول: اخبار.....	۹
جهان اسلام.....	۱۰
یک وبسایت عراقی از توافق نهایی بر روی «جعفر الصدر» جهت پست نخست‌وزیری خبر داد.....	۱۰
مرثیه ترکی الحمد در سوگ وهابیت.....	۱۲
مفتی عربستانی فرار از مالیات‌های سعودی را جایز دانست.....	۱۴
راشد غنوشی خطاب به طرفداران قیس سعید: «مبلغان شیعه‌ای هستند که در خفا آموزش دیده‌اند!».....	۱۵
طالبان: «نوروز رسم مجوسی است و آن را قبول نداریم».....	۱۸
رویترز: سرکرده جدید داعش برادر بزرگ‌تر ابوبکر البغدادی است.....	۱۹
هشدار رژیم صهیونیستی درباره وخامت اوضاع در فلسطین در ابتدای ماه رمضان.....	۲۲
اتحادیه علمای مسلمان میزبانی ترکیه از هرتزوگ را محکوم کرد.....	۲۴
غرب.....	۲۷
ممنوعیت حجاب در دادگاه‌های «لیل» فرانسه تأیید شد.....	۲۷

- کروات‌های بوسنی: اگر قوانین انتخابات تغییر نکند، جدا می‌شویم ۲۹
- ایجاد یک مؤسسه اسلام‌شناسی با همکاری دانشگاه‌های تراز اول فرانسه . ۳۱
- سایر ادیان..... ۳۳
- هزاران غسل تعمید با یک کلمه اشتباه یک کشیش باطل شد..... ۳۳
- درخواست ضمنی واتیکان برای حذف حزب‌الله از لیست تروریستی آمریکا ۳۵
- اخبار کوتاه ۳۷
- بخش دوم: روندها ۴۰
- نژادپرستی و اسلام‌هراسی..... ۴۱
- نماینده تندرو پارلمان اسپانیا، مسلمانان را متجاوز خواند..... ۴۱
- نژادپرستی بی‌شرمانه نامزد راست افراطی انتخابات فرانسه علیه مهاجران مسلمان ۴۳
- انتقاد الازهر از تحریم فوتبال روسیه و بی‌تفاوتی به جنایات رژیم صهیونیستی ۴۴
- دین و جنگ اوکراین ۴۶
- رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه: تهاجم اوکراین، جنگی عادلانه علیه غرور همجنس‌گرایان است ۴۶

در اقدامی بی‌سابقه کشیشان ارتدوکس روسی با سیاست «جنگ طلبانه» دولت

روسیه مخالفت کردند ۴۸

۵۲..... دین دولتی

انحلال مرجع اجرایی مسلمانان در بلژیک ۵۲

تصویب نهایی سلب اختیارات اداره مسلمانان قفقاز در مجلس جمهوری

آذربایجان ۵۵

جنگال در مصر بر سر اظهارات السیسی درباره ساخت کلیسا در کنار مساجد

..... ۵۷

اعتبارسنجی احادیث نبوی از منظر بن سلمان! ۶۰

۶۴..... اسلام میانه‌رو

حضور دبیر سعودی اتحادیه جهانی مسلمانان در مراسم عبادت بودائیان ... ۶۴

"حق‌الکد و السعایة"؛ شیخ‌الازهر خواستار اعطای نیمی از اموال حاصله در

دوران زوجیت به زنان شاغل شد ۶۶

کویت؛ لغو قانون جرم‌انگاری «تقلید از جنس مخالف» ۷۰

۷۲..... بخش سوم: تحلیل‌ها

روزنامه فرانسوی: جوانان خلاق فرانسه به دلیل نژادپرستی علیه مسلمانان عازم

ترکیه می‌شوند ۷۳

سالگرد کشتار نیلی؛ قتل عام ۵۰۰۰ مسلمان به دست گروه‌های افراطی

هندو ۷۶

- شمار دگرباشان جنسی در آمریکا طی یک دهه گذشته ۲ برابر شده است ۷۹
- در هند از هر ۱۰ زن هندو، ۶ نفر از حجاب استفاده می کنند ۸۱
- سرنوشت کودکان مسلمان ربوده شده توسط حکومت سوئد! ۸۳
- مسلمانان ارتش روسیه را هدف قرار می دهند.. از ناسیونالیست های سفیدپوست در ارتش اوکراین چه می دانید؟ ۸۶
- درگیری کلیسای ارتدوکس در اوکراین بازتاب تنش های تاریخی روسیه و اوکراین است ۹۳
- مسئله "موهای بلوند و چشمان آبی" در جنگ اوکراین ۱۰۱
- «زنسکی ابرقهرمان یهودی ماست» ۱۰۷
- بحران اوکراین: زمینه های دینی ۱۱۰
- درمورد چچن ها چه می دانیم؟ آیا یک جریان تکفیری هستند؟ ۱۲۲
- عربستان سعودی و اندونزی: دیدگاه های متضاد در اسلام میانه رو ۱۲۴
- قانون ممنوعیت سخنرانی مذهبی بدون مجوز در مصر؛ سرکوب آزادی ها یا کنترل آشوب؟ ۱۳۰
- سرکوب شاهزادگان و اخراج وهابیون؛ تشدید خلأ مشروعیت بن سلمان ۱۳۴
- بخش چهارم: گزارش ها ۱۴۱**
- از چچن تا قفقاز، ماجرای مواجهه جامعه مسلمانان روسیه با بحران جنگ در اوکراین ۱۴۲

- بخش پنجم: منشورات ۱۵۱
- مستند "سیستانی" منتشر شد ۱۵۲
- رواق اکراد در جامع الازهر مصر ۱۵۴
- کتاب «فرقه ترامپ» منتشر شد ۱۵۹
- معرفی کتاب «صلح به نام خدا؛ گفتارهای اسلامی در مورد معاهدات با اسرائیل» ۱۶۲
- هزاره‌ها در پاکستان ۱۶۴

پیشگفتار

ضرورت تجدید نظر در روش‌های تبلیغ و ترویج آموزه‌های دینی به‌ویژه برای مخاطبان عرصه بین‌الملل و بهره‌برداری از زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری بر کسی پوشیده نیست. در این مدخل صلاح را بر آن دیدیم که از خود چیزی نگوییم و به سراغ بخشی از سخنرانی امام موسی صدر که در تاریخ هفتم مهر ۱۳۴۴ش در شهر قم در حضور بزرگانی چون سید محمدباقر سلطانی طباطبائی، استاد شهید مرتضی مطهری، و جمع کثیری از علما و فضلاء آن روز حوزه علمیه ایراد شده است برویم و آن را مرور کنیم.

دنیای امروز دنیای تشکیلات است

«...اما مقدمه کوتاه دوم: بنده نمی‌خواهم تفسیر بگویم یا نصیحت کنم، یعنی زیره به کرمان ببرم. بنده می‌خواهم مشاهدات خود را برای آقایان بیان کنم. منتها یک مقدمه مختصر برای آقایان عرض کردم. مقدمه دوم، و باز کوتاه، این است که روزگاری، در صدها سال پیش از این، همه‌چیز در دنیا به‌صورت فردی بود. دولتش دیکتاتوری بود، استبداد بود، فردی بود؛ تجارتش براساس معاملات فردی بود؛ یک نفر یک نفر تاجر بودند؛ دخل و خرجش را هر کس خود تنظیم می‌کرد؛ همه‌چیز در دنیا صورت فردی داشت: زراعتش، تجارتش، درس خواندنش، دولتش، سیاستش، روزنامه‌اش و همه‌چیز به شکل فردی بود. در آن

زمان، اگر ما، یعنی قوای دینی و راهنمایان اخلاقی بشر، به صورت فردی فعالیت می‌کردیم، تا حدودی معقول و موجه بود. عیبی نداشت. برای اینکه ما هم هماهنگ با همه بودیم. یکی در مقابل یکی. آنها تنها بودند، ما هم تنها بودیم.

اما امروز همه چیز به صورت دسته‌جمعی و سازمان‌یافته درآمده است: دولت‌ها تشکلهای و سازمانها دارند؛ تجارت به صورت شرکت‌های وسیع و محیرالعقول درآمده است؛ تبلیغات مؤسسات وسیعی دارد؛ مطبوعات مشی واحد اتخاذ کرده‌اند؛ سیاستمداران احزاب را به وجود آورده‌اند؛ فلاح و کشاورزی مکانیزه شده و در قالب شرکت‌ها درآمده است. در این دنیای سازمانی، اگر ما باز بخواهیم تکروی کنیم، به نظر من نهایت سادگی است. ما اگر امروز عمل دسته‌جمعی نداشته باشیم کلاهمان پس معرکه است که هست! برای اینکه همه چیز منظم و تشکیلاتی و سازمانی است. شما جایی نشان دهید که تنها پیش بروند، بی‌سازمان راه بروند، بی‌تشکیلات پیش بروند، یا تکروی کنند. نمی‌توانید پیدا کنید.

اینها دو مقدمه عرض بنده بود. مقدمه اول اینکه جهان منظم است، پس نمی‌شود بی‌نظم زندگی کرد. مقدمه دوم اینکه جامعه امروز همه چیزش مؤسساتی، سازمانی و تشکیلاتی است و اگر ما بخواهیم بی‌سازمان و بی‌تشکیلات فعالیت کنیم، موفق نخواهیم شد. حالا اگر این دو مطلب را بپذیرفتید که چه بهتر. اگر هم نپذیرفتید، به ۵۰ سال پیش تا حالا می‌ماند که همه‌مان خُرد شدیم، له شدیم، قوایمان تلف شد، هر کس به راه خودش رفت، هر کس با دیگری تضارب و تزاخم داشت و مشکلات بیشمار پیش آمد. نتیجه هم این شد که دیگران

هزاران فرسنگ از ما پیش افتاده و رفته‌اند، اما ما هنوز همینجا هستیم و باز هم می‌مانیم. میل خودتان است. می‌خواهید بپذیرید، نمی‌خواهید هم نپذیرید. اینها دو مقدمه کوتاه بنده بود.»

در پایان این فرازاها به شخصیت دور اندیش امام موسی صدر درود بیکران می‌فرستیم و در پایان سال ۱۴۰۰ شمسی ضمن تبریک ایام و مناسبت‌های دینی و ملی، برای تمامی عزیزان به ویژه وجود با برکت امام زمان (عج) و نایب بر حقش مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و مراجع عظام و تمامی علما و اساتید و فضلا محترم حوزه های علمیه دعا می‌کنیم و برای همه آنها آروزی توفیقات روزافزون را از درگاه خداوند متعال داریم.

سید مفید حسینی کوهساری

مسئول مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه



بخش اول: اخبار

جهان اسلام

يك وبسایت عراقی از توافق نهایی بر روی «جعفر الصدر، جهت پست نخست‌وزیری خبر داد



وبسایت بغداد الیوم، جمعه ۲۰ اسفند به نقل از یک منبع مطلع نوشت که جریان صدر و کمیته هماهنگی شیعیان بر روی گزینه «جعفر الصدر» جهت پست نخست‌وزیری توافق کرده‌اند.

به نوشته این وبسایت، پس از تماس تلفنی شب گذشته مقتدی صدر با نوری المالکی، نشست کمیته چارچوب هماهنگی شیعیان نیز امروز برگزار شده و پس از آن نوری المالکی با صدر تماس گرفته و گفته است که گروه‌های شیعه از

گزینه مورد نظر وی یعنی «جعفر الصدر» برای پست نخست‌وزیری استقبال کرده‌اند.

نوری المالکی در این تماس به مقتدی الصدر گفته است که «نخستین گام، اعلام فراکسیون بزرگ‌تر بین فراکسیون صدر و چارچوب [هماهنگی] است». به گفته این منبع مطلع، کمیته چارچوب هماهنگی از طرح مقتدی صدر استقبال کرده است و «همه اقدامات و اسامی نامزدهای نخست‌وزیری را بررسی خواهد کرد». المالکی همچنین گفته است که «پس از اعلام تشکیل فراکسیون بزرگ‌تر بین چارچوب هماهنگی و فراکسیون صدر، نامزدی جعفر الصدر بررسی خواهد شد».

«جعفر الصدر» پسر عموی مقتدی الصدر و سفیر کنونی عراق در انگلیس است. او فرزند شهید آیت الله محمد باقر صدر است که در تاریخ ۹ آوریل سال ۱۹۸۰ میلادی توسط رژیم بعث عراق به همراه خواهرش بنت الهدی اعدام شد.^۱ **ملاحظه:** در پی انتشار خبر فوق، مازن الزیدی نویسنده و روزنامه‌نگار عراقی در توییتری نوشت: «یکی از موانعی که ممکن است باعث شود تا آقای جعفر الصدر نتواند دولت خود را تشکیل دهد این است که مادر وی خانم سیده فاطمه الصدر تابعیت ایرانی دارد.

درحالی‌که در ماده ۷۷ قانون اساسی تصریح شده است که شروط نخست‌وزیر همان شروط رئیس‌جمهور است که در ماده ۶۸ ذکر شده

^۱ <https://fa.shafaqna.com/news/۱۳۳۴۶۲۰>

است و بر اساس آن: رئیس جمهور [و نخست وزیر] باید عراقی باشد و از پدر و مادری عراقی متولد شده باشد.»

مرثیه ترکی الحمد در سوگ وهابیت



ترکی الحمد از نزدیکان بن سلمان ولیعهد سعودی در رابطه با اعلام روز تأسیس، در توییتی نوشت: «جنبش وهابیت شیخ محمد بن عبدالوهاب، یک ایدئولوژی مذهبی بود که بدون شک به توسعه اولین دولت سعودی کمک کرد و پس از آن رسالت تاریخی آن به پایان رسید. درست مانند جنبش پیوریتن‌ها که

ایدئولوژی آن در زمان تأسیس انگلیسی و آمریکایی بود. امروز این ضرورت پایان یافته و بخشی از تاریخ شده است.»^۱

ملاحظه: اعلام روز تأسیس حکومت سعودی توسط ملک سلمان آن هم ۱۸ سال پیش از ورود محمد بن عبدالوهاب به درعیه، بسیاری را به این نتیجه رساند که محمد بن سلمان در صدد جدایی از وهابیت است. اما اعلام آن از سوی یکی از نزدیکان بن سلمان نکته‌ای قابل تأمل است. تا پیش از این روایت رسمی سعودی که اعضای خاندان حاکم از جمله ملک فهد و ملک سلمان بر آن تأکید می‌کردند این بود که تأسیس حکومت سعودی با ورود محمد بن عبدالوهاب به درعیه و هم‌پیمانی وی با محمد بن سعود کدخدای درعیه صورت گرفته است.

۱ <https://twitter.com/TurkiHALhamad/status/۱۴۸۸۵۸۳۶۷۳۴۹۰۳۸۲۸۴۹>

مفتی عربستانی فرار از مالیات‌های سعودی را جایزدانست



سعید بن ناصر
الغامدی، معارض برجسته
حکومت سعودی و عضو
جدا شده حزب التجمع
الوطني معارض، در فتوایی
با بیان دلایل مربوطه، فرار
از مالیات‌های وضع شده
توسط حکومت سعودی را

جایز دانست و شهروندان و ساکنان سعودی را نسبت به عدم پرداخت مالیات به دولت تشویق کرد.

در بخشی از این فتوا آمده مالیات آنگونه که حکومت سعودی بر مردم در عربستان وضع کرده شرعاً حرام است. وی افزود در کشورهای غربی که شهروندان بر اساس اینکه در اداره کشور و انتخاب حاکم دخالت دارند، مالیات می‌پردازند. اما مالیات در عربستان در مسیر ویران کردن ارزش‌های جامعه و به فساد کشاندن آن و اشاعه منکر هزینه می‌شود.^۱

^۱ https://twitter.com/OS_persian/status/۱۴۹۸۷۱۰۴۴۷۰۳۳۴۹۳۱۵۵

راشد غنوشی خطاب به طرفداران قیس سعید: «مبلغان شیعه‌ای هستند که در خفا آموزش دیدند»



راشد غنوشی، رئیس پارلمان تونس با انتقاد از قیس سعید، رئیس جمهوری تونس، وی را دیکتاتور توصیف کرد و تأکید کرد که «پارلمان در حال بازگشت است و مردم همانطور که از شر دیکتاتورهای قبل از او خلاص شدند، از شر قیس سعید نیز خلاص خواهند شد.»

غنوشی ادامه داد: «ما چهره‌هایی را می‌بینیم که هیچ فعالیت سیاسی نداشته‌اند و خود را عضو ستاد تبیین او می‌دانند، اما ما را به یاد مبلغان تشیع می‌اندازند که در خفا تربیت شده‌اند و سپس به صحنه آمده و همه یک‌صدای یک چیز را تکرار می‌کنند.»

وی افزود: «مشکل قیس سعید سنی یا شیعه بودن او نیست، بلکه می‌خواهد انقلاب و قوه قضائیه تونس را از بین ببرد و همه مراجع قانونی را تصرف و نابود کند.»^۱

ملاحظه: ادعای شیعه بودن قیس سعید پس از آن است که قیس سعید چند روز پیش برای لزوم پیگرد قضایی سیاستمداران و قضات مظنون به فساد مالی، به اندیشه‌های «ابن مسکویه» فیلسوف ایرانی و فارسی‌زبان دستگاه آل بویه استناد کرد. این سخنان قیس سعید موجی از انتقادات را از سوی مخالفان وی به دنبال داشت و به استناد او به یک فیلسوف ایرانی شیعی خرده گرفتند.

حزب مشروطه آزاد، در بیانیه‌ای از این استناد قیس سعید انتقاد کرده و وی را به «سوق دادن تونس به سمت رویکرد رژیم ایران» متهم کرد. عبیر موسی، رئیس این حزب نیز در تظاهراتی در پایتخت گفت که تونس «از اسلام سیاسی اخوان المسلمین (با اشاره به جنبش النهضة) به اسلام سیاسی ایرانی حرکت کرده است». او از استناد قیس سعید به ابن مسکویه انتقاد کرد و وی را «شخصیت دینی افراطی» خواند.^۲

اما ادعای نزدیکی قیس سعید به ایران و تشیع‌تازگی ندارد. اندیشمند تونس، ابو یعرب المرزوقی، دو سال پیش پس از آنکه رئیس جمهور قیس سعید را «عروسک دست‌نشانده ایرانی» خواند و از ایده‌های او که به گفته

۱ <https://arabic.rt.com/world/۱۳۲۶۰۵۱۰>

۲ <https://www.alquds.co.uk/انتقادات-لرئيس-التونسي-بعد-استعانته/>

وی از ایران و اردوگاه مقاومت در جهان عرب حمایت می‌کند، انتقاد کرد، جنجال‌های گسترده‌ای به راه انداخت.

نزدیک به دو ماه پیش نیز خبرگزاری الجزیره در گزارش مفصلی با عنوان «از زین‌العابدین بن علی تا قیس سعید.. داستان کامل حضور ایرانیان در سرزمین یاس»، به تلاش‌های دیرین ایران برای نفوذ در تونس و گسترش تشیع در این جامعه پرداخته تا در انتها و «به گفته منابع مطلع» قیس سعید را عنصری بسیار نزدیک به ایران و پروژه‌های منطقه‌ای او بخواند.^۱

۱ ایران-فی-تونس-من- /-۲۹/۱۲/۲۰۲۱/ https://www.aljazeera.net/midan/reality/politics/

طالبان: نوروز رسم مجوسی است و آن را قبول نداریم.



مولوی محمد صادق عاکف مهاجر، سخنگو و رئیس اطلاعات وزارت امر به معروف و نهی از منکر حکومت طالبان می گوید که نوروز در اسلام نیست. مولوی محمد صادق عاکف مهاجر در گفتگو با یک رسانه خصوصی گفته است: «ما در اسلام فقط دو عید داریم: عید خُرد و عید کلان. عید دیگری به نام نوروز در اسلام نیست.»

وی افزوده است: «عید نوروز مختص به مجوسی ها است و ضرورت نمی بینم که نوروز را برگزار نمایم.»

سخنگوی وزارت امر به معروف طالبان درباره این که آیا سه روز تعطیلی نوروز در سال آینده حفظ خواهد شد یا نه نیز گفته است: «باید دید اداره کار و

امور اجتماعی چه تصمیمی خواهد گرفت اما به احتمال زیاد این سه روز تعطیل نخواهد شد.»

این در حالی است که چندی پیش شهردار طالبان در مزار شریف از آمادگی این نهاد برای برگزاری جشن سالانه نوروز در این شهر خبر داده است.^۱

ملاحظه: طالبان در طول اولین حکومت خود از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱، نوروز را ممنوع کرده بود و آن را به عنوان «یک جشن بت پرستی باستانی با محوریت آتش پرستی» توصیف می کرد.

رویترز: سرکرده جدید داعش برادر بزرگ تر ابوبکر البغدادی است



خبرگزاری رویترز به نقل از مسئولان امنیتی عراق و یک منبع امنیتی غربی اعلام کرد سرکرده جدید داعش برادر سرکرده پیشین یعنی ابوبکر البغدادی است.

۱ <https://fa.shafaqna.com/news/۱۳۳۱۳۲۹>

داعش روز پنجشنبه ۱۹ اسفند در یک پیام صوتی اعلام کرد «ابو الحسن الهاشمی القرشی» به رهبری این گروه انتخاب شده است.

این پیام صوتی چند هفته پس از هلاکت ابو ابراهیم القرشی دومین سرکرده گروه تروریستی داعش در شمال سوریه منتشر شده است.

در همین رابطه، دو مسئول امنیتی عراقی به خبرگزاری رویترز گفتند نام واقعی سرکرده جدید داعش «جمعه عوض البدری» است که متولد عراق و برادر بزرگ‌تر البغدادی است.

یک مسئول امنیتی غربی هم تأکید کرد که این دو برادر (ابو بکر البغدادی و سرکرده جدید داعش) برادر تنی یکدیگر هستند اما مشخص نکرد که کدام بزرگ‌تر است.

اطلاعات زیادی از البدری در دست نیست اما وی از حلقه نزدیک به گروه‌های افراطی و جهادی عراق است که پس از حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی ظهور یافتند.

یکی از مسئولان امنیتی عراق گفت: «البدری شخصیتی افراطی و تندرو است که در سال ۲۰۰۳ میلادی به گروه‌های سلفی و جهادی ملحق شد و همواره به همراهی شخصی و مشاور شرعی اسلامی البغدادی معروف بود.»

وی گفت: «البدری از مدت‌ها پیش رئیس مجلس شورای داعش بود که مسئولیت ترسیم استراتژی و انتخاب «خلیفه» بعدی به هنگام هلاکت یا اسارت سرکرده قبلی را بر عهده دارد.»

در فایل صوتی داعش آمده است که سرکرده جدید پیش از هلاکتش وی را به این سمت انتخاب کرده است.

لقب «القرشی» از ادعای باطل این گروه حکایت دارد که سرکردگان این گروه منتسب به پیامبر بزرگوار اسلام (ص) هستند تا این چنین میان طرفداران خود نفوذ دینی کسب کنند.

مسئولان امنیتی عراق تصریح کردند سرکرده جدید داعش به تلاش‌های خود برای انجام حملات در سراسر عراق و سوریه ادامه خواهد داد و چه بسا دیدگاه و روش خاصی برای نحوه انجام این حملات داشته باشد.

یک مسئول امنیتی عراقی به خبرگزاری رویترز گفت: البدری اخیراً از طریق مرز سوریه وارد عراق شده و منابع مالی مهم این گروه تروریستی را به ارث خواهد برد.

بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، داعش حدود ۲۵ تا ۵۰ میلیون دلار پول در دست دارد که از باج‌گیری، غارت و ربایش در برابر پرداخت فدیة به دست آمده است.

مسئول امنیتی عراق در پایان گفت: «البدری دو برادر دیگر هم دارد؛ یکی از آنها چند سال است توسط نیروهای امنیتی عراق دستگیر شده است اما مکان برادر دیگر وی نامعلوم است اما گمان می‌رود وی هم عضو داعش باشد»^۱

^۱ <https://fa.shafaqna.com/news/۱۳۳۴۶۵۱>

هشدار رژیم صهیونیستی درباره وخامت اوضاع در فلسطین در ابتدای ماه رمضان



منابع امنیتی اسرائیلی درباره احتمال وخیم‌تر شدن اوضاع امنیتی در فلسطین با فرا رسیدن ماه رمضان هشدار دادند.

به گزارش خبرگزاری آناطولی، بر اساس سندی که به دست رسانه‌ها رسیده است، فرمانده نیروهای رژیم صهیونیستی در کرانه باختری در پیامی برای فرماندهان عالی رتبه ارتش اسرائیل، هشدار داده که اوضاع امنیتی در قدس با فرا رسیدن ماه رمضان بسیار نگران‌کننده و احتمال آغاز ناآرامی‌ها زیاد است.

وی در این پیام افزوده که ضرب‌الاجل، اول ماه رمضان است و این هدفی است که نیروهای ارتش اسرائیل باید آماده باشند، چرا که انتظار می‌رود تشدید تنش بعدی با دفعه‌های قبل متفاوت باشد.

شبکه عبری زبان «کان» نیز در این زمینه اعلام کرد که این جنگ می‌تواند با شورش در الشیخ جراح یا کوه معبد یا کشته شدن فلسطینی‌ها در روبارویی با نیروهای اسرائیلی یا در نتیجه ترور شروع شود.

کرانه باختری اخیراً شاهد افزایش تنش به شکل فزاینده‌ای است که این تنش‌ها ناشی از اقدامات نیروهای رژیم صهیونیستی و خشونت شهرک‌نشینان اسرائیلی علیه فلسطینیان است.

بیشتر روز سه‌شنبه ۱۵ فوریه یک جوان فلسطینی (۲۰ ساله) اهل روستای کفرعین در شمال رام‌الله (مرکز کرانه باختری) در ورودی روستای نبی صالح در مجاورت روستای خود به ضرب گلوله ارتش اسرائیل شهید شد.

در هشت فوریه نیز ارتش رژیم صهیونیستی با تیراندازی به یک خودرو در شهر نابلس، سه شهروند فلسطینی را به شهادت رساند.

محل الشیخ جراح در قدس شرقی اشغالی از روز یکشنبه ۱۳ فوریه شاهد درگیری میان فلسطینی‌ها از یک سو و نیروهای ارتش و شهرک‌نشینان صهیونیستی از سوی دیگر بوده است.

جدیدترین تشدید تنش در ماه رمضان سال گذشته و در پس‌زمینه تهاجم پلیس اسرائیل به مسجد الاقصی رخ داد که اوضاع را در اورشلیم، کرانه باختری و شهرهای عربی و مختلط داخل اسرائیل منفجر کرد.

در پی این تنش‌ها، جنگ ۱۱ روزه جنبش مقاومت فلسطین (حماس) با رژیم صهیونیستی شکل گرفت که با میانجی‌گری مصر پایان یافت.^۱

اتحادیه علمای مسلمان میزبانی ترکیه از هرتزوگ را محکوم کرد



اتحادیه جهانی علمای مسلمان، میزبانی اخیر ترکیه از اسحاق هرتزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی را محکوم کرد.

اتحاد العلماء با صدور بیانیه‌ای، اقدام رئیس جمهور ترکیه مبنی بر دعوت و میزبانی از رئیس رژیم اشغالگر قدس را به شدت محکوم کرده و نسبت به میزبانی رسمی رجب طیب اردوغان از هرتزوگ ابراز تأسف نمود.

در این بیانیه آمده است: «ما از این سفر غافلگیر شدیم و این اقدام، یک اقدام در راستای عادی‌سازی روابط بوده که مردود است و محکوم می‌شود. این سفر

^۱ <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۰۱۱۲۷۲۱۳۴۲>

صرفاً در راستای منافع رژیم اشغالگر است و مبارزه ملت فلسطین را متضرر می‌کند.»

اتحادیه جهانی علمای مسلمان در ادامه تأکید کرد: «این اقدام در خور جایگاه ملت ترکیه، تعهدات اسلامی و انسانی و مواضع شرافتمندانه آنها در قبال مسئله فلسطین و جنایات رژیم اشغالگر نیست.»

در این بیانیه همچنین تأکید شده است: «جایگاه کشور ترکیه و جایگاه آن در میان امت اسلام ایجاب می‌کند که بیش از پیش در برابر اشغالگری و نمادهای آن و همچنین نقض ارزش‌ها و قوانین بین‌المللی توسط آنها بایستد.»

رئیس رژیم صهیونیستی چهارشنبه ۱۸ اسفند طی سفر به ترکیه با رجب طیب اردوغان دیدار و گفت‌وگو کرد.

رئیس‌جمهوری ترکیه در این دیدار گفت: توسعه و تقویت روابط ترکیه و اسرائیل برای ثبات و صلح منطقه و همچنین دولت‌هایمان حائز اهمیت بالایی است.

به نظر اردوغان، این سفر تاریخی، یک نقطه عطف جدید در روابط ترکیه و اسرائیل خواهد بود.^۱

ملاحظه: این موضع‌گیری اتحاد العلماء از آن رو اهمیت دارد که این سازمان رویکردی اسلام‌گرا دارد و همواره روابط بسیار نزدیکی با ترکیه داشته است.

^۱ <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۰۱۲۲۰۱۵۸۰۰>

با سیاست تازه ترکیه برای تنش‌زدایی با مصر و اسرائیل، اسلام‌گراها و اخوانی‌های ساکن ترکیه که پس از کودتای سیسی در مصر به این کشور پناه آورده‌اند، هراس شدیدی دارند که وجه‌المصالحه سیاست تازه ترک‌ها شوند.

این هراس در نزدیکی ترکیه با اسرائیل نیز به شدت احساس می‌شود؛ شبکه اسرائیلی «کان» در گزارشی مدعی شده که اسحاق هرتزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی در دیدار اخیر خود با رجب طیب اردوغان در آنکارا، از اردوغان درخواست کرده تا علیه فعالان حماس در خاک ترکیه اقدامی صورت دهد. این شبکه افزود اسرائیل در گذشته نیز چندین بار این خواسته را مطرح کرده است.^۱

^۱ <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۰۱۲۱۹۱۵۴۵۶>

غرب

ممنوعیت حجاب در دادگاه‌های لیل، فرانسه تأیید شد



دادگاه عالی فرانسه حکم بدوی در مورد ممنوعیت استفاده از حجاب اسلامی در دادگاه‌های یک شهر را تأیید کرد.

به گزارش رویترز، بالاترین دادگاه فرانسه چهارشنبه ۱۱ اسفند ممنوعیت استفاده از حجاب و سایر نمادهای مذهبی در دادگاه‌های لیل را تأیید کرد، حکمی که می‌تواند به عنوان یک نمونه برای دیگر شهرهای فرانسه به منظور مقابله با حجاب اسلامی تفسیر شود.

این پرونده توسط سارا اسمتا، یک وکیل ۳۰ ساله فرانسوی-سوری مطرح شده بود. این وکیل مسلمان قانون تعیین شده توسط شورای وکلای شهر لیل در شمال فرانسه در ممنوعیت نشان‌های مذهبی و سیاسی در دادگاه‌ها را به دلیل تبعیض‌آمیز بودن به چالش کشیده بود.

در حکم دادگاه تجدیدنظر آمده است: «شورای وکلا با الزام اعضا به پوشیدن لباس دادگاه بدون هیچ علامت متمایزی، به تضمین برابری وکلا و تساوی بین طرفین دعوا کمک می‌کند.»

این دادگاه گفته ممنوعیت استفاده از نمادهای مذهبی تبعیض محسوب نمی‌شود.

این حکم برای اولین بار در نوع خود در کل فرانسه محسوب می‌شود. دادستان کل فرانسه گفته است که ممکن است از این رأی به عنوان یک مبنا برای برخورد در دادگاه‌های شهرهای دیگر فرانسه عمل کند.^۱

^۱ <https://fa.shafaqna.com/news/۱۳۲۸۸۷۵>

کروات‌های بوسنی: اگر قوانین انتخابات تغییر نکند، جدای شویم



ملی‌گرایان کروات در بوسنی گفتند، می‌توانند روندی سیاسی را به جریان بیاورند تا منطقه خود را در بوسنی شکل دهند، مگر آنکه قوانین انتخابات به گونه‌ای تغییر کنند که این جمعیت کروات، حضور بیشتری در نهادهای ملی بوسنی داشته باشد.

«پارلمان ملی کروات» (نهادی که به نمایندگی از احزاب سیاسی کروات در بوسنی رهبری می‌شود) افزود، اگر توافقی در زمینه تغییرات انتخاباتی حاصل نشود، آنها هم موضوع برگزاری انتخابات سراسری در ماه اکتبر را منتفی می‌دانند. مسلمانان بوسنی همراه با کمیسیون مرکزی انتخابات و فرستادگان بین‌المللی گفته‌اند انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی اکتبر می‌تواند بر اساس قوانین جاری برگزار شود.

تحریم احتمالی انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری بوسنی توسط کروات‌ها، بحران سیاسی بوسنی را تشدید خواهد کرد. بوسنی از دو بخش تشکیل شده است که تا حد زیادی خودمختار هستند: یک فدراسیون که مشترکاً توسط کاتولیک‌های کروات و مسلمانان بوسنیایی اداره می‌شود و بخشی دیگر که جمهوری صرب تحت سلطه صرب‌هاست.

صرب‌های بوسنی، کروات‌ها و مسلمانان در دهه ۹۰ میلادی به جنگی مبادرت ورزیدند که ۱۰۰ هزار کشته در پی داشت. در ۱۹۹۵، توافق صلحی با حمایت آمریکا موسوم به «دیتون»، به این جنگ پایان بخشیده و بوسنی را به این دو بخش خودمختار تقسیم کرد.

این دو بخش که غالباً باهم رقابت دارند، توسط دولتی نه‌چندان قدرتمند به یکدیگر متصل شده‌اند، دولتی با سه ریاست جمهوری، پارلمان و کابینه.

از آنجا که مسلمانان برای دو دوره متوالی نماینده ریاست جمهوری منطقه مشترک با کروات‌ها را از میان یک حزب چند قومیتی انتخاب کردند، کروات‌ها از اتحاد خود با مسلمانان بوسنی ناراضی شده و می‌خواهند مطمئن شوند که عضو کروات ریاست جمهوری تنها با رأی کروات‌های این منطقه تعیین می‌شود.^۱

ملاحظه: بوسنی بدترین بحران سیاسی خود را از پایان جنگ بالکان در دهه ۱۹۹۰ تجربه می‌کند و صرب‌های بوسنی به عنوان بخشی از تلاش

^۱ <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۰۱۲۰۱۰۰۲۹۶>

طولانی مدت خود برای جدایی و در نهایت پیوستن به صربستان، نهادهای دولتی را به چالش می‌کشند.

لفاظی‌های ناسیونالیست‌های راست‌گرا و جدایی‌طلبان در بوسنی و هرزگوین در حال افزایش است و ثبات و حتی یکپارچگی کشور را به خطر انداخته و ساختار سیاسی پیچیده‌ای که ماحصل موافقت‌نامه دیتون است، برقراری ثبات در این کشور را دشوار می‌کند.

اتحادیه اروپا که مسئولیتی حقوقی در حفظ ثبات و امنیت بوسنی بر عهده دارد، جز برخی لفاظی‌ها مداخله‌ای جدی در روند رو به رشد تنش‌ها میان مسلمانان، صرب‌ها و کروات‌های بوسنی نداشته است.

ایجاد یک مؤسسه اسلام‌شناسی با همکاری دانشگاه‌های تراز اول فرانسه



طبق خبری که توسط وزارت آموزش عالی فرانسه منتشر شد، دانشگاه‌های تراز اول فرانسه برای ایجاد یک مؤسسه اسلام‌شناسی همکاری می‌کنند.

این مؤسسه جدید مأموریت ترویج و توسعه مطالعات علمی در مورد اسلام و توسعه تحقیقات سطح بالا در این زمینه در فرانسه را بر عهده خواهد داشت. دانشگاه استراسبورگ، دانشگاه اکس مارسی، مدرسه عملی مطالعات پیشرفته، مؤسسه ملی زبان‌ها و تمدن‌های شرقی، دانشکده مطالعات پیشرفته در علوم اجتماعی در یک کارگروه مشترک به منظور ایجاد یک مؤسسه اسلام‌شناسی فرانسوی با هم متحد شده‌اند.

فرمان ایجاد «مؤسسه اسلام‌شناسی فرانسه» روز پنجشنبه ۱۷ فوریه در روزنامه رسمی منتشر شد.

این وزارتخانه در بیانیه‌ای اعلام کرد که مدیر آینده آن سواد آیادا، رئیس فعلی شورای عالی برنامه‌ها است.

این وزارتخانه افزود «هدف این مؤسسه ترویج و توسعه مطالعات علمی درباره اسلام و توسعه تحقیقات سطح بالا در این زمینه در فرانسه است. این آموزش آکادمیک، قادر به روشنگری علمی دانشجویان در زمینه اسلام‌شناسی خواهد بود.»^۱

سایر ادیان

هزاران غسل تعمید بایک کلمه اشتباه یک کشیش باطل شد



هزاران غسل تعمید در یک کلیسای کاتولیک در آریزونا باطل شده است، زیرا یک کشیش در اجرای مراسم از کلمات اشتباه استفاده می‌کرده است. پدراندرس آرانگو اوایل این ماه پس از اینکه رهبران اسقف‌نشین متوجه شدند که او به اشتباه از عبارت «ما تو را تعمید می‌دهیم» به جای «من تو را تعمید می‌دهم» برای ۱۶ سال استفاده کرده، از کلیسای سنت گرگوری در فونیکس استعفا داد.

خطای او به این معناست که تعمیدهای بی‌شماری - که در الهیات کاتولیک یک شرط لازم برای نجات است - باید دوباره انجام شود و برخی از کسانی که

به این کلیسا می‌رفته‌اند ممکن است متوجه شوند که ازدواج آنها به رسمیت شناخته نشده است.

اسقف‌نشین فونیکس اعلام کرده «تعمید نامعتبر... هر گونه آیین مقدس بعدی، به ویژه تأیید (ایمان)، ازدواج، و دستورات مقدس (که به موجب آن اسقف‌ها، کشیشان و شماس‌ها منصوب می‌شوند) را باطل می‌کند.»

اسقف فونیکس، توماس اولمستد، می‌گوید: «استفاده از «ما» در غسل تعمید، از آن رو نادرست است که این جامعه نیست که یک شخص را تعمید می‌دهد، بلکه این عیسی مسیح است که تعمید می‌دهد.»^۱

^۱ https://www.theguardian.com/us_news/2022/feb/16/arizona-baptisms-invalidated-priest-uses-one-wrong-word

درخواست ضمنی واتیکان برای حذف حزب‌الله از لیست تروریستی آمریکا



محافل کلیساهای مسیحیان خبر دادند که «پل ریچارد گالاگر» وزیر امور خارجه واتیکان، ماه گذشته میلادی، در دیدار با مسئولان کلیساهای بیروت و مقامات سیاسی لبنانی به مسئله حزب الله و روابط این داخلی و منطقه‌ای با این جنبش پرداخته است.

فرستاده واتیکان در یک دیدار دیپلماتیک پیرامون مأموریتش به نقش حزب‌الله در آبادانی لبنان اشاره کرده که این موجب غافلگیری برخی از محافل لبنانی شده است.

این روزنامه لبنانی در ادامه اضافه کرد که فرستاده واتیکان در دیدار مذکور درباره اهمیت گفت‌وگو با حزب‌الله درباره اوضاع داخلی لبنان و «بهبود» روابط

با این جنبش به عنوان یک گروه شیعی و یکی از گروه‌های اساسی لبنان سخن به میان آورده است.

طبق این گزارش، پل گالاگر همچنین درباره لزوم «اطمینان خاطر دادن» به حزب‌الله در داخل و از سوی دیگر کشورها صحبت کرده و خاطرنشان کرده است که حذف نام حزب‌الله از لیست تروریستی آمریکا و برخی کشورها باعث تلطیف فضا و بهبود روابط با این جنبش می‌شود.^۱

اخبار کوتاه

۱. گروه تروریستی داعش علی‌رغم وضعیت سردرگمی که پس از کشته شدن سرکرده‌اش با آن مواجه شده است، در اولین واکنش به حمله روسیه به اوکراین، این جنگ را یک جنگ «صلیبی - صلیبی» خواند. گروه داعش با انتشار مقاله‌ای در سرمقاله روزنامه «النبا» وابسته به خود با پیش‌بینی توسعه دامنه این جنگ تأکید کرد: «این جنگ چه طولانی باشد و چه کوتاه، نقطه آغاز جنگ‌های «صلیبی - صلیبی» است که پیش‌بینی می‌شود به کشورهای اروپایی دیگر نیز کشیده شود. آنچه امروز در حال رخ دادن است صحنه کوچکی از جنگ بزرگ میان آنها (مسیحیان) است»^۱
۲. دادگاه مصر ۱۶ نفر از رهبران اخوان المسلمین را در لیست تروریسم قرار داد. بر اساس حکم دادگاه عالی مصر که در تأیید حکم دادگاه بدوی صورت گرفت، این افراد که از رهبران اخوان المسلمین به شمار می‌روند، از زمان صدور حکم به مدت پنج سال در فهرست تروریسم خواهند بود و مشمول قوانین مرتبط با تروریسم در این کشور می‌شوند. در بین افراد مذکور نام عبدالمنعم ابوالفتوح، محمود عزت و ابراهیم منیر از جمله رهبر مهم اخوان المسلمین نیز دیده می‌شود.^۲

۱ <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۰۱۲۱۵۱۱۴۶۴>

۲ <https://arabic.rt.com/middle-east/۱۳۲۸۷۷۵->

۳. حجت الاسلام و المسلمین سید صدرالدین قبانچی با اشاره به نشانه‌های نزدیکی حل بحران سیاسی عراق، گفت: «پروژه جدید حل این بحران، توافق اکثریت ملی است به گونه‌ای که مشارکت تمامی گروه‌های شیعه را تضمین می‌کند.» امام جمعه نجف اشرف از موضع‌گیری اهل سنت و کردها که اعلام کردند در تقسیم‌بندی گروه‌های شیعه شرکت نمی‌کنند و در کنار یک گروه علیه گروه دیگر نمی‌ایستند، تشکر و قدردانی کرد. حجت الاسلام و المسلمین قبانچی از امارت و عربستان سعودی خواست دست از سر عراق بردارند و گفت: «این دو کشور تلاش می‌کنند در عراق جنگ شیعی-شیعی راه بیندازند.» وی نسبت به پیامدهای این سیاست‌ها هشدار داد و افزود: «عراق کشوری صاحب حاکمیت است و دولت یزید و مروان نیست. عراق هرگز به دوران حکومت طایفه‌ای باز نمی‌گردد.»^۱

۴. شبکه تلویزیون اجتماعی جمهوری آذربایجان، ای تی وی، از پخش اذان با صدای بالای بلندگو در مناطق نزدیک محل سکونت ارامنه در قره‌باغ خبر داد و تأکید کرد ارامنه باید به این صداها عادت کنند! این در حالی است که جمهوری آذربایجان همواره قشر دیندار این کشور، به ویژه شیعیان را با انواع محدودیت‌ها روبه‌رو ساخته و تحمیل سبک زندگی اسلامی بر

^۱ <https://www.hawzahnews.com/news/1009110>

مناطق ارمنی‌نشین را نمی‌توان جز جنگ روانی دولت آذربایجان علیه ارامنه
به شمار آورد.^۱

\ <https://m.facebook.com/story.php?story>

fbid=۴۹۱۴۴۶۳۴۵۲۰۰۶۹۱۴&id=۹۸۲۵۰۴۸۶۸۵۳۶۱۴۵



بخش دوم: روندها

نژادپرستی و اسلام‌هراسی

نماینده تندرو پارلمان اسپانیا، مسلمانان را متجاوز خواند



سانتیاگو آباسکال، نماینده پارلمان اسپانیا و رئیس حزب راست افراطی فاکس، در سخنرانی خود در پارلمان، مسلمانان را «متجاوز» توصیف کرد. آباسکال در مورد وضعیت کنونی اوکراین گفت: «اینها (اوکراینی‌ها) پناهندگان واقعی هستند و اروپا باید میزبان آنها باشد.» وی با «مهاجم» خواندن مسلمانان، افزود: «در میان آنها کودکان و سالخورده‌گان هستند... برخلاف مسلمانان که اکثراً از جنگجویان در سن جنگ

تشکیل شده بودند و آنها به مرزهای اروپا پرتاب شدند تا ثبات و امنیت آن را تهدید کنند.»

اظهارات آباسکال همزمان با موجی از اظهارات نژادپرستانه مقامات و رسانه‌های اروپایی پس از حمله روسیه به اوکراین و حرکت پناهجویان اوکراینی به سوی کشورهای اروپایی بود.

کاربران شبکه اجتماعی توییتر، اظهارات آباسکال را منتشر کرده و خشم خود را از نژادپرستی آشکار اخیر علیه مسلمانان ابراز کردند.

آنها با ابراز خشم خود، یک کلیپ تلویزیونی را مجدداً منتشر کردند که نشان می‌دهد یک نماینده پارلمان لهستان درباره تشدید محدودیت‌های کشورش برای دسترسی مسلمانان، به خود می‌بالد.

این نماینده مجلس در پاسخ به تعداد پناهندگانی که لهستان در سال‌های گذشته پذیرفته است، تأکید کرد که این تعداد «صفر» است، به نشانه این که هیچ پناهنده‌ای اجازه ورود ندارد.

این نماینده پارلمان لهستان با افتخار می‌افزاید: «اگر از من در مورد پناهندگان مسلمان غیرقانونی پرسید، بله، هیچ‌کس نیامده است. ما بیش از دو میلیون پناهنده اوکراینی را پذیرفته‌ایم و آنها در آرامش مشغول به کار هستند، اما ما از یک مسلمان هم استقبال نمی‌کنیم. این همان چیزی است که ما قول داده بودیم.»

وی در مورد اینکه به دلیل این اظهاراتش شایعه نژادپرست بودن وی مطرح شده، گفت: «این همان چیزی بود که دولت ما به مردم وعده داد و به همین دلیل انتخاب شدیم.»

او با اشاره به اینکه این ممنوعیت دلیل واقعی امنیتی است که لهستان از آن برخوردار است. ادامه داد: «به همین دلیل ما با یک حمله تروریستی مواجه نشدیم» و تأکید کرد که برایش اهمیتی ندارد که چه برجسب‌هایی را به او می‌چسبانند، حتی اگر این شامل نژادپرستانه خواندن او باشد.^۱

نژادپرستی بی‌شرمانه نامزد راست افراطی انتخابات فرانسه علیه مهاجران مسلمان



اریک زمور، نامزد راست افراطی انتخابات فرانسه، سه‌شنبه ۸ مارس، طی مصاحبه‌ای طولانی با تلویزیون BFM فرانسه، بار دیگر تأکید کرد که بهتر است به پناهندگان اوکراینی که از جنگ فرار می‌کنند کمک کنیم.

برلمانی - اسپانی - متطرف - یصف - المسلمین - با/ <https://www.alquds.co.uk/>

زمور در سخنانی گفت موافق مهاجرت مسیحیان سفید به این کشور است اما از ورود مهاجران عرب و مسلمان به فرانسه باید جلوگیری شود.^۱

انتقاد الازهر از تحریم فوتبال روسیه و بی تفاوتی به جنایات رژیم صهیونیستی



الازهر مصر اقدام فیفا در تحریم فوتبال روسیه و بی تفاوتی آن نسبت به جنایات رژیم صهیونیستی را سیاست‌های دوگانه خواند و محکوم کرد. الازهر از فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا)، پس از تصمیماتش علیه روسیه و در همبستگی با اوکراین، پرسید: «آیا شما فلسطین را می‌شناسید؟ انسانیت در زمان جنگ و درگیری‌ها تجزیه‌ناپذیر است.»

۱ یریک - زمور - نعم - لهجره - المسیحین - البیض - ول / <https://www.alquds.co.uk/>

الازهر ادامه داد: «نباید استانداردهای دوگانه‌ای وجود داشته باشد. ما اقدام فیفا را محکوم می‌کنیم؛ بخصوص که این فدراسیون دیرزمانی است که به مسئله داغ فلسطین با شعار جدایی سیاست از ورزش بی‌توجه است.»^۱

۱ https://arabic.rt.com/middle-east/۱۳۳۰۳۰۳_

دین و جنگ اوکراین

رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه: تهاجم اوکراین، جنگی عادلانه علیه
غور و همجنس‌گرایان است



رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه گفت که تهاجم کشورش به اوکراین یک
مأموریت الهی علیه همجنس‌گرایان است.

بر اساس گزارش مسکو تایمز، پاتریارک کریل در خطبه روز یکشنبه خود
در ۶ مارس از «عملیات نظامی» روسیه در اوکراین حمایت کرد و آن را یک
درگیری بر سر اینکه «کدام انسان‌ها طرف خدا خواهند ایستاد» خواند.

او توجه‌ها را به رژه‌های غرور و افتخار همجنس‌گرایان اوکراین و قوانین طرفدار LGBT جلب کرد و آنها را «آزمون وفاداری» و نمونه‌ای از تلاش اوکراین برای تغییر شکل خود در تصویر فرهنگی کشورهای عضو ناتو خواند.

«رژه‌های افتخار برای این طراحی شده‌اند که نشان دهند گناه یکی از انواع رفتار انسان است. به همین دلیل است که برای پیوستن به باشگاه آن کشورها باید یک رژه افتخار همجنس‌گرایان برگزار شود.»

کریل گفت: «ما می‌دانیم که اگر مردم یا کشورها این خواسته‌ها را رد کنند، بخشی از آن جهان نیستند، بلکه با آن غریبه می‌شوند.»

او خاطرنشان کرد، اما روسیه و مناطق جداشده شرق اوکراین، که عملاً در سال ۲۰۱۴ از اوکراین جدا شدند و توسط جدایی‌طلبان طرفدار روسیه رهبری می‌شوند، اساساً این خواسته‌ها را رد کرده‌اند.

کریل گفت: «به مدت هشت سال، تلاش‌هایی برای از بین بردن آنچه در دونباس وجود دارد، انجام شده است. در دونباس یک مخالفت اساسی علیه به اصطلاح ارزش‌هایی وجود دارد که امروز توسط کسانی که مدعی قدرت جهانی هستند، ارائه می‌شود.»

رهبر کلیسای روسیه همچنین برای توصیف جنگ به زبانی آخرالزمانی و تمدنی متوسل شد و گفت که این جنگ «بسیار مهم‌تر از سیاست» است.

وی گفت: «اگر بشر بپذیرد که گناه نقض قانون خدا نیست، اگر بشر بپذیرد که گناه نوعی رفتار انسانی است، تمدن بشری به همین جا ختم خواهد شد»^۱.

در اقدای بی سابقه کشیشان ارتدوکس روسی با سیاست جنگ طلبانه، دولت روسیه مخالفت کردند



گروهی متشکل از ۲۳۳ کشیش و شماس کلیسای ارتدوکس روسیه در نامه‌ای سرگشاده خواستار پایان دادن جنگ در اوکراین شدند. آنها وضعیت موجود را «برادرکشی» توصیف کرده و خواستار آشتی و آتش‌بس فوری شدند. آنها در این نامه آورده‌اند: «ما عزادار مصیبتی هستیم که برادران و خواهران ما در اوکراین به ناحق در معرض آن قرار گرفته‌اند.» این کشیشان و شماس‌ها با

^۱ <https://www.themoscowtimes.com/۰۷/۰۳/۲۰۲۲/russian-church-leader-appears-to-blame-gay-pride-parades-for-ukraine-war-av۶۸۰۳>

یادآوری «عذاب ابدی» برای کسانی که «دستورات خونین» می‌دهند، ابراز امیدواری کرده‌اند که همه سربازان روسی و اوکراینی بتوانند بدون آسیب به خانه برگردند.^۱

ملاحظه: نام کریل، رهبر کلیسای ارتدوکس مسکو، جزو امضاکنندگان این نامه نیست، اما تاکنون در برابر این صدای مخالف نیز موضعی نگرفته است. کریل خود در آغاز جنگ (۲۴ فوریه) در بیانیه‌ای خطاب به «مؤمنان روسی»، از همه طرف‌های درگیر جنگ در اوکراین خواست «از تلفات غیرنظامیان جلوگیری کنند» و بر لزوم «غلبه بر اختلافات» بین مردم روسیه و اوکراین تأکید کرد. کریل بی‌آنکه حمله روسیه به اوکراین را محکوم کرده و خواستار پایان خشونت شود، به روحانیون ارتدوکس و مؤمنان گفت: «با دردی عمیق و از صمیم قلب، رنج مردم در وقایع رخ داده را درک می‌کنم. من به عنوان پدرسالار تمام روسیه و رئیس کلیسا، که پیروان آن در روسیه، اوکراین و سایر کشورها هستند، عمیقاً با همه کسانی که تحت تأثیر بدبختی قرار گرفته‌اند، همدردی می‌کنم.»^۲

اما در همان روز، اسقف اونوفری، اسقف اعظم کلیسای ارتدوکس اوکراین که تحت اقتدار معنوی کلیسای مسکو و پاتریارک کریل است، با «فاجعه» خواندن جنگ اخیر، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه را خطاب قرار داده و گفت: «با دفاع از حاکمیت و تمامیت اوکراین، از

^۱ https://www.vaticannews.va/en/church/news/۰۳-۲۰۲۲/russian_orthodox_priests_no_call_for_peace_should_be_rejected.html

^۲ <http://www.patriarchia.ru/db/text/۵۹۰۳۷۹۵.html>

رئیس جمهور روسیه درخواست می‌کنیم و از او می‌خواهیم که فوراً جنگ برادر کشی را متوقف کند. مردم اوکراین و روسیه همگی از حوض غسل تعمید دنیپر بیرون آمده‌اند و جنگ بین این مردمان تکرار گناه قابیل است که برادر خود را از حسادت کشت. چنین جنگی نه از جانب خدا و نه از جانب مردم توجیهی ندارد.^۱

بیانیه اونوفری، که به کلیسای مسکو وفادار است، تا حدی همراهی با رقیب معنوی خود، اپیفانیوس، اسقف اعظم «کلیسای ارتدوکس اوکراین» است. اسقف اعظم کلیسای ارتدوکس اوکراین که در اواخر ۲۰۱۸ و اوایل ۲۰۱۹ استقلال خود را از پاتریارک مسکو اعلام کرد، ۲۲ فوریه از رهبران جامعه ارتدوکس وفادار به مسکو خواسته بود تا فوراً به نفع صلح موضع‌گیری کنند و منتظر نباشند که رهبری آنها (در مسکو) ابتدا این کار را انجام دهد. اپیفانیوس گفته بود: «متجاوز باید بشنود و ببیند که شما منتظر او نیستید، به نیروهای او و قدرت او نیاز ندارید. این وظیفه مدنی و مسیحی هر یک از شما است.»^۲

برخی دیگر از کلیساهای خودمختار ارتدوکس نیز در موضع‌گیری‌هایی همسو، جنگ روسیه علیه اوکراین را محکوم کردند. به عنوان مثال، بارتلمیوس، پاتریارک قسطنطنیه، این تهاجم را یک حمله بی‌دلیل و نقض

۱ <https://orthochristian.com/۱۴۴۶۴۲.html>

۲ https://www.pomisna.info/uk/vsi_novyny/mytropolyt_epifanij_zaklykav_do_zahystu_ukrayiny_vid_rosijskoyi_agresiyi

حقوق بشر خواند.^۱ دانیال، پاتریارک رومانی، نیز این خشونت را «جنگی که روسیه علیه یک کشور مستقل به راه انداخته است» برشمرد.^۲ در میان کاتولیک‌های روسیه نیز، همسو با موضع واتیکان و پاپ، در مخالفت با جنگ در اوکراین بیانیه دادند. اسقف‌های کاتولیک روسیه که نماینده ۸۰۰ هزار مسیحی کاتولیک در روسیه هستند، به سیاستمداران این کشور هشدار داده‌اند که آنها باید پاسخگوی اقدامات نظامی خود باشند و از آنها خواستند تا درگیری در اوکراین را متوقف کنند. اسقف‌ها با اشاره به قانون اساسی کلیسای شورای دوم واتیکان، هشدار دادند که «اتفاقات قرن‌های آینده تا حد زیادی به تصمیمات فعلی شما بستگی دارد.»^۳

۱ https://orthodoxtimes.com/ecumenical_patriarch_condemned_unprovoked_russian_invasion_of_ukraine

۲ https://orthodoxtimes.com/patriarch_daniel_calls_for_end_to_war_in_ukraine_urges_prayers_for_peace

۳ <https://www.hawzahnews.com/news/۱۰۱۱۷۶۵>

دینِ دولتی

انحلال مرجع اجرایی مسلمانان در بلژیک



دولت فدرال بلژیک از آغاز روند لغو به رسمیت شناختن نهاد نمایندگی دین اسلام در این کشور موسوم به مرجع اجرایی مسلمانان بلژیک خبر داد. وزیر دادگستری بلژیک در مصاحبه‌ای تصریح کرد اقداماتی برای لغو به رسمیت شناختن مرجع اجرایی مسلمانان بلژیک آغاز شده است. این تصمیم به معنای لغو حدود ۶۰۰ هزار یورو یارانه و پایان وضعیت نمایندگی این نهاد از مسلمان خواهد بود. ناظران، این اقدام را پیروی از انحلال شورای مسلمان فرانسه توصیف کرده‌اند.

دولت بلژیک برخی از مساجد این کشور را به گسترش افراط‌گرایی در بین مسلمانان بلژیک متهم کرده است. از این‌رو دولت در دسامبر گذشته اعلام کرد:

یارانه‌های دولتی در سال ۲۰۲۲ دیگر به این مراکز اختصاص نخواهد یافت تا زمانی که این وضعیت اصلاح شود.

اتهام دخالت خارجی و گسترش افراط‌گرایی

وزیر دادگستری بلژیک در ادامه افزود: «مسئولان مرجع اجرایی مسلمانان بلژیک دیگر در امور مرتبط با اسلام، نماینده جامعه مسلمان محسوب نمی‌شوند و دیگر طرف گفت‌وگوی دولت نیستند.»

عدم شفافیت مرجع اجرایی مسلمانان و دخالت خارجی در مساجد بلژیک نیز از دیگر مشکلات این نهاد توصیف شده است.

با این حال، بیشترین انتقادات از این نهاد، مرتبط با مداخلات خارجی به ویژه از سوی ترکیه و مراکش است؛ چرا که بیشتر مسلمانان بلژیک اهل این دو کشور هستند. فراهم کردن امکان مهاجرت از طریق مساجد و همچنین تعیین امامان جماعت از سوی مقامات این کشورها امری است که مورد انتقاد دولت بلژیک قرار گرفته است.

گفته می‌شود ترکیه از طریق دخالت‌های خود به دنبال جلب حمایت سیاسی از رئیس‌جمهور خود است، در حالی که مراکش کنترل مسجد جامع بروکسل را نمادی از نفوذ خود می‌داند.

انتقاد از تصمیم دولت بلژیک

با این حال رئیس سابق مرجع اجرایی مسلمانان ضمن انتقاد از این تصمیم خواهان احترام دولت بلژیک به حاکمیت قانون و اصول قانون اساسی در این کشور شده است؛ چرا که بر مبنای این قانون، دین جامعه مسلمانان این کشور از استقلال در سازمان‌دهی خود برخوردار بوده و نیازی به دخالت دولت ندارد. مقامات دولت بلژیک از لزوم تأسیس یک نهاد دیگر برای نمایندگی از جامعه مسلمانان این کشور سخن به میان آورده‌اند، پیشنهادی که به نظر می‌رسد با هدف افزایش کنترل دولت بلژیک بر نهادهای مرتبط به جامعه مسلمانان این کشور مطرح شده است.^۱

تصویب نهایی سلب اختیارات اداره مسلمانان قفقاز در مجلس جمهوری آذربایجان



مجلس ملی جمهوری آذربایجان، سلب اختیارات اداره مسلمانان قفقاز را در شور سوم و نهایی نیز تصویب کرد.

در شور سوم بررسی لایحه تغییرات در قانون «آزادی اعتقادات دینی» جمهوری آذربایجان، سلب اختیارات اداره مسلمانان قفقاز در نصب امامان جماعت مساجد و نیز در صدور مجوز فعالیت گروه‌های اسلامی به تصویب مجلس ملی جمهوری آذربایجان رسید.

از این پس، کمیته دولتی امور دینی جمهوری آذربایجان امامان مساجد را منصوب خواهد کرد و فقط به اداره مسلمانان قفقاز اطلاع خواهد داد.

همچنین صدور مجوز برای «گروه‌های دینی» در حوزه صلاحیت سازمان دولتی خواهد بود که قوه مجریه تعیین می‌کند.

این قوانین جدید به خصوص در مورد تعیین امامان جماعت، صرفاً شامل دین اسلام می‌شود و تعیین روسای عبادتگاه‌ها و مراکز متعلق به سایر ادیان و فرقه‌ها که در تابعیت مراکزی در خارج از کشور قرار دارند، در صلاحیت دولت جمهوری آذربایجان قرار نگرفته است.

مقامات دولتی و رسانه‌های باکو در توجیه این تغییرات قانونی برای افزایش مداخلات دولت لائیک در امور دینی اسلامی در این کشور ادعا می‌کنند که این دخالت‌ها و کنترل دولت بر فعالیت‌های جوامع دینی اسلامی در کشور با اصول لائیسزم و سکولاریسم مغایرتی ندارد، زیرا دولت جمهوری آذربایجان با این قوانین در ماهیت احکام دین اسلام دخالت نخواهد کرد و مثلاً تعداد رکعات نماز و وقت نمازها را تغییر نخواهد داد و به همین خاطر، عزل و نصب ائمه جماعات و مساجد به معنای دخالت دولت در امور دین محسوب نمی‌شود!

مقامات و رسانه‌های دولتی باکو تأکید می‌کنند در تصویب قوانین جدید برای کنترل دقیق دولت بر امور و شرایط دینی در جمهوری آذربایجان، از تجربه ترکیه و فرانسه و انگلیس و سایر کشورهای اروپایی الگو گرفته شده است که به رغم لائیک بودن نظام‌هایشان، کنترل کاملی بر اوضاع دینی کشور‌هایشان دارند.

فضایل ابراهیم لی، رئیس «کمیته اتحادیه‌های اجتماعی و گروه‌های دینی» مجلس ملی جمهوری آذربایجان در توجیه تغییرات جدید در «قانون آزادی

اعتقادات دینی» این کشور گفت هدف از این تغییرات، جلوگیری از تأثیرات ایدئولوژیک خارجی بر اوضاع دینی جمهوری آذربایجان است.^۱

جنجال در مصر بر سر اظهارات السیسی درباره ساخت کلیسا در کنار مساجد



سخنرانی السیسی جنجال‌ها بر سر مسئله مسیحیان قبطی در مصر را تازه کرد. عمده انتقادات در این زمینه درباره تعداد واقعی مسیحیان در مصر، تردیدها بر سر نیاز به وجود کلیساهای جدید و همچنین تردید بر سر اولویت این موضوع در جامعه کنونی مصر مطرح شده است. از طرفی مدافعان رئیس‌جمهور مصر آن را اقدامی شایسته و در راستای تقویت وحدت ملی در این کشور ارزیابی کرده‌اند.

^۱ <https://qafqaz.ir/fa/> تصویب-نهایی-سلب-اختیارات-اداره-مسلمان

چندی پیش سبسی در جریان افتتاح چند طرح مهم ملی در حوزه مسکن، رشته سخنان وزیر مسکن خود، عاصم الجزائر را قطع و بر لزوم ساخت یک کلیسا در کنار هر مسجد جدید در تمام طرح‌های ملی مسکن تأکید کرد. وزیر مسکن سعی کرد موضوع را به سبسی توضیح دهد و گفت که این کار در طرح‌های بزرگ انجام می‌شود، اما در طرح‌های کوچک تنها یک نمازخانه کوچک برای مسیحیان ساخته می‌شود. وی دلیل این اقدام را تعداد کم مسیحیان در برخی از مناطق عنوان کرد.

اما سبسی بر لزوم ساخت کلیسا در کنار هر مسجد جدید تأکید کرد، حتی اگر تعداد مسیحیان فقط ۱۵۰ نفر باشد و افزود: «این اقدام بهتر از آن است که یک شهروند مسیحی خانه خود را به کلیسا تبدیل کند.»

بحث بر سر این اظهارات رئیس‌جمهور مصر از اوایل ماه مارس تاکنون همچنان در شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد. برخی از طرفداران وی این اقدام را گامی شایسته برای حفظ وحدت ملی مصر و مبارزه با تبعیض مذهبی ارزیابی کرده‌اند. از طرفی منتقدان سبسی معتقدند که با توجه به اختلاف قابل‌توجه جمعیت مسلمانان و مسیحیان در مصر، این ادعا بی‌مورد بوده و در صورت اجرا تنها باعث تبعیض به سود مسیحیان خواهد شد.

از سویی این موضوع مناقشه قدیمی تعداد واقعی مسیحیان قبطی در مصر را نیز دوباره مطرح ساخته است. مسئولان کلیسای قبطی مصر همواره تعداد پیروان خود در این کشور را بین ۱۳ تا ۱۵ درصد از کل جمعیت مصر اعلام کرده‌اند، حال آنکه برخی تصریح کرده‌اند، در آخرین سرشماری انجام شده بر اساس ادیان

در اواسط دهه هشتاد میلادی، مسیحیان قبطی تنها ۵ درصد از جمعیت مصر را تشکیل می‌داده‌اند. پس از آن تاریخ سرشماری بر اساس دین از سوی سازمان ملل ممنوع اعلام شده است.

از طرفی برخی از منتقدان سیسی تصریح کرده‌اند که این اظهارات تنها برای جلب رضایت کشورهای غربی برای چشم‌پوشی از وضعیت نامناسب حقوق بشر و سرکوب‌های سیاسی و مذهبی علیه اکثریت مسلمان مصر مطرح شده است. به گفته این منتقدان با توجه به وضعیت نامناسب آزادی‌های مذهبی و سیاسی در نزد اکثریت مسلمان، سخنان سیسی تنها یک نمایش سیاسی برای شانه خالی کردن از تغییرات اساسی است.^۱

^۱ <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۴۱۸۷۴>

اعتبار سنجی احادیث نبوی از منظر بن سلمان!



محمد بن سلمان در مصاحبه خود با نشریه آمریکایی آتلانتیک، با اشاره به احادیث رسیده از پیامبر اسلام(ص) و عدم اثبات اعتبار اکثریت قریب به اتفاق آنها، این احادیث کم اعتبار را منبع اصلی تفرقه در جهان اسلام برشمرد. این سخنان بن سلمان واکنش‌های گسترده‌ای را میان فعالان در شبکه‌های اجتماعی برانگیخت. مجری در این مصاحبه از بن سلمان پرسید: «شنیدم مثلاً درباره اهمیت احادیث متواتر صحبت می‌کنید و این سطح از بحث‌های مربوط به شریعت اسلامی چیزی نیست که معمولاً از یک ولیعهد یا یک پادشاه بشنویم».

بن سلمان در پاسخ گفت: «این منبع اصلی اختلاف در جهان اسلام بین مسلمانان افراطی و بقیه مسلمانان است. ده‌ها هزار حدیث وجود دارد که بخش

عمده‌ای از آنها ثابت نشده که از پیامبر صادر شده و عده‌ای برای اثبات دیدگاه خود از احادیث بسیار ضعیفی استفاده می‌کنند که صحت آنها ثابت نشده است.» وی ادامه داد: «بنابراین خداوند در قرآن به ما می‌فرماید که از تعالیم رسول خدا ﷺ پیروی کنید و مردم قرآن را می‌نوشتند و احادیث رسول را می‌نوشتند. رسول خدا به آنها دستور داد که در آغاز اسلام حدیث را مکتوب نکنند تا حدیث با قرآن آمیخته نشود، پس باید از صحت مبنا اطمینان حاصل کنیم، و هنگامی که به احادیث رسول خدا استناد می‌کنیم، ما باید خیلی مراقب باشیم.»

وی افزود: «احادیث به سه دسته تقسیم شده است؛ اولاً، آنچه را که ما متواتر می‌گوییم، بدان معناست که بسیاری از مردم از رسول خدا ﷺ شنیدند، و افراد کمی این احادیث را از این جمعیت بسیار نقل کرده‌اند و افراد کمی از آن گروه دوم شنیده‌اند و این مستند شده است و این احادیث سند بسیار قوی‌ای دارد و ما باید از آنها پیروی کنیم و تعداد این احادیث حدود ۱۰۰ حدیث است.»

«دسته دوم خبرهای واحد است که شخصی آن را از پیامبر شنیده و شخص دومی از شخص اول شنیده تا اینکه برسیم به کسی که آن حدیث را تأیید کرده. یا اینکه اندکی از مردم آن را از پیامبر ﷺ شنیده‌اند و یک شخص آن را از آن تعداد اندک شنیده، ما به این اخبار می‌گوییم خبر واحد. این دسته از احادیث را باید بررسی کنیم که آیا مطابق با تعالیم قرآن است یا با احادیث متواتر و یا با مصلحت مردم منطبق و همسو هست یا خیر؟ و بر این اساس به نتیجه می‌رسیم که این دسته احادیث مورد استفاده قرار بگیرند یا خیر.»

بن سلمان ادامه داد: «دسته سوم را اصطلاحاً خبر می‌نامیم و آن حدیثی است که شخصی از رسول شنیده و در میان طبقات سند اسامی روایان مجهول قرار دارد و این احادیث تعدادشان به ده‌ها هزار حدیث می‌رسد و اصلاً نباید از آنها استفاده کنید! مگر در یک مورد و آن اینکه دو گزینه داشته باشید و هر دو بسیار خوب باشند، در این صورت می‌توانید از این دسته اخبار استفاده کنید، مشروط بر اینکه به مصلحت مردم باشد و این چیزی است که ما سعی می‌کنیم برای فرهنگ‌سازی استفاده از حدیث در جهان اسلام آن را انجام داده و نشر دهیم.»

«این کار تأثیر بسزایی خواهد گذاشت و نیاز به زمان دارد و ما در مرحله پایانی آن هستیم. به نظر من شاید تا دو سال دیگر بتوانیم خروجی آن را مشاهده کنیم. این کار ما مستندسازی حدیث به روش صحیح است. زیرا وقتی مردم کتاب‌های مختلف را می‌خوانند، طرز فکر و دانشی برای ارتباط با آن ندارند و ما به‌سادگی می‌گوییم: این موثق و معتبر است.»^۱

ملاحظه: به‌خوبی روشن است که بن سلمان بی‌آنکه بخواهد ادعای بدعت‌گذاری در دین را داشته باشد، چگونه از ظرفیت‌های دانش‌های اسلامی برای محدود ساختن گستره شریعت بهره می‌گیرد تا بتواند زمین بازی وسیع‌تری را برای اصلاحات خود به مثابه ولی امر و حاکم مسلمانان بیابد.

۱ https://arabic.cnn.com/middle-east/article/۰۴/۰۳/۲۰۲۲/mbs_prophet_mohammad_islam_quraan

او با تشکیک در هر آنچه مخالف اصلاحات لیبرالی خود باشد، نخست رنگ دینی را از آن زدوده و سپس قانونی سکولار برخلاف مشهورات اسلامی بنا می‌نهد. در همین رابطه، زید بنیامین، خبرنگار و گزارش عراقی‌الاصل، در تویتی گفت گرام وود که با ولیعهد عربستان سعودی در مجله آتلانتیک مصاحبه اخیر را انجام داد، گفته است که «تشکیک ولیعهد سعودی در مورد مجازات پیامبر برای زنا در مصاحبه انگلیسی، از نسخه رسمی عربی حذف شد زیرا ممکن بود باعث خشم اسلام‌گرایان شود.»^۱

^۱ <https://twitter.com/ZaidBenjamin/status/1500640944034660352>

اسلام میانه‌رو

حضور دبیر سعودی اتحادیه جهانی مسلمانان در مراسم عبادت بوداییان



محمد العیسی دبیر کل رابطه العالم الاسلامی (اتحادیه جهانی مسلمانان) و وزیر سابق سعودی، در مراسم عبادت بوداییان در تایلند شرکت کرد. رسانه‌های تایلندی تصاویری را منتشر کردند که العیسی را در کنار چهره‌هایی از اتحادیه جهانی مسلمانان دولت سعودی در داخل یک معبد بودایی نشان می‌دهد.

وبسایت‌های تایلندی نشان دادند که راهب بزرگ بودایی Somdej Phra برای العیسی مجلس جشنی تدارک دیده است. وی افزود که دو طرف توافق کردند که این نشست باید از صلح بین بشریت با مذاهب مختلف حمایت کند.

اتحادیه جهانی مسلمانان خبر بازدید العیسی از معبد بودایی را نادیده گرفت و پوشش نداد، اما دیدار او با روسای شوراهاى اسلامى در تایلند را منتشر ساخته و جشن گرفت.

ژنرال پرایوت چائوچا، نخست وزیر تایلند، در جریان این سفر که حدود یک هفته طول می کشد، از العیسی در مقر دولت پذیرایی کرد.^۱

ملاحظه: العیسی یک شخصیت جنجالی است که از طریق اتحادیه جهانی مسلمانان، در مقابل حملات مکرر خود به احزاب سیاسى اسلامى، بر تقریب و نزدیک شدن به جوامع دیگر ادیان تمرکز می کند.

"حق الكد والسعاية"؛ شیخ الازهر خواستار اعطای نیمی از اموال حاصله در دوران زوجیت به زنان شاغل شد



دعوت شیخ الازهر به لزوم احیای فتوای موسوم به «حق الكد و السعاية» (حق زحمت و تلاش) جهت حفظ حقوق زنان شاغلی که برای گسترش ثروت همسرشان تلاش می کنند، واکنش های متعددی در محافل مختلف مصر به همراه داشته است.

بر اساس این فتوای قدیمی

که شیخ احمد الطیب خواستار احیای آن شده، در صورت فوت مرد، نیمی از اموالش که در به دست آوردن آن سهم بوده است، مستقیماً به همسرش اختصاص می یابد و بقیه آن نیز بر اساس سهم الارث تقسیم می شود و دلیل چنین موضوعی هم مشارکت و تلاش او در به دست آوردن این ثروت است.

شیخ احمد الطیب لزوم احیای این فتوا را، با توجه به تحولات امروزی و لزوم ورود زنان به بازار کار برای کمک به تأمین مخارج زندگی، خواستار شده و بر اهتمام شریعت اسلامی نسبت به حفظ حقوق زن و تضمین هر آنچه باعث حفظ کرامتش می شود، تأکید کرده است.

این فراخوان شیخ الازهر با استقبال گسترده ارگان‌های رسمی و سازمان‌های جامعه مدنی در مصر همراه شده و آنها بر تلاش الازهر برای حفظ حقوق زنان شاغل در برابر قلدری‌ها تأکید کردند.

«محمود مهنا» عضو هیئت علمای بزرگ مصر نیز به نوبه خود در اظهاراتی به اسکای نیوز گفت: «شریعت اسلامی حفظ حقوق زنان را از همه جهات تضمین کرده و برای آن ضمانت ویژه قرار داده است در حالی که مرد را به تمام حقوق مالی از تأمین منزل زناشویی تا هزینه‌های روزانه ملزم کرده است.»

وی افزود: «زنان شاغل اگر بخواهند در هزینه‌های زندگی به همسر خود کمک کنند، این از باب خوش برخوردی است اما از نظر شرعی مجبور به این موضوع نیست؛ در نتیجه احیای فتوای «زحمت و تلاش برای کسب روزی» حقوق مالی زنان را در صورت ضرر تضمین می‌کند.»

این فتوا موافقان و مخالفانی را در داخل مصر به همراه داشته است. از جمله موافقان آن، شورای ملی زنان این کشور بود که «مایا مرسی» رئیس آن از شیخ الازهر به خاطر تأکید بر احیای این فتوا تمجید کرد.

در مقابل برخی دیگر ضمن مخالفت با آن، عنوان کردند که «حق زحمت و تلاش» در اسلام وجود ندارد.

خالد الحوینی از علمای این کشور در این باره گفت: «اصطلاح حق زحمت و تلاش در اسلام وجود ندارد و ماجرای حکمی که عمر بن خطاب برای یک زن صادر کرد و نسبت به اعطای نصف اموال همسرش به او حکم کرد، به این دلیل بود که زن در تجارت مرد شریک بود و صدور چنین حکمی از باب

بدهی‌هایی است که صاحب آن اعم از مرد و زن قبل از تقسیم ماترک، مستحق آن هستند.»

گفتنی است «حق الكد و السعاية» (حق زحمت و تلاش برای کسب روزی) عبارت است از حق زن در ثروتی که مرد در دوران ازدواج خود با او انباشته می‌کند به طوری که زن در ازای تلاش‌های مادی و معنوی که به انباشتن آن کمک کرده، حق الزحمه نصیبش می‌شود.

شیخ الازهر در دیدار «شیخ عبداللطیف بن عبدالعزيز آل شیخ» وزیر الشؤون الإسلامية عربستان سعودی خواستار احیای این فتوا از میراث اسلامی به منظور حفظ حقوق زنان شاغل شده است.

ملاحظه: حق کد و سعایه در میراث اسلامی به اجتهادی از عمر بن خطاب بازمی‌گردد که در مورد زنی به نام حبیبۀ بن زریق که در تجارت شوهرش شریک بود، نیمی از مال شوهرش را به وی بخشید و در نیم دیگر هم بر اساس سهم الارث با دیگر وارثان شریک کرد.

بسیاری از علمای مالکی به این اجتهاد استناد کرده و به حق شراکت زوجه در اموالی از شوهرش که در طول زندگی با وی بدست آورده، فتوا داده‌اند. ابوالعباس احمد بن عرضون، فقیه برجسته مالکی در قرن ۱۰ هجری، در این باره گفته: «زن اگر شوهرش بمیرد نیمی از اموال را می‌گیرد و مابقی مطابق قواعد ارث تقسیم می‌شود، و این به دلیل مشارکت و تلاش و کوشش زن در به دست آوردن این مال است.»

شیخ علی جمعه، مفتی اعظم سابق مصر و از اعضای هیئت کبار العلماء الازهر، با تأیید اینکه بسیاری از فقهای مالکی در این باره فتوا داده‌اند،

می‌گوید: «بسیاری از محاکم شرعی در کشورهای مغرب عربی در قرن گذشته بر این اساس حکم داده‌اند و مطالعات و تحقیقات بسیاری نشان می‌دهد که قوانین غربی از این دیدگاه حقوقی اسلامی بهره برده‌اند.»^۱

برخی از معاصران، همچون سعدالدین هلالی، استاد فقه مقارن دانشگاه الازهر، در کتاب تازه خود با عنوان «حق السعیة فی الوظيفة المنسیة» تلاش کرده تا با استناد به تلاش زنان خانه‌دار در رسیدگی به امور منزل و فرزندان، حق کد و سعیة را به تمامی زنان خانه‌دار و شاغل توسعه دهد. او همچنین این حق را برای مرد هم ثابت دانسته و مرد را نیز شریک در اموال زن می‌شمرد.^۲

۱ ما-هو-حق-الکد-والسعیة-الذی-طالب-شیخ- /۲۰۲۲۰۲۱۶/ <https://arabic.sputniknews.com/>

html.الأزهر-بتفعيلة-۱۰۵۸۶۸۸۱۵۹

۲ <https://www.skynewsarabia.com/varieties/>-۱۵۰۱۹۳۷

کویت؛ لغو قانون جرم‌انگاری تقلید از جنس مخالف،



دادگاه قانون اساسی کویت چهارشنبه ۱۶ فوریه ماده‌ای از قانون مجازات این کشور را که «تقلید از جنس مخالف» را مجرمانه می‌دانت، خلاف قانون اساسی تشخیص داد. این حکم پس از رسیدگی به شکایت یک شهروند کویتی صادر شده است.

این قانون در سال ۲۰۰۷ اصلاح شده بود و بر اساس آن، حضور در اماکن عمومی با ظاهری شبیه جنس مخالف اقدام مجرمانه محسوب می‌شد.

در این ماده آمده است که «هر کس در اماکن عمومی حرکات یا اعمالی از خود بروز دهد به نحوی که برای کسانی که آن را مشاهده کرده یا بشنوند به منزله تقلید از جنس مخالف باشد به مجازات حبس تا یک سال و جزای نقدی تا هزار دینار (۳۳۰۰ دلار) یا یکی از این دو مجازات محکوم می‌شود.»

قضات دادگاه قانون اساسی گفته‌اند که این ماده شامل تعریفی عینی و مشخص از جرم نیست و وجاهت قانونی ندارد زیرا برداشت از آن به سلیقه و نوع برخورد مفسران و مجریان قانون وابسته است.

مدافعان حقوق بشر حکم دادگاه قانون اساسی کویت را گامی به سوی برابری و رفع تبعیض از همجنس‌گرایان دانسته و از آن استقبال کرده‌اند.^۱

^۱ https://www.bbc.com/arabic/middleeast_6040447v



بخش سوم: تحلیل‌ها

روزنامه فرانسوی: جوانان خلاق فرانسه به دلیل نژادپرستی علیه مسلمانان عازم ترکیه می‌شوند



روزنامه فرانسوی لو ژورنال دو دیمانش پنجشنبه ۱۷ فوریه اعلام کرد مسلمانان فرانسوی برای فرار از اسلام‌هراسی، به ترکیه مهاجرت کرده‌اند. این روزنامه در گزارشی با عنوان «جوانان مسلمان فرانسوی که به کشور اردوغان پناهنده شدند»، از مهاجرت فرانسوی‌هایی که برای فرار از نژادپرستی و تبعیض فرانسه را ترک می‌کنند، انتقاد کرد. وی با بیان اینکه ترکیه سال‌هاست به جذب صدها مسلمانی که قبلاً در فرانسه زندگی می‌کردند، ادامه داده است، خاطرنشان کرد: «در میان مسلمانان فرانسوی ساکن ترکیه، شخصیت‌های مشهور جهانی وجود دارد.»

این روزنامه توضیح داد اکثر مسلمانانی که فرانسه را ترک کردند و در ترکیه ساکن شدند «عمدتاً مذهبی و مبتکر هستند»، و افزود بسیاری از جوانان آفریقای شمالی در کشورهای خلیج مستقر شده‌اند، اما ترکیه مسلمان که از نظر اقتصادی توسعه یافته، به یک مقصد محبوب برای مهاجرت تبدیل شده است.

اروپا و شرق

این گزارش، داستان تیو ۳۲ ساله را که یک سال و نیم پیش به همراه همسر و دو فرزندش در استانبول ساکن شده‌اند، ارائه می‌دهد.

به نوشته این روزنامه، تیو پس از اعمال محدودیت برای مسلمانان در فرانسه تصمیم به ترک این کشور گرفت و ابتدا پیش از اقامت در ترکیه به بوسنی و هرزگوین و نروژ رفت.

این زوج در ابتدا به مصر و مراکش فکر می‌کردند اما ترکیه را ترجیح دادند، چرا که احساس کردند با سبک زندگی آنها مناسب است.

فضیل ماهانی، یوتیوبر معروف که در سال ۲۰۱۹ در آنتالیا اقامت گزید، در مورد ترکیه گفت: «اینجا فرهنگ دوگانه اروپا و خاورمیانه وجود دارد و من این را دوست دارم.»

برای فرار از تبعیض

در این گزارش آمده است که مؤسس گروه «مهاجرت به ترکیه» در فیس‌بوک که در اکتبر ۲۰۲۰ تأسیس و ۲۰۰۰ عضو دارد، دو هفته پیش، پستی

منتشر کرده و گفت: «هفته‌ای نیست که از فرانسوی‌هایی که در ترکیه ساکن شده‌اند یا می‌خواهند ساکن شوند نامه‌ای دریافت نکنم.»

نیویورک تایمز گزارش داد که بسیاری از مسلمانانی که در فرانسه با رفتارهای تبعیض‌آمیز و ضد اسلامی مواجه شده‌اند، در سکوت کشور را ترک کرده‌اند زیرا احساس امنیت نمی‌کردند.

در این مقاله نیویورک تایمز با عنوان «فرار آرام مسلمانان از فرانسه» تأکید شده است در حالی که بحث مهاجرت در کمپین‌های انتخابات ریاست جمهوری آتی این کشور محوریت دارد، تعداد مسلمانانی که فرانسه را ترک می‌کنند روز به روز در حال افزایش است که نشان‌دهنده یک بحران عمیق است.^۱

صحیفه-فرنسیه-شباب- /۲۰۲۲/۷/۱۷/ https://mubasher.aljazeera.net/news/politics/

فرنسا-المبتکر

سالگرد کشتار نیلی؛ قتل عام ۵۰۰۰ مسلمان به دست گروه‌های افراطی

هندو



جمعه ۱۸ فوریه سالگرد کشتار نیلی، مرگبارترین حادثه در تاریخ هند پس از جنگ جهانی دوم بود که طی آن در سال ۱۹۸۳م در روستای نیلی در شرق ایالت آسام، ۵ هزار غیرنظامی مسلمان، که اکثراً سالخوردگان، زنان و کودکان بودند، توسط گروه‌های هندو کشته شدند.

قتل عام نیلی زمانی رخ داد که ناسیونالیست‌های افراطی شهروندان مسلمان را به تلاش برای دستکاری در نتایج انتخابات محلی و برهم زدن تعادل جمعیتی به نفع خود متهم کردند و پلیس هند نیز با قاتلان ملی‌گرای هندو متحد شد و در طی این حادثه برای محافظت از قربانیان مداخله نکرد.

چند روز قبل از کشتار نیلی، اوضاع در محافل سیاسی ایالت که از دهه هفتاد آرام نبود، با مطرح شدن موضوع به اصطلاح «مهاجران غیرقانونی» شروع به طغیان کرد و رهبری حزب «اتحادیه دانشجویان آسام» اعتراضات و تحریکات شدیدی ضد مهاجران انجام می‌داد.

با آغاز سال ۱۹۸۳م، منطقه شاهد برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای بود که نفت بر آتش سوزان نفرت ریخت. در این میان اتحادیه دانشجویان آسام برای به تعویق انداختن برگزاری انتخابات لابی کرد تا آنکه لیست‌های انتخاباتی مسلمانانی که ادعا می‌شد مهاجران غیرقانونی بنگالی هستند، تجدید نظر شود. اتحادیه کارزار بی‌سابقه‌ای را علیه مسلمانان کشور به راه انداخت.

از سوی دیگر، دولت ایندیرا گاندی در آن زمان اصرار داشت که انتخابات در زمان مقرر برگزار شود و متعهد شد که نیروهای پلیس و ارتش را برای اطمینان از برگزاری انتخابات در شرایط امن اعزام کند. در این میان، ناسیونالیست‌های افراطی بارها به روستاهای مسلمان حمله کرده و جنایات نژادپرستانه‌ای را مرتکب شدند. کمیسیون بررسی شورش گزارش می‌دهد که بین ژانویه تا مارس ۱۹۸۳، ۵۴۵ حمله به جاده‌ها و پل‌ها صورت گرفته و بیش از ۱۰۰ آدم‌ربایی ثبت شده است.

تا اینکه در ۱۷ فوریه که پلیس به روستای نیلی آمد و به اهالی مسلمان گفت که اوضاع امن است و ترسی نداشته باشند و با صحبت مأموران امنیتی به آنها اطمینان داده شد و تصمیم گرفتند فردا صبح برای کار به خارج از روستا بروند.

صبح روز ۱۸ فوریه، هنگامی که مردان برای کار خود بیرون می‌رفتند، گروه‌های افراطی قبیله لالانگو از سه ورودی به روستای نیلی و ۱۳ روستای دیگر در آن منطقه حمله کردند و با چاقو، چوب و مقداری تفنگ مسلمانان را قتل عام کردند.

مهاجمان شروع به سوزاندن خانه‌های مردم کردند و سپس به کشتار آنان پرداختند، که بر اساس گزارش‌های محلی، جان ۵۰۰۰ نفر را گرفت. در آن زمان پلیس برای جلوگیری از اراذل و اوباش وارد عمل نشد و آنها از قبل می‌دانستند که این اتفاق خواهد افتاد.^۱

ملاحظه: درست مصادف با قتل عام نیلی و در میانه اوج گرفتن دوباره اختلافات قومی و مذهبی در هند، دادگاهی در این کشور در اقدامی بی‌سابقه، ۳۸ مسلمان را به اتهام مشارکت در «حمله تروریستی» سال ۲۰۰۸ احمدآباد به اعدام و ۱۱ نفر دیگر را نیز به حبس ابد محکوم کرد.^۲ این نخستین بار است که در هند این‌گونه جمع‌کثیری در رابطه با یک مورد و در یک دادگاه، محکوم به اعدام شده‌اند. این در حالی است که هیچ فرد یا گروهی تا کنون در ارتباط با قتل عام نیلی بازداشت و دستگیر نشده است.

ذکری-مذبحه-نیلی-غندما-قتل- <https://www.trtarabi.com/explainers-politics/>

۷۹۹۲۹۴۱-عصابات-هندوسیه-۵-آلاف-مسلم-فی-الهند

تن-به-جرم-بمب-گذاری-های-مرگبار-سال-۲۰۰۸-در- <https://www.dw.com/fa-af/۳۸>

۲۶۰۸۳۰۸۲۱/هند-محکوم-به-اعدام-شدند

شماردگرایش جنسی در آمریکا طی یک دهه گذشته ۲ برابر شده است



نتیجه تحقیق موسسه نظرسنجی «گالوپ» در آمریکا نشان می‌دهد که بیش از هفت درصد از جمعیت بزرگسالان در این کشور خود را دگرباش جنسی می‌دانند.

این رقم نسبت به سال ۲۰۱۲ دو برابر شده است. موسسه «گالوپ» در این پژوهش با ۱۲ هزار آمریکایی به صورت تلفنی مصاحبه کرده است. نتیجه این تحقیق حاکی است ۸۶,۳ درصد از جمعیت ایالات متحده خود را دگرجنس‌گرا و ۷,۱ درصد نیز خود را دگرباش جنسی (همجنس‌گرای زن، همجنس‌گرای مرد، دوجنس‌گرا یا تراجنسیتی) می‌دانند.

حدود ۶,۶ درصد از جامعه آماری موسسه «گالوپ» در این نظرسنجی به پرسش مطرح‌شده درباره گرایش جنسی خود پاسخی نداده‌اند.

موسسه «گالوپ» اولین بار در سال ۲۰۱۲ تحقیقی درباره شمار دگرباشان جنسی در آمریکا انجام داد. تعداد دگرباشان جنسی در جامعه آماری تحقیق انجام‌شده در آن سال ۳,۵ درصد بود. این رقم از آن پس همواره روندی صعودی داشته است.

شمار دگرباشان جنسی در آمریکا به طور نسبی در میان جوانان به ویژه «نسل زد» (Generation Z) یعنی کسانی که پس از سال ۱۹۹۷ متولد شده‌اند بیشتر از دیگر گروه‌های سنی است. بیش از یک پنجم از اعضای بزرگسال «نسل زد» یعنی متولدین بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳ خود را دگرباش جنسی معرفی می‌کنند.

بیش از ۴۰۰ شرکت بزرگ آمریکا از حقوق دگرباشان جنسی حمایت کردند

این در حالی است که شمار دگرباشان جنسی در نسل معروف به «نسل هزاره» (متولدان بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۶) در نظرسنجی «گالوپ» ۱۰,۵ درصد است. این رقم در میان افراد بزرگسال «نسل زد» به ۲۰,۸ درصد می‌رسد. موسسه «گالوپ» نتیجه گرفته است که در آینده همزمان با افزایش سهم نسل جوان و نوجوان کنونی در میان بزرگسالان آمریکا شمار دگرباشان جنسی در این کشور باز هم افزایش خواهد یافت. تحلیلگران «گالوپ» تفاوت شمار دگرباشان جنسی در میان جوانان در مقایسه با نسل‌های پیشین را با پذیرش

روزافزون دگرباشان جنسی در جامعه آمریکا و افزایش حمایت‌های قانونی از آنها مرتبط دانسته‌اند.^۱

در هند از هر ۱۰ زن هندو، ۶ نفر از حجاب استفاده می‌کنند



در هفته‌های اخیر، اعتراضات در هند به حجاب مسلمانان در مدارس توجه جوامع بین‌المللی را به خود جلب کرده است. این جنجال از زمانی آغاز شد که دبیرستانی در ایالت کارناتاکا حجاب را در کلاس‌های درس ممنوع اعلام کرد و تظاهرات از آن زمان به ایالت‌های دیگر گسترش یافت.

پوشش سر در میان زنان هندی نسبتاً رایج است. بر اساس نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو که در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۰ انجام شد، از هر ۱۰ زن در هند، ۶

^۱ https://per.euronews.com/۱۸/۰۲/۲۰۲۲/proportion_of_us_adults_identifying_as_lgbt_doubled_in_a_decade_according_to_gallup_study

نفر (۶۱ درصد) می‌گویند که سر خود را در خارج از خانه می‌پوشانند. این شامل اکثریت زنان هندو (۵۹٪) و تقریباً غالب زنان مسلمان (۸۹٪) و سیک (۸۶٪) می‌شود، اگرچه نوع دقیق پوشش سر می‌تواند به طور قابل توجهی در بین گروه‌های مذهبی متفاوت باشد.

بر اساس آخرین سرشماری انجام شده در سال ۲۰۱۱، جمعیت بزرگسال هند ۸۱ درصد هندو و ۱۳ درصد مسلمان است. مسیحیان، سیک‌ها، بودایی‌ها و جین‌ها ۶ درصد باقی‌مانده را تشکیل می‌دهند.

در مورد پوشش سر بین زنان هندی تفاوت‌های منطقه‌ای وجود دارد. این عمل به ویژه در مناطق عمدتاً هندی‌زبان در بخش‌های شمالی، مرکزی و شرقی کشور رایج است. در ایالت‌های بیهار، مادیا پرادش و راجستان، تقریباً از هر ده زن، ۹ زن می‌گویند که در مکان‌های عمومی از پوشش سر استفاده می‌کنند. این تفاوت‌های منطقه‌ای عمدتاً توسط زنان هندو ایجاد می‌شود، زیرا زنان مسلمان تمایل دارند بدون توجه به منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، پوشش سر خود را در انتظار عمومی حفظ کنند.

در جنوب، ۸۳ درصد از زنان مسلمان می‌گویند که سر خود را می‌پوشانند، در حالی که این رقم در زنان هندو ۲۲ درصد است. در همین حال، در مناطق شمالی، تقریباً سهم زنان مسلمان (۸۵٪) و هندو (۸۲٪) برابر است.

در سطح ملی، پوشش سر در میان زنان مسن‌تر، متأهل، مذهبی‌تر و دارای تحصیلات رسمی کمتر، رایج‌تر است. این عمل در مناطق روستایی نیز رواج بیشتری دارد.

روسی بر اساس گرایش‌های سیاسی نیز متفاوت است. اگرچه برخی از حامیان ممنوعیت حجاب به عنوان حامیان حزب حاکم بهاراتیا جاناتا (BJP) توصیف شده و نگرش مطلوبی نسبت به حزب حاکم هند دارند، اما بیشتر از زنانی که طرفدار حزب حاکم نیستند، تمایل به پوشاندن سر در اماکن عمومی دارند.^۱

سرنوشت کودکان مسلمان ربوده‌شدن توسط حکومت سوئد!



ربودن کودکان از والدین‌شان در کشورهای اروپایی پدیده نوظهوری نیست؛ همان‌طور که این ربودن کودکان، فقط در یک یا دو کشور نیست. اما در این اواخر، بسیاری از خانواده‌های مهاجران مسلمان، در سوئد

اعتراضات خود را به این آدم‌ربایی کثیف، آغاز کرده‌اند.

طبق قانون LVU (مخفف سوئدی «قانون مراقبت از جوانان»)، دولت سوئد این قدرت را دارد که برای محافظت از کودکان و جوانان زیر ۲۱ سال اقدام کند.

^۱ <https://www.pewresearch.org/fact-tank/۲۰۲۲/۰۷/۰۲/in-india-head-coverings-are-worn-by-most-women-including-roughly-six-in-ten-hindus>

لذا اگر گزارشی مبنی بر بدرفتاری والدین با یک کودک به پلیس برسد، آژانس «LVU» کودک را به یکی از واحدهای مراقبت و نظارت می‌برند و سپس او به یک خانواده سوئدی تحویل داده می‌شود. بسیاری از این گزارش‌ها مربوط به خانواده‌های مهاجران و مسلمانان است.

اما سناریو فقط این انتقال از جهنم خانواده مسلمان، به بهشت یک خانواده سوئدی نیست؛ بلکه این سکه روی تاریکی نیز دارد که یک سیاستمدار و نماینده سابق پارلمان سوئد را بر آن داشته تا کتابی درباره آن تحت عنوان «قانون LVU: کودک‌ربایی سودآور شهرداری در سوئد» (LVU: Profitable Municipal Kidnapping in Sweden)، بنویسد.

نویسنده در این کتاب اهداف و روش‌های آدم‌ربایی را جنایتکارانه و ناعادلانه توصیف می‌کند و همچنین مردم سوئد را ملتی خاموش در برابر این بی‌عدالتی معرفی می‌کند.

وی می‌گوید: «این افراد آن‌قدر ساکت بوده‌اند که به دولت اجازه داده‌اند روابط میان والدین با فرزندشان را قطع کنند و به آنها اجازه ندهند آن‌گونه که لازم است مواظب فرزندشان باشند».

«اوه اسویدن» نویسنده کتاب، پس از سال‌ها تحقیق در این موضوع که نتایج آن را به هیئت پلیس ملی، کمیته قانون اساسی، دادستانی عمومی و نمایندگانی در شهرداری و خدمات اجتماعی ابلاغ کرده است، مدعی می‌شود: «با دلیل یا بی‌دلیل، بدون رضایت والدین، کودکان به خانواده دیگری منتقل می‌شوند. این کودکان

ربوده‌شده، در آینده به عنوان خدمتکار رایگان به کار گرفته می‌شوند، یا به مجرمان جنسی، یا به بچه‌بازها فروخته می‌شوند!»

نه تنها سوئد، بلکه سایر کشورهای حوزه اسکاندیناوی و آلمان هم درگیر این چنین آدم‌ربایی‌هایی هستند. اما آدم‌ربایی در سوئد به طور نگران‌کننده‌ای و به شدت افزایش یافته و رو به رشد است.

اسویدن هنگام نگارش کتاب (۲۰۱۳)، تخمین زده است که سالانه «۲۸،۰۰۰ کودک» برچسب LVU می‌خورند. شهرداری‌ها ماهانه «۴۰،۰۰۰ SEK» برای حمایت از این کودکان از دولت بودجه می‌گیرند که تنها بخش کمی از این بودجه برای خود آن کودکان هزینه می‌شود و بخش اعظم آن به جیب نهادهای خصوصی و خانواده‌های سرپرست کودک می‌رود.^۱

مسلمانان ارتش روسیه را هدف قرار می‌دهند.. از ناسیونالیست‌های سفیدپوست در ارتش اوکراین چه می‌دانید؟



همزمان با شروع جنگ روسیه علیه اوکراین، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، ناسیونالیست‌های سفیدپوست در اوکراین را «تروریست» توصیف کرد و از ارتش اوکراین خواست تا دولت زلنسکی را سرنگون کند. شاید خیلی‌ها ندانند که صحبت‌های پوتین درباره خطر ناسیونالیست‌های سفیدپوست ناشی از تنش‌های اخیر بین دو کشور نیست، چرا که وجود این جریان راست‌گرای تندرو همزمان با بحران کریمه در سال ۲۰۱۴ آغاز شد.

ناسیونالیست‌های سفیدپوست که به شبه‌نظامیان مسلح تبدیل شده و در مقابل نیروهای پوتین اسلحه به دست می‌گیرند و در مبارزات نژادپرستانه خود

مسلمانان ارتش روسیه را که به کمپین نظامی اخیر روسیه پیوستند هدف قرار می‌دهند، چه کسانی هستند؟ چرا پوتین در هنگام شروع جنگ روسیه علیه اوکراین گفت هدف او «نازی‌زدایی» اوکراین است؟

شبه‌نظامیان آزوف: ناسیونالیست‌های سفیدپوست در اوکراین چه کسانی هستند؟

مبارزان شبه‌نظامی ناسیونالیست سفیدپوست در اوکراین به شبه‌نظامیان «آزوف» معروف هستند و آنها وابسته به یکی از برجسته‌ترین احزاب راست افراطی در اوکراین، یعنی حزب «میهن‌پرست اوکراین» هستند که توسط اندری بلتسکی در سال ۲۰۰۵ تأسیس شده است. آنان قائل به برتری نژاد سفید نسبت به بقیه نژادها و مطابق با رویکرد نازی‌های آلمان عمل می‌کنند.

حزب اندری بلتسکی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ خشونت‌های نژادپرستانه‌ای را در داخل اوکراین مرتکب شده و در جنگی که بین روسیه و اوکراین موسوم به «جنگ دونباس» در سال ۲۰۱۴ آغاز شد، مشارکت داشته و طی آن ارتش اوکراین با کمک این شبه‌نظامیان - جنگجویان آزوف - با گروه‌های شورشی علیه حکومت اوکراین در منطقه دونباس جنگید و آنها را نابود کرد. مبارزان آزوف و فرمانده آنها بلتسکی، معتقدند که نازی نیستند بلکه استقلال اوکراین را از شورش تحت حمایت مسکو حفظ می‌کنند.

آنها - به گفته یکی از اعضای خود در سال ۲۰۱۴ - خصومت و نفرتی نسبت به ایده «روسیه بزرگ» یا حتی ناسیونالیست‌های سفیدپوست روسی

ندارند، بلکه دشمنی اصلی آنها با پوتین است که او را نه روسی، بلکه با تحقیر «یهودی» می‌خوانند. در جایی دیگر این شبه‌نظامیان گفتند که جنگ اصلی آنها علیه جدایی‌طلبان در منطقه دونباس و به خاطر اوکراین مستقل است که نشان می‌دهد دکرین جنگ شبه‌نظامیان در نبرد با مردم سفیدپوست دیگر، یعنی مردم روس خلاصه نشده و اعتقاد آنها به ایده ملی‌گرایی اوکراینی و مبارزه با جدایی‌طلبان مورد حمایت پوتین متمایل شده است.

برخی تحلیل‌های غربی - در سال ۲۰۱۴ - ترس خود را از خطر این گروهک افراطی در دولت اوکراین بر پیشرفت روند دموکراتیک ابراز کردند. روزنامه انگلیسی گاردین آنها را به دلیل ایدئولوژی قومی سخت‌گیرانه، با عنوان «بزرگ‌ترین سلاح اوکراین، که خود او را نیز تهدید می‌کند» توصیف کرد.

آندری بلتسکی در سال ۲۰۱۴ برای پارلمان اوکراین کاندید شد و فرماندهی مستقیم شبه‌نظامیان را ترک کرد و در واقع موفق شد که عضوی از پارلمان اوکراین شود، سپس بازگشته و در سال ۲۰۱۶ یک حزب مسلح راست‌گرای رسمی به نام «حزب سپاه ملی» (National Corps Party) تأسیس و بودجه مستقیم از وزارت کشور اوکراین دریافت کرد و از طریق کمیته‌های داوطلب پارلمانی به عنوان «نیروی مبارزه با جدایی‌طلبان در اوکراین» رسماً توسط دولت اوکراین به رسمیت شناخته شد.

این برخلاف گزارش‌های دیگری است که به این نتیجه رسیدند که این حزب مسلح از ایگور کولومسکی، یکی از برجسته‌ترین مردان الیگارش - که از کمپین انتخاباتی رئیس‌جمهور فعلی اوکراین حمایت مالی می‌کرد و از ورود

به آمریکا به دلیل اتهامات مربوط به فساد و سوء استفاده از قدرت منع شده است - کمک مالی دریافت کرده است و سپس شبه‌نظامیان آزوف رسماً - به نمایندگی از نیروهای سپاه ملی - به نیروهای ارتش ملی اوکراین ملحق شدند!

آیا شبه‌نظامیان ملی‌گرا در اوکراین واقعاً نازی هستند؟

با وجود آنکه ناسیونالیست‌های سفیدپوست و در رأس آنها شبه‌نظامیان آزوف، «نازی» بودن خود را به معنای نژادپرستانه آن انکار می‌کنند، شواهد زیادی وجود دارد که ممکن است خلاف آن را تأیید کند. در سال ۲۰۱۵، اندری دگاشنکو، سخنگوی جنبش آزوف، اظهار داشت که بین ۱۰ تا ۲۰ درصد از مبارزان جنبش در واقع نازی هستند و اعلام کرد که جنبش او از استقلال و قدرت اوکراین حمایت می‌کند و از هرگونه ایده کودتا علیه دولت اوکراین جلوگیری می‌کند و در آن زمان پوتین را متهم به آغاز جنگ در دونباس در سال ۲۰۱۴ کردند.

همچنین در لوگوی آزوف نشان ولفسانگل (Wolfsange) یا حلقه گرگ وجود دارد که یکی از نمادهای اصلی لشکر دوم زرهی اسراس داس رایش (در زمان هیتلر) است. هر چند خود آزوف مدعی است نمادهای آنان هیچ ربطی به نازیسم و رایش ندارد.

برخی از اعمال خشونت‌بار و نژادپرستانه گروهک آزوف، با اقدامات مشابه جنبش‌های نازی سفید در جهان همزمان بود. مهم‌ترین آنها حملات سال ۲۰۱۸ است، زمانی که گشت‌های شبه‌نظامی آزوف به بهانه آنچه به عنوان

«گشت‌های بازبایی» برای حفظ امنیت انجام می‌دادند، اما جنگجویان شبه‌نظامی در خیابان‌های کیف، پایتخت اوکراین، با تبر و چکش به تظاهرات مسالمت‌آمیز اقلیت رومی و برخی اقلیت‌های دیگر حمله کردند و تمام کمپ‌های اعتراضی آنها را تخریب کردند و نیروهای پلیس اوکراین در پاسخ به آنها یا جلوگیری از آنها هیچ کاری انجام ندادند. به گزارش سایت آمریکایی «The Nation»، ارتش نظامی اوکراین، تنها ارتش در جهان است که نتوانزی‌ها را در قدرت رسمی خود دارد.

آنها مسلمانان را هدف قرار می‌دهند و اعتقادات آنها را مسخره می‌کنند

در جدیدترین نمایش عقاید نژادپرستانه خود، کلیپ‌هایی پس از حمله روسیه به اوکراین در شبکه‌های اجتماعی پخش شد که نشان می‌داد مبارزان آزوف گلوله‌های تفنگ‌های شکاری خود را به چربی خوک آغشته می‌کنند. این اقدام پس از آن که گردان‌هایی از مسلمانان چچنی که حدود ۱۰۰۰۰ جنگجو تخمین زده می‌شود در صفوف نیروهای روسی ظاهر شدند، انجام گرفت و به طعنه به آنان می‌گفتند: «برادران مسلمان عزیز، در کشور ما وارد بهشت نمی‌شوید.»

از سوی دیگر، در گزارش رسمی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۶، در توصیف وضعیت اوکراین، آمده است که جنبش مسلح آزوف مرتکب جنایاتی شده است که ناقض قوانین بین‌المللی است. در این گزارش به طور مشخص به دوره بین نوامبر ۲۰۱۵ تا فوریه ۲۰۱۶ اشاره شده است، زمانی که نیروهای آزوف

از ساختمان‌های غیرنظامی به عنوان پایگاه‌هایی برای بازداشت و شکنجه شورشیان در منطقه دونباس استفاده می‌کردند.

حمایت آمریکا از ناسیونالیست‌های سفیدپوست در اوکراین

پس از افزایش اعتراضات در طول جنگ ۲۰۱۴ دونباس که از جهان خواسته شده بود به خطر شبه‌نظامیان ملی‌گرای سفید به رهبری شبه‌نظامیان آزوف توجه کنند، دولت‌های آمریکا و کانادا رسماً تصمیم گرفتند که این کار را انجام داده و به هیچ شبه‌نظامی ملی‌گرا با گرایش‌های نازی در اوکراین کمک یا آموزشی ندهند، اما در سال بعد، کنگره آمریکا این ممنوعیت را برای شبه‌نظامیان آزوف لغو و پشتیبانی لجستیکی و نظامی از آن سال تا ۲۰۱۸ ادامه یافت. پس از آن تعدادی از نمایندگان آمریکا فشار آوردند تا از کمک مجدد به آنها جلوگیری کنند، اما تلاش‌های دیگر در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱ برای طبقه‌بندی آزوف به عنوان یک گروهک شبه‌نظامی تروریستی یا افراطی شکست خورد.

از سوی دیگر، فراخوان‌هایی مبنی بر ممنوعیت هرگونه فعالیت یا تبلیغات ملی‌گرایان سفیدپوست و شبه‌نظامیان آزوف در شبکه اجتماعی فیس‌بوک مطرح شد. در سال ۲۰۱۶ فیس‌بوک شبه‌نظامیان آزوف را به عنوان یک سازمان خطرناک مانند جنبش ضدسیاه‌پوستان KKK و صفحات داعش طبقه‌بندی و از هرگونه فعالیت آنان جلوگیری به عمل آمد. اما همزمان با جنگ روسیه در اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، فیس‌بوک بدون هیچ‌گونه هشدار، اجازه حضور صفحات ناسیونالیست‌های سفیدپوست و شبه‌نظامیان آزوف را داد و این امر به

نفوذ و گسترش آنها در میان نئونازی‌ها و ملی‌گرایان سفیدپوست کمک کرد و فراخوان‌های صریح از شبه‌نظامیان آزوف برای جذب عناصر جدید در صفوف خود آغاز شد.

در همین زمینه، شرکت متا که مالک فیس‌بوک است، در واکنش به این مسئله گفت: «در حال حاضر ما یک استثنای محدود را برای حمایت از جنبش آزوف و محدود به مسئله دفاع از اوکراین، یا نقش آنها به عنوان بخشی از گارد ملی اوکراین، مجاز دانسته‌ایم، اما ما همچنان به ممنوعیت هرگونه سخنرانی خشونت‌آمیز، نمادهای نفرت‌انگیز و هرگونه حمایت عمومی از هر چیزی که استانداردهای اجتماعی ما را نقض می‌کند، پایبند هستیم.»

اما حمایت ملی‌گرایان سفیدپوست به پنتاگون و شرکت متا محدود نمی‌شود، چرا که در ۱۵ ژانویه ۲۰۲۲، مجله چپ‌گرای آمریکایی Jacobin گزارشی منتشر کرد مبنی بر اینکه شبه‌نظامیان آزوف از سال ۲۰۱۵ با هدف مقابله با هرگونه تهاجم احتمالی روسیه به اوکراین آموزش و بودجه از سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) دریافت کرده‌اند. این مجله بیان می‌کند که حمایت اطلاعاتی آمریکا از شبه‌نظامیان افراطی اولین در نوع خود نیست، این سازمان همچنین از گروه‌های دیگر، به ویژه افراط‌گرایان مخالف فیدل کاسترو، رئیس‌جمهور سابق کوبا در دهه ۱۹۶۰ و گروه‌های افراطی اسلامی در افغانستان در دهه ۱۹۸۰ برای مقابله با نیروهای شوروی حمایت کرده است.^۱

درگیری کلیسای ارتدوکس در اوکراین بازتاب تنش‌های تاریخی روسیه و اوکراین است

نویسنده: J. Eugene Clay



پاتریارک بارتولومئو در ژانویه ۲۰۱۹ فرمان خودمختاری رسمی کلیسای ارتدوکس اوکراین را به متروپولیتن ایپفانی، رهبر جدید این کلیسا تحویل می‌دهد.

در حالی که روسیه نیروهای خود را به شرق اوکراین اعزام کرده تا برای تهاجم احتمالی آماده شود، تنش بین دو کشور از طریق درگیری در کلیسای ارتدوکس نیز در حال رخ دادن است.

دو کلیسای ارتدوکس مختلف ادعا می‌کنند که یک کلیسای ارتدوکس واقعی اوکراینی برای مردم اوکراین هستند. این دو کلیسا دیدگاه‌های متفاوتی از روابط بین مردم اوکراین و روسیه ارائه می‌دهند.

دو کلیسای ارتدوکس

از زمان حمله روسیه به اوکراین و الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴، روابط بین دو کشور به ویژه تیره شده است. این تنش‌ها در رویکردهای بسیار متفاوت دو کلیسا نسبت به روسیه منعکس شده است.

کلیسای قدیمی‌تر و بزرگ‌تر، «کلیسای ارتدوکس اوکراین-پاتریارک مسکو» است. طبق آمار دولت اوکراین، این کلیسا در سال ۲۰۱۸ بیش از ۱۲۰۰۰ کلیسا داشت. این کلیسا که شاخه‌ای از کلیسای ارتدوکس روسیه است، تحت اقتدار معنوی «پاتریارک کریم» مسکو است. پاتریارک کریم و سلف او، پاتریارک الکسی دوم، هر دو بارها بر پیوندهای قدرتمندی که مردم اوکراین و روسیه را به هم پیوند می‌دهد، تأکید کرده‌اند.

در مقابل، کلیسای دوم و جدیدتر، کلیسای ارتدوکس اوکراین، به استقلال خود از مسکو افتخار می‌کند. با برکت پاتریارک کلیسای بارتولومئوس قسطنطنیه، یک شورای رسمی در دسامبر ۲۰۱۸ در کیف تشکیل شد، کلیسای جدید ایجاد شد و رهبر آن متروپولیتن اپیفانی انتخاب شد. در ژانویه ۲۰۱۹، پاتریارک بارتولومئو به طور رسمی کلیسای ارتدوکس اوکراین را به عنوان عضوی مجزا، مستقل و برابر از جامعه کلیساهای ارتدوکس در سراسر جهان به رسمیت شناخت.

کلیسای ارتدوکس اوکراین که کاملاً خودمختار است، نقطه اوج دهه‌ها تلاش مسیحیان اوکراینی است که کلیسای ملی خود را فارغ از هرگونه مرجع

مذهبی خارجی می‌خواستند. به عنوان اظهار استقلال معنوی اوکراین، این کلیسای ارتدوکس خودگردان جدید اوکراین چالشی برای مسکو شده است. در اصطلاح ارتدوکس، کلیسای ارتدوکس اوکراین ادعای خودمختاری (Autocephaly) دارد.

بر خلاف کلیسای کاتولیک که دارای یک رهبر روحانی عالی (پاپ) است، کلیسای ارتدوکس در سراسر جهان به ۱۴ کلیسای مشخص، مستقل و خودمختار تقسیم شده است. هر کلیسای خودمختار یک رئیس دارد. هر کلیسای خودمختار همان باورهای دینی کلیساهای هم‌عرض خود را دارد. بیشتر کلیساهای خودمختار، کلیساهایی ملی هستند، مانند کلیساهای ارتدوکس روسی، رومانیایی و یونانی. اکنون کلیسای ارتدوکس اوکراین جایگاه خود را در میان سایر کلیساهای خودمختار مدعی است.

کلیسای ارتدوکس اوکراین دارای بیش از ۷۰۰۰ کلیسا در ۴۴ اسقف‌نشین است. این کلیسا روس‌ها و اوکراینی‌ها را دو قوم متفاوت می‌داند که هر کدام شایسته کلیسای جداگانه خود هستند.

کلیسای خودمختار ارتدوکس اوکراین

موضوع اصلی جدایی «کلیسای ارتدوکس اوکراین» از «کلیسای ارتدوکس اوکراین-پاتریارک مسکو»، رابطه آنها با کلیسای ارتدوکس روسیه است. کلیسای ارتدوکس اوکراین - پاتریارک مسکو دارای خودمختاری قابل توجهی در امور داخلی خود است. با این حال، در نهایت تابع پاتریارک کریم

مسکو است، که باید به طور رسمی رهبر آن را تأیید کند. کلیسا بر وحدتی که با مؤمنان ارتدوکس روسی دارد، تأکید می‌کند.

در مقابل، کلیسای ارتدوکس اوکراین مستقل از هر نهاد مذهبی دیگری است. برای حامیان این کلیسا، این استقلال به آن اجازه می‌دهد تا خوانش منحصر به فرد اوکراینی مسیحیت را گسترش دهد.

یک سنت رایج مسیحی ارتدوکس

در روسیه و اوکراین، مسیحیت ارتدوکس سنت مذهبی غالب است. بر اساس نظرسنجی Pew در سال ۲۰۱۵، ۷۱٪ از روس‌ها و ۷۸٪ از اوکراینی‌ها خود را ارتدوکس معرفی کردند. هویت دینی یک عامل مهم فرهنگی در هر دو ملت باقی مانده است.

مسیحیان ارتدوکس هم در روسیه و هم در اوکراین ایمان خود را به تغییر دین شاهزاده اعظم کیف در سال ۹۸۸م برمی‌گردانند. شاهزاده ولادیمیر که بت‌پرست بود، توسط مبلغان مذهبی قسطنطنیه، پایتخت امپراتوری بیزانس، غسل تعمید داده شد و پس از آن کیف به مهم‌ترین مرکز مذهبی برای اسلاوهای شرقی تبدیل شد.

کیف که در سال ۱۲۴۰م توسط مغول‌ها ویران شد، هم‌زمان با قدرتمند شدن همسایه شمالی آن، مسکو، رو به زوال رفت. در سال ۱۶۸۶م، روسیه شرق اوکراین و کیف را فتح کرد. در آن سال، پاتریارک قسطنطنیه به طور رسمی اقتدار معنوی خود بر اوکراین را به پاتریارک مسکو منتقل کرد.

در قرن بیستم، یک جنبش ملی‌گرای رو به رشد خواستار استقلال کلیسا و دولت اوکراین شد. اگرچه اوکراین در سال ۱۹۹۱ به یک کشور مستقل تبدیل شد، اما تنها کلیسای ارتدوکس ملی آن که به طور جهانی به رسمیت شناخته شده بود، تابع مسکو باقی ماند.

برخی از مسیحیان ارتدوکس اوکراین در سال‌های ۱۹۲۱، ۱۹۴۲ و ۱۹۹۲ سعی در ایجاد یک کلیسای خودمختار کردند. این تلاش‌ها تا حد زیادی شکست خورد. کلیساهایی که آنها تشکیل دادند توسط جامعه جهانی ارتدوکس به رسمیت شناخته نشدند.

خودمختاری کلیسای اوکراین

در آوریل ۲۰۱۸، پترو پوروشنکو، رئیس جمهور وقت اوکراین، دوباره تلاش کرد یک کلیسای ارتدوکس اوکراینی خودمختار تشکیل دهد. دست کم سه کلیسای مختلف ادعا می‌کردند که کلیسای ارتدوکس واقعی اوکراین هستند. پوروشنکو امیدوار بود که این نهادهای رقیب را متحد کند. کلیسای ارتدوکس اوکراین - پاتریارک مسکو بزرگ‌ترین کلیسا بود و از به رسمیت شناخته شدن جامعه ارتدوکس در سراسر جهان برخوردار بود. با این حال، این کلیسا تابع پاتریارک مسکو بوده و هست که وضعیتی غیر قابل قبول برای بسیاری از اوکراینی‌ها بود.

دو کلیسای دیگر، «کلیسای ارتدوکس اتوکفال اوکراین» و «کلیسای ارتدوکس اوکراین-پاتریارک کیف»، نتوانستند از سوی دیگر کلیساهای ارتدوکس به رسمیت شناخته شوند.

حمایت از کلیسای اوکراین

بارتولومئوی اول، پاتریارک قسطنطنیه، از پروژه پوروشنکو حمایت کرد. به عنوان اسقف برجسته پایتخت باستانی امپراتوری بیزانس، بارتولومئو از افتخار پیشگامی در میان همه سران کلیساهای ارتدوکس برخوردار است.

اگرچه مسیحیت ارتدوکس شرقی هیچ روش روشنی برای ایجاد یک کلیسای خودمختار جدید ندارد، بارتولومئو استدلال کرد که او اختیار اعطای این وضعیت را دارد؛ از آنجا که اوکراین در اصل مسیحیت را از بیزانس دریافت کرده بود، قسطنطنیه کلیسای مادر کیف بود.

در دسامبر ۲۰۱۸ یک «شورای اتحاد» به طور رسمی سایر شاخه‌های ارتدوکس در اوکراین را منحل کرد و کلیسای ارتدوکس اوکراین را ایجاد کرد. در ژانویه ۲۰۱۹، بارتولومئو فرمانی رسمی را امضا کرد که کلیسای جدید را خودمختار می‌داند.

حمایت و رد

تاکنون، کلیسای ارتدوکس اوکراین از چهار کلیسای ارتدوکس خودمختار به رسمیت شناخته شده است. کلیساهای قسطنطنیه، اسکندریه، یونان و قبرس هر کدام از کلیسای جدید استقبال کرده‌اند.

سه کلیسای خودمختار دیگر به صراحت کلیسای جدید را رد کرده‌اند. پاتریارک مسکو حتی ارتباط خود را با قسطنطنیه به دلیل نقش آن در ایجاد کلیسای جدید قطع کرد.

نادیسا کیزنکو، مورخ برجسته ارتدوکس، گفته است که بارتولومئو وحدت ارتدوکس را در هم شکست تا کلیسایی با مشروعیت مشکوک ایجاد کند.

در مقابل، سیریل هوورون، متکلم مشهور، از کلیسای ارتدوکس اوکراین به عنوان یک «اظهار همبستگی مثبت با مردم اوکراینی که از تجاوز روسیه رنج می‌بردند»، استقبال کرد.

امروزه، دو رقیب اصلی ارتدوکس در اوکراین منعکس‌کننده دو دیدگاه تاریخی متفاوت از رابطه بین روس‌ها و اوکراینی‌ها هستند.

برای پاتریارک مسکو، روس‌ها و اوکراینی‌ها یک ملت هستند. بنابراین یک کلیسای واحد باید آنها را متحد کند.

ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در مقاله اخیر خود درباره «وحدت تاریخی روس‌ها و اوکراینی‌ها»، این استدلال را مطرح کرده است. او کلیسای

ارتدوکس اوکراین را حمله‌ای به «وحدت معنوی» مردم روسیه و اوکراین توصیف می‌کند.^۱

کلیسای ارتدوکس اوکراین دیدگاه بسیار متفاوتی دارد. متروپولیتن اپیفانی در مصاحبه‌ای «سنت‌های امپراتوری روسیه» را قاطعانه رد کرد و گفت اوکراینی‌ها به‌عنوان مردمی مستقل با فرهنگ منحصربه‌فرد، به یک کلیسای مستقل نیاز دارند.

آینده کلیسای ارتدوکس اوکراین نامشخص است. از حمایت چندین کلیسای ارتدوکس دیگر برخوردار است. در عین حال، با مخالفت شدید مسکو روبرو است. در حال حاضر، این موضوع منبع مناقشه بین روسیه و اوکراین است.^۲

۱ <http://en.kremlin.ru/events/president/news/66181>

۲ https://religionnews.com/09/02/2022/why_church_conflict_in_ukraine_reflects_historic_russian_ukrainian_tensions

مسئله "موهای بلوند و چشمان آبی" در جنگ اوکراین



جنگ اوکراین در فاصله کمتر از یک هفته به شکل دور از انتظاری به مسئله «نژادپرستی» پیوند خورده؛ یکی از تاریک‌ترین باورهای بشریت که سال‌هاست ریشه اختلافاتی عمیق بوده و زمینه تبعیض‌های گوناگون را در سطوح مختلف فراهم می‌کند.

نخستین بعد مسئله در داخل خاک اوکراین رخ داده؛ تبعیض میان کسانی که بعد از حمله روسیه به اوکراین تصمیم گرفتند از این کشور خارج شوند. بسیاری از این گروه ساکنان شهر کیف بودند که در مقایسه با دیگر شهرهای این کشور، جمعیت غیر اوکراینی بیشتری نیز دارد.

از نخستین روز آغاز جنگ، گزارش‌ها حاکی بود که در ایستگاه قطار پایتخت اوکراین، اولویت برای سوار شدن به قطار با اوکراینی‌هاست. و خیلی زود ویدئوهایی منتشر شد که نشان می‌داد خیلی از خارجی‌هایی که «سفیدپوست» نبودند، در ایستگاه قطار آواره شده‌اند و حتی شب را در آنجا به سر برده‌اند.

اما از آنجا که ادعای روسیه برای «نازی‌زدایی» از اوکراین، یکی از بهانه‌های کرملین برای حمله به این کشور بوده و همزمان مسکو بارها به دست داشتن در کارزارهای رسانه‌ای برای انتشار خبرهای غیرواقعی متهم شده، بسیاری این گزارش‌ها را جدی نگرفتند.

اما با گذشت چند روز، آرام آرام روایت‌های بیشتری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شدند که نشان می‌دادند «غیر سفیدپوست‌ها» در داخل اوکراین برای رسیدن به مرز و خروج از کشور با مشکلاتی قابل ملاحظه روبه‌رو هستند. بر اساس این روایات که بسیاری‌شان توسط دانشجویهای آفریقایی یا هندی‌تبار منتشر می‌شدند، آنها ناچار بوده‌اند که ده‌ها کیلومتر با پای پیاده خود را به مرز برسانند و در مرزها هم، اجازه خروج از کشور پیدا نمی‌کردند.

دست‌کم در یک مورد، ویدئویی که به دست بی‌بی‌سی فارسی رسیده نیز نشان می‌دهد که مأموران از چندین دانشجوی ایرانی خواسته‌اند که در ازای اجازه عبور، آشغال‌های محلی را که آوارگان حضور دارند، جمع کنند.

با افزایش شمار روایاتی از این دست، سرانجام فلیپو گرنودی، کمیسر عالی پناهجویان سازمان ملل تأیید کرد که در مرز اوکراین، بین اوکراینی‌ها و غیر اوکراینی‌ها تبعیض وجود دارد. اما آقای گرنودی گفت که بر اساس مشاهدات ناظران این نهاد، آنچه رخ داده یک سیاست دولتی نیست.

همچنین سه کشور کنیا، گابون و غنا، به عنوان اعضای آفریقایی که در حال حاضر عضو شورای امنیت سازمان ملل هستند، این وضعیت را محکوم کردند. مارتین کیمانی، نماینده غنا در سازمان ملل گفت که این رفتارهای «نژادپرستانه»

در حال ضربه زدن به روحیه همبستگی است که در حال حاضر «بسیار به آن نیاز داریم».

اما بعد دوم مسئله نژادپرستی و جنگ اوکراین، ارتباط مستقیمی به این کشور یا مأموران و سربازانش ندارد و انتقادها متوجه رسانه‌ها و سیاستمدارانی است که از صحبت در چارچوب گفتمان‌های برتری‌طلب ابایی ندارند؛ گفتمانی که بر اساس آن، اروپا و کسانی که ریشه اروپایی دارند، جوامعی «استثنایی، ویژه و برتر» تصویر می‌شوند که میانه‌ای با جنگ و کشتار ندارند.

یکی از گویاترین نمونه‌ها در این زمینه، صحبت‌های دیوید ساکواریلیدی، معاون سابق دادستان کل اوکراین بود که در مصاحبه‌ای زنده با بی‌بی‌سی گفت: «من بسیار احساساتی می‌شوم وقتی می‌بینم که مردم اروپایی با موهای بلوند و چشم‌های آبی هر روز با موشک‌های پوتین و بالگردهایش کشته می‌شوند».

خبرنگار باسابقه شبکه آمریکایی CBS، چارلی دگاتا، در پوشش خبری زنده خود از جنگ اوکراین، روز جمعه ۲۵ فوریه گفت: «اوکراین مثل عراق و افغانستان نیست که برای دهه‌ها شاهد مناقشه و تنش بوده باشند. اینجا مردم نسبتاً متمدن و نسبتاً اروپایی هستند... من باید در انتخاب کلمات دقت کنم اما شما در چنین کشوری انتظار ندارید چیزهایی که در حال حاضر اتفاق می‌افتد را ببینید».

کلی کویلا، خبرنگار شبکه NBC آمریکا در پوشش خبری مربوط به آوارگان جنگ اوکراین و کسانی که تلاش می‌کنند خود را به لهستان برسانند، گفت: «باید با صراحت بگویم که اینها پناهندگانی از سوریه نیستند، آنها

اوکراینی‌اند. آنها مسیحی، سفیدپوست و بسیار شبیه افرادی هستند که در لهستان زندگی می‌کنند.»

اما چنین رویه‌ای به اینجا ختم نشد و حتی شبکه‌ای از خاورمیانه هم جملاتی را پخش کرد که بر همین منوال بود. پتر دابی، مجری شبکه الجزیره جهانی در توضیحاتی در خصوص بحران اوکراین گفت: «اگر به پناهندگان اوکراینی و لباس آنها بنگرید می‌بینید که افرادی از طبقه متوسط مرفه هستند... بدیهی است که اینها پناهندگانی نیستند که از خاورمیانه یا شمال آفریقا می‌گریزند؛ اینها شبیه هر خانواده اروپایی‌اند که کنار شما زندگی می‌کنند.»

اما چنین اظهاراتی تنها به رسانه‌های انگلیسی زبان محدود نبود. فیلیپ کربه، روزنامه‌نگار فرانسوی و رئیس بخش سیاسی شبکه BFM گفت: «ما در اینجا درباره سوری‌هایی صحبت نمی‌کنیم که از بمباران رژیم اسد تحت حمایت پوتین فرار می‌کنند، ما در مورد اروپایی‌هایی صحبت می‌کنیم که برای نجات جان خود با اتومبیل‌هایی که شبیه ما هستند کشور را ترک می‌کنند.»

دانیل هانان، روزنامه‌نگار و سیاستمدار پیشین بریتانیایی در مقاله‌ای در رسانه تلگراف در خصوص شرایط در اوکراین نوشت: «آنها بسیار شبیه ما هستند و این چیزی است که بسیار تکان‌دهنده است. اوکراین یک کشور اروپایی است؛ مردم در آنجا نت فلیکس می‌بینند، اینستاگرام دارند و در انتخابات آزاد رأی می‌دهند و همچنین روزنامه‌های سانسور نشده می‌خوانند. جنگ دیگر چیزی برای مردم فقیر و دورافتاده نیست؛ ممکن است برای هر کسی اتفاق بیفتد.»

مایکل نولز، شومن آمریکایی از دیگر کسانی بود که اظهارات او در این رابطه چالش‌برانگیز شد. او روز ۲۷ فوریه در حساب توئیتری خود نوشت: «همین الآن متوجه شدم که این نخستین جنگ بین ملت‌های متمدن است که در طول زندگی من اتفاق می‌افتد.» آقای نولز که با انتقادات بسیاری مواجه شد چندان اهمیتی به این انتقادات نداد و همچنان از نظر خود دفاع کرد. او حتی در پاسخ که کسانی که به جنگ عراق اشاره کرده بودند، نوشت: «ممکن است که جنگ عراق یک فاجعه بوده باشد اما این کشور متمدن نبوده است.»

همزمان، واکنش متفاوت کشورهای اروپایی به مسئله ورود پناهنجویان جنگ‌زده اوکراینی در مقایسه با پناهنجویان کشورهای دیگر نیز از جمله موضوعاتی بود که انتقادهایی را به دنبال داشت و از سوی برخی، سیاسی «نژادپرستانه» توصیف شد.

برخی سیاستمداران اروپایی حتی تلاش کردند که دلایلشان را برای سیاست‌های متفاوتشان بیان کنند که عموماً این اظهارات نیز بیشتر باورهای این گروه را درباره تفاوت‌های بنیادین «اروپایی‌ها» با دیگران نمایان می‌کرد.

کریل پتکوف، نخست‌وزیر بلغارستان در این باره گفت: «اینها (اوکراینی‌ها) پناهنده‌هایی نیستند که ما همیشه می‌بینیم. اینها اروپایی هستند و ما کشورهای اروپایی هم آماده‌ایم که از آنها پذیرایی کنیم. اینها مردمی باهوش و تحصیل‌کرده هستند. به همین دلیل هیچ کدام از کشورهای اروپایی از موج مهاجرتی که در پیش‌رو است، وحشتی ندارد.»

ماتئوش موراویسکی، نخست‌وزیر لهستان نیز گفت: «ما آماده‌ایم به هر کس که کمک نیاز داشته باشد، کمک کنیم. ما آماده‌ایم که ده‌ها و صدها هزار پناهجوی اوکراینی را قبول کنیم.» این در حالی است که لهستان یکی از مهم‌ترین مخالفان پذیرش پناهجویان سوری توسط کشورهای اتحادیه اروپا بود و حتی حاضر نشد تصمیمات کمیسیون اروپایی را برای پذیرش پناهجویان اجرا کند.^۱

۱ https://www.bbc.com/persian/world-features_۶۰۶۰۵۱۶۲

https://per.euronews.com/۲۰۲۲/۰۳/۰۱/is_the_coverage_of_ukrainian_news_in_the_world_media_accompanied_by_racism

«زنسکی ابرقهرمان یهودی ماست،



یک هفته پیش، یهودیان کشورهای جهان ولودیمیر زنسکی رئیس جمهوری اوکراین را رهبری جهانی می‌دانستند که گوشی را برداشت و در آن «تماس تلفنی عالی» موجبات استیضاح دونالد ترامپ رئیس جمهور وقت ایالات متحده را فراهم کرد.

اما روزهای گذشته با تماشای زنسکی که مردم اوکراین را همراه خود بسیج کرده و در ترکیب متوازی از طنز و متانت در دفع ارتش روسیه جلو می‌رود، او را به عنوان «قهرمان یهودی معاصر» می‌شناسند.

رئیس جمهوری یهودی که در صف جلو جنگ کشور خود علیه تجاوز نظامی روسیه ایستاده است، با قهرمان‌های افسانه‌ای یهودیت مقایسه می‌شود و همزمان تصویر «یهودی بی‌وطن و بدون ریشه ملی» را از اذهان می‌زداید.

«پیترو فاکس»، یکی از ژورنالیست‌های یهودی، در توثیتی نوشت: «زلنسکی به "مکابی" عصر جدید جان بخشید.»

اشاره فاکس به یهودیان باستانی است که اگرچه از همه سو مورد حمله خارجی قرار گرفته بودند، اما از تلاش‌های جنگجویان خارجی که توسط یک حاکم تشنه قدرت هدایت می‌شدند، برای از بین بردن استقلال و فرهنگ خود در اسرائیل باستان جلوگیری کردند.

از نظر یهودیان آنچه امروز در اوکراین می‌گذرد شباهت زیادی به آن رویداد تاریخی دارد، و یکی دیگر از دلایلی است که رهبری زلنسکی چنین در میان یهودیان سراسر جهان طنینی آشنا دارد.

«مالی کراباپل»، هنرمند و نویسنده برجسته چپ‌اندکی پس از آنکه زلنسکی ویدئویی از خود در مرکز کیف منتشر کرد که جسورانه در مقابل پیشروی نیروهای روس ایستادگی می‌کرد، در توثیتی نوشت: «به عنوان یک یهودی، غیرممکن است با تماشای پشتکار، کرامت انسانی، و مبارزه‌طلبی زلنسکی در لحظه حاضر احساس غرور نکرد.»

در تل‌آویو، مردمی که برای اوکراین تظاهرات کردند، نام زلنسکی را سر می‌دادند. تویییتی از یک موعظه‌گر اسرائیلی که مردم را تشویق می‌کرد با نام عبری زلنسکی برای او دعا کنند، ده‌ها هزار بار به اشتراک گذاشته شد و میم‌های متعددی در اینترنت پخش شد که زلنسکی را به عنوان تجسم قدرتمندی از غرور یهودی برجسته می‌کرد.

یکی از میم‌ها^۱ که از سوی کمپانی رسانه‌ای معروف «گود» به اشتراک گذاشته شد، می‌گفت: «این ولودیمیر زلنسکی است. رئیس جمهوری اوکراین. یهودی است. پدربزرگش در جنگ جهانی دوم با نازی‌ها جنگید. بسیاری از خویشاوندانش در هولوکاست کشته شدند. او در مقابل یک دیکتاتور بپا خاسته است. زیرا که او شجاع است. زیرا می‌داند چه پیش خواهد آمد اگر ایستادگی نکند.»^۲

ملاحظه: خاندان مکابی یا مکابیان، نام خاندانی یهودی است که در یهودیه بر سلوکیان شوریدند و پادشاهی حشمونی را پایه ریختند. آنان از ۱۶۴ تا ۶۳ پیش از میلاد قدرت را در اختیار داشتند. مکابیان توانستند مرزهای سرزمین موعود را گسترش دهند، یهودیت را دوباره دین رسمی کشورشان کنند و جلو پیشروی یونانی‌گرایی و یهودیت هلنی را بگیرند. یکی از توضیحات در مورد ریشه لغت مکابی، کلمه آرامی maqqeba به معنی «چکش» است که به خشونت یهودیان مکابی در نبرد اشاره دارد.

^۱ <https://www.instagram.com/p/CabJYAzFjkU>

^۲ <https://www.timesofisrael.com/for-many-jews-volodymyr-zelensky-is-a-modern-maccabee-as-he-fights-ukraines-war>

بحران اوکراین: زمینه‌های دینی

به قلم: محمد مسجدجامعی



اختلافات فرهنگی - دینی؛ عامل تنش در کشورهای شرق اروپا و منطقه بالکان

مرزی نامرئی و در عین حال بسیار تعیین کننده و تأثیر گذار، کشورهای شرق اروپا و منطقه بالکان را از یکدیگر جدا می‌سازد. این مرزی است «فرهنگی - دینی» و بهتر است بگوییم مرزی است «تمدنی»؛ تمدن لاتینی و روم غربی و تمدن بیزانسی و روم شرقی. در یک طرف، کشورهای کاتولیکی با تعداد معدودی از پروتستان‌ها قرار دارند و در طرف دیگر کشورهایی با اکثریت ارتدوکس.

آخرین بار در جریان جنگی که در یوگسلاوی سابق و خصوصاً در بوسنی اتفاق افتاد، این مرز خونین شد. در آن ایام، جنگ اصلی بین کروات‌های کاتولیک

و صرب‌های ارتدوکس بود و البته در این میان، اسلونی کاتولیک به دلیل عدم مرز مشترک با صربستان، خود را از جنگ کنار کشید؛ اگرچه در کنار کرواسی ایستاد. در این میان، مسلمانان قربانی این رقابت کلیسایی شدند؛ اگرچه آنان مجبور شدند تاوان سخت‌گیری‌های دوران تسلط عثمانی‌ها بر مردم این مناطق را نیز بپردازند. البته گرایش‌های ضد اسلامی حاکم بر اروپای آن روزها را در این میان سهمی بود.

این مرز در جریان بحران اوکراین، یک بار دیگر به خون نشست. این بدان معنا نیست که جنگ موجود، جنگی است مذهبی بین ارتدوکس‌ها و کاتولیک‌ها. اکثریت قاطع مردم اوکراین، ارتدوکس هستند و این یکی از موارد نادری است که ارتدوکس‌ها در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند. اما چنان‌که خواهیم دید، نوع ارتدوکسیسم کنونی اوکراین عمیقاً تحت تأثیر تمایلات اوکراینی‌های کاتولیک (اونیاتی‌ها) و نیز تمایلات وطن‌پرستانه ضد روسی است. البته در این میان، عدم توجه به واقعیت‌ها از جانب کلیسای ارتدوکس روس که همچنان خود را بزرگ و مرجع کلیسایی ارتدوکس‌های کشورهای قلمرو شوروی سابق می‌داند، سهمی دارد.

به هر حال، عامل دینی و کلیسایی را در فراهم آوردن زمینه مناسب جهت شعله‌ور شدن بحران کنونی، نقشی تعیین‌کننده است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

پیدایش کلیسای اونیاتی؛ آداب و مراسم ارتدوکسی و پذیرش سلسله مراتب کاتولیکی

مرز یادشده از غرب اوکراین می‌گذرد. این موجب شده که اوکراین را به سه بخش «شرقی»، «مرکزی» و «غربی» تقسیم کنند. اکثر اونیاتی‌های کاتولیک در استان‌های غربی ساکنند و در برخی از این استان‌ها حائز اکثریت هستند. داستان شکل‌گیری آنان اجمالاً چنین است.

اوکراین در بخش غربی خود با دو قدرت کاتولیکی همسایه بود: هابسبورگ‌ها و نیز پادشاهی لهستان. به دلیل اسلاو بودن لهستانی‌ها، نفوذ فرهنگی و تمدنی آنان در اوکراین به مراتب بیشتر بود. آنان کاتولیک‌های متعصبی بودند و هنوز هم در مقایسه با سایر کشورهای شرق اروپا چنین هستند.

در اواخر قرن شانزدهم، قلمرو غرب اوکراین تحت سیطره آنان بود. در این زمان است که کلیسای اونیاتی با تشویق و حمایت لهستان، شکل می‌گیرد؛ به این معنا که آنان آداب و رسوم و مراسم دینی ارتدوکسی خود را حفظ می‌کنند، اما سلسله مراتب کاتولیکی و همچنین ریاست دینی پاپ را می‌پذیرند. این جریان در ایام ضعف روس‌ها اتفاق می‌افتد.

در زمان کاترین که روس‌ها قدرت می‌یابند، اونیاتی‌ها تحت فشار و گاهی در معرض کشتار قرار می‌گیرند. عده‌ای به کلیسای ارتدوکس بازمی‌گردند و تعداد قابل توجهی دین جدید را حفظ می‌کنند. از آن به بعد، عموم تزارها به اونیاتی‌ها سوءظن داشته‌اند؛ خصوصاً که آنان به لهستان، که رقیب تاریخی روس‌ها بود،

گرایش داشتند و به طور کلی به غرب نگاه می‌کردند. هنگامی که لهستان توسط روس‌ها اشغال شد، این فشار به حداکثر رسید.

در زمان استالین، فشار به اونیاتی‌ها افزایش می‌یابد و بسیاری از کلیساها و مراکز دینی‌شان تخریب و یا مصادره می‌شود. البته در زمان او، تمامی ادیان موجود در شوروی سابق تحت فشار قرار داشتند، اما به دلایلی که گفته شد، شرایط برای اونیاتی‌ها سخت‌تر بود.

پس از تجزیهٔ اتحاد شوروی و استقلال اوکراین، اونیاتی‌ها به شدت انگیزه شدند. آنان خواهان استرداد کلیساها و احقاق حقوقشان بودند که البته پشتیبانی وسیع لهستانی‌ها و نیز پاپ ژان پل دوم را، که لهستانی بود، به همراه داشتند و مهم‌تر این بود که ناسیونالیسم آنان عمیقاً ضد روس و ضد کلیسای ارتدوکس مسکو بود و این دو علت اساسی داشت: بخشی به دلیل ضدیت لهستانی‌ها با روس‌ها بود که بدانان گرایش داشتند، و بخشی به دلیل عملکرد تزارها و کمونیست‌ها و نیز کلیسای مسکو بود.

پیوند کلیسای اونیاتی و ناسیونالیسم اوکراینی

اختلاف و تعارض بین اونیاتی‌ها و ارتدوکس‌ها تا بدانجا پیش رفت که موضوع در کنفرانس اساقفهٔ اروپا که با حضور پاپ و در رم برگزار شد، مطرح گردید و به برخوردهای تند لفظی بین کاردینال «سیلوسترینی» و «اسپیردونه»، مطران ارتدوکس، انجامید. سیلوسترینی، رئیس مجمع کلیساهای شرقی بود و کلیسای اونیاتی زیر نظر وی بود. اسپیردونه نیز نمایندهٔ پاتریارک قسطنطنیه در

ایتالیا بود. در جریان این برخورد لفظی، سیلوسترینی صریحاً گفت ما به کلیساهای خود نیاز داریم و باید هرچه زودتر کلیساهای اونیاتی که توسط دولت شوروی به کلیسای ارتدوکس داده شده، بازگردانده شود. سخن اسپریدونه این بود که بهتر است واتیکان فضای متشنج آن مناطق را آرام کند و به تدریج این جابه‌جایی صورت پذیرد.

ناسیونالیسم اوکراینی در مقایسه با سایر جمهوری‌های مستقل‌شده، شدیدتر و افراطی‌تر است. صرف‌نظر از دلایل تاریخی، آنان پیشرفته‌ترین بخش اتحاد شوروی بودند؛ چه به لحاظ علمی و آکادمیک و چه به لحاظ صنعتی و تجاری؛ به نوعی که خود را نه هم‌تا که فراتر از روس‌ها می‌دانستند. بدون شک، این جریان مورد پسند و تشویق غربی‌ها بود. افزون بر این، جمعیت آنان و نیز مساحت سرزمینشان به مراتب از سایر جمهوری‌های قلمرو اروپایی شوروی بیشتر بود. آنها عملاً وسیع‌ترین کشور در مجموعه قاره اروپا هستند.

در چنین شرایطی و در نبود احزاب ریشه‌دار و سازمان‌های غیردولتی شناخته‌شده، اونیاتی‌ها به مؤثرترین جریان اجتماعی تبدیل شدند و عملاً بخشی از کلیسای ارتدوکس را تحت تأثیر قرار دادند. در سال ۱۹۹۲ میلادی بود که یکی از اساقفه کلیسای ارتدوکس اوکراین، آقای «فیلارت»، اعلام استقلال کرده، کلیسای مستقل اوکراین را به ریاست خویش تأسیس کرد. شایسته یادآوری است که در تمامی قلمرو شوروی، تنها یک کلیسای ارتدوکس وجود داشت که تحت رهبری و نظارت کلیسای ارتدوکس مسکو نبود. در آن زمان کسی این کلیسای مستقل را به رسمیت نشناخت. نگارنده در ۱۹۹۴ میلادی به همراه سفیر محترم

کشورمان در کَیف با او ملاقات کردم. شخصیت، رفتار و سخنان او شباهتی با اساقفه ارتدوکسی که می‌شناختم، نداشت. صریحاً از روسیه و کلیسای ارتدوکس مسکو انتقاد می‌کرد و این کلیسا را به همکاری با رژیم کمونیستی متهم می‌ساخت. در اوایل دههٔ نود، بسیاری از رسانه‌های کاتولیکی و حتی غیر کاتولیکی، کلیسای ارتدوکس کشورهای بلوک شرق را به همکاری با رژیم‌های کمونیستی متهم می‌کردند و این تبلیغات، مقامات کلیساهای ارتدوکس را در موضعی شدیداً انفعالی قرار داده بود.

البته در آن دوران کسی فیلارت و کلیسایش را به رسمیت نشناخت. جهت تثبیت موقعیت فیلارت، به عنوان رئیس کلیسای مستقل اوکراین، ضروری بود کلیساهای ارتدوکس دیگر اقدام او را به رسمیت بشناسند که چنین نشد.

استقلال کلیسای اوکراین و جدایی کامل از کلیسای مسکو

ابتکار فیلارت با توجه به فضایی که وجود داشت، نفوذ و طرفداران بیشتری یافت، تا آنجا که در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۸ میلادی مقامات کلیسای اوکراین تصمیم گرفتند کلیسای خود را از مسکو جدا سازند، و این تصمیم در ۵ ژانویه ۲۰۱۹ میلادی توسط پاتریارک قسطنطنیه، آقای «بارتولمئوس»، به رسمیت پذیرفته شد. این به معنای تأیید استقلال کلیسای اوکراین و جدایی نهایی‌اش از مسکو بود که مورد استقبال گرم و وسیع «پروشنکو»، رئیس‌جمهور، و دیگر مقامات اوکراینی قرار گرفت و البته اعتراض شدیدالحن پاتریارک مسکو، آقای کریل، را موجب شد و به قطع همکاری‌اش با کلیسای قسطنطنیه انجامید.

نتیجه این شد که از جانب مقامات رسمی، کلیسای جدید رسمیت یافت و از آقای فیلارت نیز محترمانه دعوت کردند که به کلیسای جدید بپیوندد و طبیعتاً کلیسای ارتدوکس اوکراین وابسته به مسکو، در موقعیت سختی قرار گرفت؛ خصوصاً که هواداران کلیسای جدید آنان را تشویق می‌کردند که به کلیسای جدید ملحق شوند و گاهی مورد تهدید قرار می‌گرفتند. مسئله در آنجا که به اوکراینی‌ها باز می‌گشت، مشکل حادی ایجاد نمی‌کرد؛ اما روس‌تبارها با مشکلات عدیده‌ای مواجه شدند؛ خصوصاً که درصد بزرگی از ساکنان مناطق مرکزی و به‌ویژه شرقی، اصولاً روس‌تبار هستند و مایلند زبان و فرهنگ و دین و کلیسای خود را داشته باشند.

واقعیت این است که در اروپا کشورهای فراوانی هستند که اقلیت بزرگ و یا کوچکی از قومیت کشورهای همسایه را در دل خود دارند. برای نمونه، در منطقه ترانسیلوانیای رومانی، حدود یک و نیم میلیون مجاری زندگی می‌کنند؛ اما پس از فراز و نشیب‌هایی که پس از سقوط رژیم‌های کمونیستی اتفاق افتاد، آنان و رژیم حاکم و کلیسای ارتدوکس رومانی، به نقطه تعادلی رسیدند و دولت پذیرفت که مجارهای این منطقه زبان و فرهنگ و نظام آموزشی و همچنین کلیساهای خود را داشته باشند. این جریان در اوکراین نه تنها اتفاق نیفتاد، بلکه مشکلات تشدید و تعمیق شد؛ حتی در زمینه مسائل دینی و کلیسایی، و روس‌تبارهای اوکراین به دلایل مختلف مورد آزار و تبعیض قرار گرفتند؛ وضعیتی که به نفع هیچ یک از طرفین نیست و زمینه تنش در رابطه دو کشور همسایه را فراهم می‌آورد.

اونیاتی‌ها؛ ناآرام و سیاسی

این‌که پاپ به گونه‌ای کاملاً غیر منتظره و پس از آغاز جنگ شخصاً به سفارت روسیه می‌رود و از آنها می‌خواهد به هر صورت ممکن جنگ را متوقف کنند، حاکی از حساسیت موضوع حتی به لحاظ دینی است. اونیاتی‌ها در بین ارتدوکس‌های کاتولیک‌شده، ناآرام‌ترین و سیاسی‌ترین‌ها هستند. آنها پیوسته با لیستی بلندبالا از تقاضاها به واتیکان می‌آمدند و می‌آیند. پاپ موجود، در این دیدارها پیوسته آنان را به آرامش و پیگیری مسالمت‌آمیز درخواست‌هایشان سفارش می‌کرد، و به واقع با افراط‌گری‌های آنان مشکل دارد. درخواست‌ها و انتقادهای آنان به مراتب از درخواست‌ها و انتقادهای شخصیت‌های کاتولیکی شرق آسیا، به‌ویژه تایوان، در مورد همکاری واتیکان و دولت چین، بیشتر و حتی اعتراض‌آمیزتر است و این همه، پاپ را در تنگنا قرار داده و می‌دهد.

پاپ به دلیل سابقه «یسوعی» بودنش، عمیقاً متأثر از منظومه فکری و معرفتی آنان است. مسئله این نیست که اطلاعات دست‌اول فراوانی دارد که از جانب کلیساهای مناطق مختلف به او می‌رسد؛ اصولاً نوع تفکر و روش تحلیل او «ژزوئیتی» است. بدون شک، ژزوئیت‌ها به مثابه نخبگان غربی، کیفیت فهمشان از مسائل و کیفیت تحلیل و آینده‌نگری‌شان در مواردی، با دیگران متفاوت است و به همین دلیل عموماً به نظریات آنان توجه می‌شود. می‌توان گفت او دقیق‌تر و عمیق‌تر از دیگران، ابعاد بحران را می‌بیند و می‌داند و این‌که این بحران تا چه اندازه می‌تواند تعادل کلیسایی و ثبات اجتماعی و بلکه سیاسی را در هم ریزد.

مسکو؛ مرکز ثقل کلیساهای ارتدوکس و «رُم سوم»

این بحث بدون اشاره به کلیسای ارتدوکس روسیه و موقعیت و تصوراتش کامل نیست. کلیسای روسیه، ستون فقرات هویت دینی - قومی روس‌ها از زمان تزارها به بعد است. این سخن در بخش مهمی از دوران شوروی سابق هم درست بود.

از هنگامی که تزارها احساس قدرت کردند، پیوسته بدان تکیه داشتند تا بدانجا که مسکو را «رُم سوم» می‌نامیدند؛ بدین معنا که مرکز مهم و تاریخی مسیحیت در ابتدا «رُم» و سپس «قسطنطنیه» بود و این که آنها به مثابه رُم سوم هستند. تزارها از اوایل قرن نوزدهم به بعد، مسکو را مرکز ثقل کلیساهای ارتدوکس می‌دانستند؛ چه در شرق اروپا و چه در خاورمیانه.

در دوران اتحاد شوروی، کلیسای مسکو خود را مرکز تمامی کلیساهای ارتدوکس قلمرو شوروی می‌دانست و این واقعیت را همگان پذیرفته بودند. پس از تجزیه شوروی، کماکان کلیسای مسکو خود را چنان می‌دانست که در زمان اتحاد شوروی؛ و البته این تصور چندان با وضع جدید و جمهوری‌های نوپدید هماهنگ نبود. در سرزمین‌های ارتدوکس در آنجا که تجزیه‌ای رخ می‌داد، منطقه تازه استقلال‌یافته عموماً می‌کوشید کلیسای خود را جدا کند. نمونه آن، اریتره و مقدونیه است.

مشکل دیگر، شخصیت پاتریارک جدید بود. به هنگام تجزیه، آقای «الکسی» پاتریارک بود و در این سَمَت تا پایان عمر باقی ماند. یک بار به همراه

سفیر محترم کشورمان در روسیه، با وی دیدار کردم. او فردی آرام و مسالمت‌جو و حتی خجول بود و شخصیتی همچون عموم مقامات مسیحی داشت؛ اما جانشین او، آقای «کریل» که هم‌اکنون پاتریارک مسکو است، شخصیتی است بسیار متفاوت. او در زمان الکسی مسئولیت روابط بین‌المللی کلیسایش را به عهده داشت و حداقل یک بار به هنگام مأموریت در واتیکان، با وی در رُم دیدار داشتم. شخصیت او به کلی متفاوت است با الکسی و اکثریت مقامات دینی ارتدوکس. او فردی است برون‌گرا و حتی جاه‌طلب و بیشتر شخصیتی سیاسی است تا دینی. با توجه به علایق شخصی پوتین به کلیسای مسکو، به احتمال فراوان کریل در اندیشه و ایده‌های او مؤثر بوده و هست.

واقعیت این است که برخورد کریل با کلیسای جداشدهٔ اوکراین و نیز با پاتریارک قسطنطنیه می‌توانست ملایم‌تر و همدلانه‌تر باشد؛ اما گویی او نپذیرفته بود که شوروی سابق تجزیه شده و جمهوری‌های جدیدی سر برآورده‌اند و اینان نمی‌توانند همچون گذشته گوش به فرمان کلیسای مسکو باشند. به هر حال، این نوع برخورد به افراطی‌تر شدن کلیسای اوکراین کمک کرد و به نوبهٔ خود به افراطی‌گری ناسیونالیستی و افراطی‌گری ضد روسی آنان، آتش دمید.

در حال حاضر، دو کلیسای اونیاتی و کلیسای مسکو دقیقاً در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند. سیر تحولات دهه‌های اخیر عملاً آنان را به چنین نقطه‌ای رسانیده است. در حالی که آقای کریل مخالفان روسیه در اوکراین را «نیروهای شیطانی» می‌نامد، آقای «شوچوک»، رهبر دینی اونیاتی‌ها، ضمن بیانیه‌ای مفصل و پس از

حملة روسیه می‌گوید: «دفاع از میهنمان، حق طبیعی و وظیفه‌ای مدنی است. وقتی با هم هستیم، قوی هستیم.»

روسیه و چین؛ دشمنی با غرب و به‌خصوص انگلوساکسون‌ها

نکته دیگر در مورد آقای «قدیروف»، حاکم منطقه چین است. او گفت نیرویی ده‌هزار نفره را جهت جنگ در کنار روس‌ها به عنوان نیروهای ویژه آشنای با جنگ شهری، به اوکراین خواهد فرستاد و عملاً تعدادی از نیروهای اعزام‌شده، کشته و یا زخمی شدند. جمعیت چین کمی بیش از یک میلیون نفر است و چنین تعداد نیروی نظامی، قابل تأمل است.

مسئله این است که گروه‌های مختلف اهل سنت، به‌ویژه در منطقه ما، پس از حضور روسیه در سوریه، به مخالفان او تبدیل شدند؛ از گروه‌های تکفیری و جهادی گرفته تا وهابی‌ها و سلفی‌ها و تمام کسانی که گرایش اسلامی - سیاسی دارند و بلکه عموم مردم. افزون بر این، در دوران یلتسین روس‌ها بدترین جنگ را بر چین تحمیل کردند و شهر گروزنی تقریباً با خاک یکسان شد. لذا این‌که در چنین شرایطی نیرویی ده‌هزار نفره عازم جنگ در کنار روس‌ها شوند، عجیب به نظر می‌رسد.

به احتمال فراوان آقای قدیروف و همکاران و هم‌فکرانش به طرز تفکر ناسیونالیست‌های اروآسیایی روسیه همچون آقای «الکساندر دوگین» نزدیک شده‌اند. آنان دشمن اصلی را غرب و خصوصاً انگلوساکسون‌ها می‌دانند و در این چارچوب، متحدان خود را در درجه نخست شیعیان و نیز اهل سنتی که چنین

می‌اندیشند، می‌دانند. به احتمال فراوان در حال حاضر چنین طرز تفکری در بین آنان حاکم است، اما این‌که این طرز تفکر تا چه میزان قابل استمرار باشد، محل تأمل است.

اولاً، چندان معلوم نیست اندیشهٔ اروآسیایی، خصوصاً پس از حوادث اخیر، تا چه میزان قادر است در صحنه بماند و خود را با واقعیت‌ها و فراز و نشیب‌ها تطبیق دهد و ثانیاً، روشن نیست که اندیشهٔ اسلامی - سیاسی آقای قدیروف و با توجه به مبانی فقهی و کلامی و اعتقادی اهل سنت، تا چه میزان پخته و پایدار است. به هر حال، اندیشهٔ دینی - سیاسی در چارچوب جهان مسلمان در درازمدت نمی‌تواند فراتر از خصوصیات و ظرفیت‌های فقهی و کلامی اسلامی برود؛ چه در قلمرو اهل سنت و چه در قلمرو تشیع.^۱

^۱ <http://maraminstitute.com/?p=۵۲۱>

در مورد چینی ها چه می دانیم؟ آیا یک جریان تکفیری هستند؟

به قلم: شیخ اورخان محمداف



در روزهای اخیر و در حین تشدید تنش ها بین روسیه و اوکراین اخباری مبنی بر اعزام چینی ها برای دفاع از روسیه به این منطقه منتشر شده است. برخی ها این گروه را تکفیری می دانند زیرا آنها را با تکفیری های فرستاده شده به سوریه شناخته اند و مشخصاً شناختی از این گروه ندارند.

این گروه بیشتر صوفی مسلک هستند. نخستین صوفی ها از منطقه عثمانی به این نقطه آمدند. قبل از این اتفاق چچن ها تحت تأثیر فرهنگ ایران باستان، بیشتر آتش پرست بوده و بقیه بت پرست بوده اند. چچن ها حدود ۳۰۰ سال پیش کاملاً مسلمان شدند.

دومین جریانی که به مسلمان شدن چچن ها کمک کرد، جریانی ایرانی به نام قادریه بود که اصالت گیلانی داشته اند. در اشعار چچن ها محبت به حضرت

علی علیه السلام و بالآخر امام سجاد علیه السلام دیده می‌شود. این گروه شریعت محور هستند یعنی دو اصل دارند: کار خوب و عبادت درست.

در قیام بر علیه شوروی ابتدا همین گروه صوفی پرچم قیام را بلند کردند و پس از آن تکفیری‌ها از عربستان و اردن به منطقه چچن وارد شدند و به همین دلیل درگیری بین صوفی‌ها و تکفیری‌ها رخ داد و به دلیل خونریزی‌ای که تکفیری‌ها در این منطقه کردند، صوفی‌ها از قیام دست کشیده و به طرف روس‌ها رفتند.

جریان سومی نیز در این منطقه وجود دارد که به شیعیان نزدیک هستند و به امام حسین علیه السلام ارادت داشته و ریشه فرهنگی ایرانی دارند.

رهبر فعلی چچن‌ها، رمضان قدیروف و از مسلک قادریه است که این جریان اصالت ایرانی دارد. تعداد تکفیری‌ها در چچن کم است اما سر و صدای زیادی دارند.

افرادی که به مرز روسیه فرستاده شده‌اند، همین صوفی‌مسلک‌ها هستند و مجالسی که گرفته‌اند نشان می‌دهد از جریان قادریه هستند.

چچن‌ها سبک زندگی سنتی دارند. حدود ۸۰ درصد آنها خواهان تدریس اسلام در مدرسه‌ها و بیش از ۵۰ درصد خواهان این هستند که حکومت، دینی باشد.

بنابراین این گروه صوفی بوده و به اهل بیت ارادت دارند اما متأسفانه به دلیل عدم آگاهی بخشی نسبت به این گروه، چچنها به اشتباه به عنوان تکفیری شناخته می‌شوند.^۱

عربستان سعودی و اندونزی: دیدگاه‌های متضاد در اسلام میانه‌رو

به قلم: جیمز دورسی



دو دیدگاه کاملاً متضاد از اسلام معتدل در حالی ظهور کرده‌اند که قدرت‌های بزرگ مسلمان برای تعریف روح دینی خود در قرن بیست و یکم مبارزه می‌کنند.

محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان و یحیی خلیل ثقفی، رئیس هیئت مرکزی نهضت العلماء اندونزی، بزرگ‌ترین سازمان اسلامی جهان، دیدگاه‌های متفاوت

^۱ https://t.me/masaf_najva/۳۳۵۶۹

خود را پیرامون اسلام معتدل در مصاحبه‌های جداگانه اما تقریباً همزمان منتشر کردند.

در حالی که همزمانی مصاحبه‌ها تصادفی بود، آنها به خوبی پارامترهای رقابت میان قدرت‌های اصلی خاورمیانه‌ای و آسیایی با اکثریت مسلمان را برای تسلط بر گفتمان اسلامی ترسیم کردند.

در قلب اختلافات بین بن سلمان و ثقفی، سؤالاتی در مورد اینکه آیا اسلام نیاز به اصلاح یا بازگشت به مبانی دارد، چه کسی صلاحیت تفسیر مجدد آن را دارد و اینکه چه چیزی حکمرانی صحیح اسلامی را تشکیل می‌دهد، نهفته است. بن سلمان در گفتگو با آتلانتیک هیچ شکی باقی نگذاشت که صلاحیت تفسیر اسلام تنها در اختیار او است.

بن سلمان که فارغ‌التحصیل حقوق از دانشگاه ملک سعود است و به خود می‌بالد که به عنوان دانشجوی فقه اسلامی نهاد مذهبی عربستان سعودی را به میل خود منحرف کرده است، اصل مفهوم اسلام میانه‌رو را «استبدادی» مطرح کرد: «اطاعت مطلق از حاکم».

بن سلمان گفت: «در شریعت اسلام، رئیس نظام اسلامی، ولی امر و حاکم است.»

بن سلمان افزود که «عربستان سعودی بر یک سلطنت خالص بنا شده است» و او به عنوان ولیعهد، نظام را حفظ خواهد کرد. جدا کردن خود از این سلطنت به منزله خیانت به تمام شاهزاده‌ها و سعودی‌های زیر دست او خواهد بود. وی گفت: «من نمی‌توانم علیه ۱۴ میلیون شهروند کودتا کنم.» او تأکید کرد که اکثر

سعودی‌ها نه تنها از سلطنت بلکه از حکومت سلطنتی تک‌نفره نیز حمایت می‌کنند.

بن سلمان همچنین اصرار داشت که اوست تصمیم می‌گیرد اجرای شریعت اسلامی شامل چه مواردی می‌شود و او این اقتدار و قدرت را دارد که ایمان را آن طور که می‌خواهد تفسیر کند.

بن سلمان گفت که نمی‌تواند قوانین مندرج در قرآن را که به عنوان کلام خدا تلقی می‌شود، تغییر داد، اما در تفسیر مجدد اکثر مقررات قوانین اسلامی که برگرفته از گفته‌ها و اعمال گزارش شده حضرت محمد(ص) است، آزاد است.

برنارد هایکل، محقق خاورمیانه، به آتلانتیک گفت: «او سنت را محدود می‌کند. او این کار را به روشی اسلامی انجام می‌دهد. او می‌گوید که موارد بسیار کمی وجود دارد که در اسلام قابل بحث نیست و همین امر به او اجازه می‌دهد تا تعیین کند که چه چیزی به نفع جامعه مسلمانان است و این می‌تواند به معنای باز کردن سینماها، اجازه دادن به گردشگران یا زنان در سواحل دریای سرخ باشد.»

دیدگاه‌های بن سلمان در تضاد با دیدگاه‌های نهضت العلمای اندونزی است که به ضرورت «زمینه‌یابی مجدد» اسلام برای تطبیق مفاهیم حقوقی و فلسفی آن با قرن بیست و یکم فرامی‌خواند.

زمینه‌یابی مجدد (Recontextualisation) شامل بازنگری در عناصر «منسوخ» فقه اسلامی است که برتری طلبانه یا تبعیض‌آمیز هستند. اینها شامل مفاهیمی مانند کافر ذمی یا اهل کتاب مانند یهودیان و مسیحیان است که بر

اساس قوانین اسلامی از جایگاه درجه دوم برخوردارند و یا برده‌داری که در سراسر جهان اسلام در قالب قوانین سکولار لغو شده است اما هنوز از شریعت حذف نشده است.

تقابل بینش‌ها در تعریف بن سلمان از اقتدار و رد مفهوم «اسلام معتدل» مشهود بود. بن سلمان تأکید کرد که اصطلاح «اسلام معتدل» تروریست‌ها و افراط‌گرایان را خوشحال می‌کند.

وی گفت: «اصطلاح اسلام معتدل اشاره به این دارد که ما در عربستان سعودی و سایر کشورهای اسلامی در حال تغییر اسلام به چیزی جدید هستیم، که این درست نیست.» او افزود: «ما به اصل خود باز می‌گردیم، به اسلام ناب»، همان اسلامی که حضرت محمد(ص) و چهار خلیفه بدان عمل کرده‌اند. «اینها تعالیم پیامبر و چهار خلیفه اوست. آنها اعجاب‌انگیز بودند. آنها کامل بودند.»

اصرار بن سلمان بر اینکه اسلام قرن هفتم کامل بوده است، نشان می‌دهد که چرا او اصلاحات اجتماعی گسترده خود را که محدودیت‌های عمده مربوط به زنان و سرگرمی‌های امروزی را برداشته، نه به عنوان قوانین مذهبی، بلکه صرفاً به مثابه قوانین سکولار تثبیت کرده است.

بله، این «دین» است که مسلمانان متدین فراتر از قلمرو عربستان به آن چشم دوخته‌اند، و نه «قانون» عربستان (و بن سلمان نمی‌خواهد نزد مسلمانان متدین برچسب تغییر و بدعت در دین بخورد).

این خلأی است که نهضت العلماء امیدوار است آن را پر کند. این گروه می‌گوید زمانی که در سال ۲۰۱۹، در گردهمایی ۲۰۰۰۰ نفری از علمای اسلامی،

مقوله قانونی کافر را منسوخ و دیگر بر اساس قوانین مسلمانان غیر قابل اجرا اعلام کردند، این کار را آغاز کرده است.

این واژه با کلمه «مواطنون» یا شهروندان جایگزین شد تا تأکید شود که مسلمانان و غیر مسلمانان در برابر قانون برابر هستند. عبدالمقسط غزالی، روحانی نهضت العلماء در آن زمان گفت: «کلمه «کافر» به برخی از غیر مسلمانان آسیب می‌رساند و از نظر کلامی خشونت‌آمیز تلقی می‌شود.»

از آن زمان این جنبش هنوز به سایر مفاهیم حقوقی که آنها را «منسوخ» معرفی کرده، نپرداخته است.

با این وجود، آقای ثقوف، که در دسامبر به عنوان رئیس (این گروه) انتخاب شد، خاطرنشان کرد که بنیانگذار نهضت العلماء، حاجی هاشم اشعری، این جنبش را به عنوان وسیله‌ای برای «تحکیم جهان» در نظر گرفته بود.

در آن زمان، این به معنای وسیله‌ای بود برای پر کردن خلأ ایجاد شده توسط مصطفی کمال آتاتورک، ژنرالی که ترکیه مدرن را از ویرانه‌های امپراتوری عثمانی بیرون آورده بود.

برای بسیاری از مسلمانان، خلافت زیربنای تمدن اسلامی بود. آقای ثقوف به مجله کومپاس اندونزی گفت: «بر اساس سوابق موجود، نهضت العلماء برای ایجاد مسیری جدید برای تمدن آینده و جایگزینی ساختار تمدنی قدیمی که از دست رفته بود، تأسیس شد.»

با اشاره به ریشه‌های تاریخی اسلام اندونزیایی و نهضت العلماء، ثقوف دستورات مذهبی این گروه را «اسلام بشردوستانه» نامید. این گروه آن را به عنوان

جایگزینی برای ایده‌های دولتی، کمتر توسعه‌یافته، کمتر متحمل و کمتر کثرت‌گرایانه از اسلام میانه‌رو برشمرده که توسط عربستان سعودی و امارات متحده عربی تبلیغ می‌شود و همچنین جایگزینی برای اسلام سیاسی که توسط ترکیه، ایران و اخوان المسلمین نمایندگی می‌شود.

ثقوف یک مزیت دارد که دیگر اصلاح‌طلبان مسلمان کمتر از آن برخوردارند. اندونزی و نهضت العلماء معتقدند که رقیب کشورهای خاورمیانه هستند، در نتیجه، علمای نهضت العلماء نیازی به استفاده از کرسی‌های آموزش اسلامی مانند الازهر در قاهره یا دانشگاه اسلامی مدینه ندارند.

بر خلاف بن سلمان، ثقوف نقش خود را بازگشت به دیدگاه عبدالرحمن وحید، رهبر سابق بسیار مورد احترام و رویایی نهضت العلماء و رئیس‌جمهور سابق اندونزی، می‌داند.

آقای ثقوف، محقق برجسته اسلامی و شاگرد عبدالرحمن وحید، گفت که او به دنبال ایجاد مسیری جدید به سوی توسعه تمدن جدید بود و ما باید تلاش کنیم تا یک اجماع جهانی ایجاد کنیم که به حقوق و کرامت برابر هر انسانی احترام بگذارد.

بن سلمان ممکن است در تلاش‌هایش برای تعریف «اسلام میانه‌رو» و کنترل روایت آن نمایش‌های بیشتری داشته باشد، اما با این حال در تحلیل نهایی، ممکن

است این ثقیف باشد که به عنوان بخشی از یک تلاش گسترده‌تر، به جای اصلاح تنها یک کشور با اکثریت مسلمان، بر اصلاح اسلام تأثیر مهم‌تری بگذارد.^۱

قانون ممنوعیت سخنانی مذهبی بدون مجوز در مصر؛ سرکوب آزادی‌ها یا کنترل آشوب؟



بین ادعای کنترل و قانونی کردن سخنانی در مسائل مذهبی و ترس از ایجاد محدودیت بر آزادی عقیده و بیان، پارلمان مصر در حال بررسی اصلاحات قانونی است که گفتمان دینی را محدود به گروه‌های خاصی می‌کند و پیش‌نویس اصلاحیه توسط متخصصانی از الازهر و وزارت اوقاف مصر پیشنهاد شده است.

^۱ https://www.wionews.com/opinions_blogs/saudi_arabia_and_indonesia_clashing_visions_of_moderate_islam_۴۵۸۹۵۰

با وجود قانون تنظیم خطابه در مصر که در سال ۲۰۱۴ در مورد سخنرانی‌های عمومی و موعظه‌های دینی در مساجد و مانند آن در میادین عمومی صادر شد، با این حال، اصلاحات جدید همان محدودیت‌ها را برای کسانی نیز که در مورد مسائل دینی در رسانه‌های دیداری، شنیداری یا الکترونیکی صحبت می‌کنند اضافه کرد و هر کسی که در هر رسانه‌ای در مورد دین صحبت می‌کند موظف است فارغ‌التحصیل الازهر یا واعظ و امامی باشد که مجوز صحبت در مورد مسائل دینی را گرفته است.

پیش‌نویس اصلاحات جدید در پی موجی از جنجال‌ها در مصر پس از آن مطرح شد که نویسنده ابراهیم عیسی در برنامه‌ای تلویزیونی معراج پیامبر اسلام (ص) به آسمان را منکر شد و ادعا کرد روایات فقهی می‌گویند این اتفاق نیفتاده است، در حالی که این امر برای مسلمانان ارزش زیادی داشته و نمی‌پذیرند که چنین شخصیت‌هایی به راحتی آن را زیر سؤال ببرند.

صحبت‌های عیسی با جنجال‌هایی همراه شد و به دنبال آن درخواست‌هایی برای پاسخ‌گویی و ممانعت از حضور او در رسانه‌ها مطرح شد. وکلای دادگستری قبل از اینکه دادستانی اعلام کند که در حال انجام اقدامات تحقیقاتی علیه وی در این موارد است، با ارسال اطلاعاتی به دادستانی خواستار تحقیق از او شدند.

عصام الاسلامبولی، وکیل دادگاه قانون اساسی مصر به الحره گفت: «اصلاحاتی که به تصویب می‌رسد به اصول قانون اساسی مربوط به آزادی عقیده و اندیشه لطمه جدی وارد می‌کند، همین امر منجر به مصادره عقیده در مورد گفتار، نوشتار یا هر وسیله دیگری، که در قانون اساسی مصر به رسمیت شناخته

شده است، می‌شود. همچنین این یک عقب‌نشینی برای هر گونه پیشرفت در زمینه تجدید گفتمان دینی است که در گرو ارائه نظرات جدید و متفاوت در برابر گفتمان دینی قدیم است.»

اصلاحات جدید سقف مجازات را برای هر کسی که در مسائل دینی بدون مجوز از ال‌زهر و وزارت اوقاف اظهار نظر کند، به ۶ ماه تا یک سال کامل حبس و جریمه‌ای نقدی از ۵۰ تا ۱۰۰ هزار پوند یا یکی از دو مجازات محکوم می‌شود.

مجازات همچنین شامل هر کسی می‌شود که نظری مخالف با دین حق یا مخالف اصول و مبانی کلی و معتبر آن داشته باشد، در صورتی که نظر او موجب فتنه‌افکنی یا دامن زدن به خشونت در میان مردم ملت شود.

همچنین کسانی که لباس ال‌زهر را بدون اینکه یکی از فارغ‌التحصیلان آن باشند، بپوشند یا به آنها توهین، تحقیر یا تمسخر کنند، به ۶ ماه تا یک سال کامل حبس و جریمه‌ای نقدی از ۵۰ تا ۱۰۰ هزار پوند یا یکی از دو مجازات محکوم می‌شوند.

کمیته امور مذهبی پارلمان مصر با حضور نماینده ال‌زهر طرح اصلاحات را مورد بحث و بررسی قرار داد و به طور اصولی به تصویب رساند و انتظار می‌رود که این بحث در زمان دیگری تکمیل شود.

محمود الهواری، مدیر کل هیئت کبار العلماء ال‌زهر، که نماینده ال‌زهر در جلسه بحث و گفتگو بود، به الحره گفت: «این قانون هنوز تصویب نشده است و این فقط یک اصلاحیه است که توسط یکی از آنها ارائه شده است.»

الهوری در مورد حق افراد برای اظهار نظر دینی گفت: «میان اظهار نظر دینی و دینداری فرق است، زیرا دینداری مربوط به هر کسی است که بپرسد، بشناسد و فتوا و نظر دینی بخواهد، اما دین، رجال و علمای خود را دارد که احکام، اصول، مبانی و آن را می‌دانند و قانون‌گذاری برای سخنرانی و اظهار نظر دینی نمی‌تواند مانعی برای عقیده و بیان باشد، بلکه هدف آن حفظ هویت یک ملت و یک وطن از طریق آنچه در وجدان مردم نهاده شده، است.»

به طور کلی، الهوری معتقد است که «آزادی بدون ضابطه، موجب فساد است و بنابراین آزادی باید دارای ضابطه‌هایی قانونی باشد.»

نجاد البرعی، وکیل حقوق بشر، به الحره گفت: «اصلاحات قانونی در مورد اظهار نظر در مورد دین، نشان‌دهنده تعطیلی جدید اجتهاد و اعمال عقل است و محدود کردن اظهار نظر دینی به الازهر، مشابه اتفاقی است که در قرن چهارم هجری اتفاق افتاد و باب اجتهاد در فقه در آن زمان بسته شد.»

طارق رضوان، نماینده پارلمان و رئیس کمیته حقوق بشر در پارلمان مصر، که پیشنهاد اصلاحات جدید را ارائه کرده است، به رسانه‌ها در مصر گفت که پیشنهاد وی برای اصلاح قانون خطابه عمومی و سخنرانی در مورد دین در رسانه‌ها، محدود به دین اسلام نیست بلکه شامل همه ادیان می‌شود.^۱

تشریعات-فی-مصر-لمنع-الحدیث-فی- /۲۵/۰۲/۲۰۲۲ https://www.alhurra.com/egypt/

الشؤون-الدینیة-دون-ترخیص-قمع-للحریات-أم-لضبط-الفوضی

سرکوب شاهزادگان و اخراج وهابیون؛ تشدید خلا مشروعیّت بن سلمان

به قلم: سید هاشم رضوی



تعدیل نقش اسلام در جامعه عربستان از سوی حکومت سعودی پدیده جدیدی نیست و ریشه آن را باید در دهه ۹۰ میلادی جست. اما با به دست گرفتن عملی قدرت توسط بن سلمان این رویداد سرعت و گستردگی بیشتری به خود گرفت. بازداشت صدها مبلغ و روحانی، استحاله هیئت امر به معروف، کانالیزه کردن امام مساجد و برخورد با آنان، تعطیلی مراکز خیریه‌ای که توسط جریان‌های اسلام‌گرا اداره می‌شد و محصور کردن آن به خیریه دولتی ملک سلمان و ده‌ها اتفاق دیگر در این سال‌ها همه در راستای کاهش نفوذ همزمان اسلام سیاسی و اصولگرا در جامعه و محدود کردن آن به ساحت فردی بود.

افزون بر این رویدادها که در طول ۴ سال اخیر می‌توان مثال‌های متعدد دیگری برای آن برشمرد، در ۲۷ ژانویه شاهد صدور دستوری از ملک سلمان مبنی بر ایجاد روزی به نام «روز تأسیس» دولت سعودی در ۲۲ فوریه و تعطیلی

رسمی آن به منظور برگزاری جشن‌های این روز بودیم.^۱ این بدان معنا است که تشکیل امارات درعیه ۱۸ سال قبل از ورود بن عبدالوهاب به این روستا یعنی در سال ۱۷۲۷ صورت گرفته است.

به دنبال این دستور، تاریخ‌نگاری جدیدی در عربستان به راه افتاده و بخش‌هایی از گزارش رسمی سعودی پیرامون تاریخ این حکومت تغییر و نام محمد بن عبدالوهاب حذف و تأسیس حکومت تنها به محمد بن سعود انتساب داده شد. اتفاقی که ناظران از آن به عنوان مرگ وهابیت در عربستان و اخراج آنها از تاریخ جدید سعودی تعبیر کردند. این در حالی است که تا پیش از این، جمله روایت‌ها و حتی روایت رسمی سعودی، تاریخ تأسیس حکومت اول سعودی را روز دیدار محمد بن سعود با محمد بن عبدالوهاب در سال ۱۷۴۴ و توافق آنان جهت حمایت از یکدیگر به منظور گسترش قلمرو درعیه می‌خواندند که داده‌های تاریخی نیز این موضوع را تأیید می‌کند و این روایت توسط بسیاری از اعضای خانواده سلطنتی از جمله ملک فهد و خود ملک سلمان تکرار شده است.^۲ بر اساس گزارش‌های تاریخی تا پیش از توافق این دو، محمد بن سعود اساساً جایگاهی نداشت. او کدخدای روستایی کوچک بود و امکان بلندپروازی‌هایی اینچنینی را نداشت. این محدود به محمد بن سعود نبود زیرا دیگر امیران مناطق بزرگ و کوچک منطقه نجد، برخلاف همسایگان خود مانند حجاز و احسا و

۱ <https://www.spa.gov.sa/۲۳۲۴۶۴۶>

۲ <https://agsiw.org/the-saudi-founding-day-and-the-death-of-wahhabism>

قطیف یا جنوب شبه جزیره که مناطقی متمدن و شهرنشین و تحت حمایت امپراتوری قدرتمند عثمانی به حساب می‌آمدند، همچنان بدوی و فارغ از هرگونه نشانه‌های مدنیت و عمدتاً توسط قبائل چادرنشین احاطه می‌شد که انگیزه چندانی برای تشکیل دولت یا حکومت فراگیر در سر نمی‌پروراندند.

با ورود محمد بن عبدالوهاب و هم‌پیمانی با بن سعود، یک پروژه دینی در الدرعیه شکل گرفت و این انگیزه لازم را به بن سعود داد تا در سایه پوشش دینی فراهم شده توسط بن عبدالوهاب و صدور فتوای جهاد از سوی وی، لشکرکشی به اطراف را آغاز و به توسعه حاکمیت خود بپردازد، تا جایی که توانست شبه جزیره، بخشی از جنوب عراق، بخش‌هایی از اردن و یمن را تصرف کند و به زیر فرمان دولت اول سعودی دربیارود.

این هم‌پیمانی پس از شکست دولت اول و در زمان تشکیل دولت‌های دوم و سوم نیز میان نوادگان دو خاندان به شکل مستحکمی پابرجا بود، تا جایی که ملک عبدالعزيز بن عبدالرحمن مؤسس دولت فعلی سعودی با عنوان احیای دعوت محمد بن عبدالوهاب و با کمک آل‌الشیخ توانست حرکت نظامی خود را آغاز کند و با همین حربه اخوان‌التوحید را که نقش اساسی در تشکیل دولت کنونی سعودی داشتند، به وجود بیاورد.^۱

این حمایت مذهبی در طول تاریخ دولت سوم سعودی فارغ از فراز و نشیب در تعامل میان دو نهاد دین و حکومت همواره وجود داشته و در گلوگاه‌های

۱. آمین الریحانی، تاریخ نجد الحديث، بیروت، ۱۹۲۸م، ص ۱۰۵.

متعددی از جمله در انتقال قدرت از یک برادر به برادر دیگر همواره نقش مورد انتظار را ایفا کرده و به یاری حکومت شتافته است.^۱ اما در انتقال قدرت جدید که برخلاف گذشته قرار است انتقال به صورت عمودی و نه افقی صورت بگیرد، به نظر می‌رسد لوازم طراحی‌شده برای آن نیز متفاوت در نظر گرفته شده‌اند.

بن سلمان همزمان با رسیدن به ولایتعهدی با سرکوب دیگر شاهزادگان، قدرت سیاسی را در خانواده سلمان و بخش کوچکی از دیگر شاهزادگان همسو از خاندان سعودی متمرکز کرد. بن سلمان همچنین با طرح چشم‌انداز ۲۰۳۰ تلاش کرد عدم موفقیت عربستان در بسیاری از زمینه‌ها را به ضعف مدیریت حاکمان قبلی مرتبط کند و چشم‌انداز ارائه شده را به عنوان منجی معرفی کرد.

در چشم‌انداز بن سلمان عربستان کشوری با منابع درآمد متعدد و بی‌نیاز به ثروت نفتی که در آن زنان حقوقی همپای مردان دارند و گردشگران خارجی از شرق و غرب برای دیدن دستاوردهای شگفت‌وی به این کشور هجوم می‌آورند به تصویر کشیده شده است. تحقق چنین برنامه‌هایی با وجود علمای سلفی که رانندگی زنان را تحمل نمی‌کردند ممکن نبود.

لذا کاهش نقش نهاد دین جزو اولویت‌های بن سلمان قرار گرفت. وی با اعمال محدودیت‌های بی‌سابقه بر بخش‌های گسترده‌ای از نهاد مذهبی سعودی تلاش کرد نفوذ آن را تا حد زیادی کاهش دهد. به عنوان مثال هیئت امر به معروف که به پلیس مذهبی سعودی معروف بود پس از روی کار آمدن بن سلمان دچار

۱ نبیل خلیل خلیل، إغتيال الملك فيصل والخلافة السعودية، بیروت، دار الفرابی، ۲۰۰۷م، ص ۵۰.

چنان تغییر ماهیتی شد که وظیفه آن از مراقبت عدم اختلاط میان زن و مرد در جامعه و عدم تخلف کسبه در تعطیلی فروشگاه‌ها در وقت نماز به تبلیغ اطاعت بی‌چون و چرا از ولی امر و ولیعهد تغییر پیدا کرد و این رویه در بسیاری از موارد مشابه دنبال شد.^۱

بن سلمان در رویکرد جدید خود بسیار مصمم به نظر می‌رسد به گونه‌ای که در طراحی جدیدی که از لوگوی روز تأسیس به نمایش گذاشته، هیچ نماد دینی و نشانه‌ای از هویت اسلامی به چشم نمی‌خورد. از سوی دیگر تصویری که بن سلمان از درعیه به مناسبت روز تأسیس منتشر کرده هیچ مسجدی یا مناره‌ای وجود ندارد درحالی‌که درعیه به داشتن مساجد متعدد معروف است. افزون بر این بن سلمان با قرار دادن تاریخ میلادی در عوض تاریخ هجری مرسوم در عربستان سؤالات متعددی را در اذهان به وجود آورده، به گونه‌ای که برخی منتقدان حکومت سعودی را به این نتیجه رسانده که هدف بن سلمان از طرح چشم‌انداز ۲۰۳۰ نه اصلاحات اقتصادی، بلکه اسلام‌زدایی از تاریخ و سیاست عربستان و تلاشی برای محدود کردن و کاهش نفوذ اسلام در جامعه است.

^۱ https://arabic.cnn.com/middle-east/article/۱۶/۰۲/۲۰۲۲/saudi_campaign_malls



در مرکز دایره مردی ایستاده که پرچمی را به دوش دارد و با چهار نماد احاطه شده است. اولین نماد خرما است که نشان‌دهنده زندگی، رشد و سخاوت است. دومین نماد مجلس شورا است که به معنای وحدت و هماهنگی اجتماعی و فرهنگی است. سومین نماد، اسب عربی است که نشانه جوانمردی و دلآوری شاهزادگان و قهرمانان این سرزمین است. نماد آخر بازار است که نشان‌دهنده فعالیت اقتصادی، تعامل و تنوع است.^۱ در حالی که نمادها به تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و زندگی اشاره دارند، دین به طرز شگفت‌انگیزی بدون نماد باقی مانده است.

همزمان با مطرح شدن ایجاد روزی به نام روز تأسیس، اخباری مبنی بر ایجاد تغییراتی در پرچم و سرود ملی سعودی مطرح شد که در نهایت پس از اعتراضات گسترده کاربران رسانه‌های اجتماعی، سعودی‌ها به صدور شیوه‌نامه‌ای در رابطه با نحوه استفاده از پرچم و تعیین جرائم مالی در صورت بی‌حرمتی به آن اکتفا کردند.

چه تحلیل این منتقدان درست باشد چه آنکه این تغییرات گسترده آنگونه که خود بن سلمان می‌گوید پیش‌نیاز تحقق بخشی از چشم‌انداز ۲۰۳۰ و مقدمه

^۱ https://almrj۳.com/saudi-founding-day_logo.pdf

ارتباط و تعامل گسترده با جهان به منظور جذب منابع سرمایه خارجی و گردشگران از کشورهای مختلف غربی و شرقی باشد، سرکوب دو پشته‌سنتی قدرت سعودی، یعنی شاهزادگان و وهابیون، بن سلمان را ناگزیر خواهد کرد که به دنبال منابعی دیگر برای مشروعیت قدرت باشد.^۱

^۱ <https://mersadcass.com/products/commentary/> - سرکوب شاهزادگان - و اخراج

/ وهابیون؛ تشدید



بخش چهارم: گزارش‌ها

از چن تاقفقاز، ماجرای مواجهه جامعه مسلمانان روسیه با بحران جنگ در اوکراین

چندی پیش پایگاه «مباحثات» در گفتگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین حمیدرضا سلکی، نماینده سابق جامعه‌المصطفی در روسیه، مسأله مواجهه مسلمانان روسیه با بحران تهاجم به اوکراین را مورد واکاوی قرار داد. روسیه دارای جمعیت قابل توجهی از مسلمانان است و این گروه رویکرد ویژه خود را به مسأله تهاجم به اوکراین داشته‌اند. حجت‌الاسلام سلکی مطالعات گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روسیه داشته‌اند و با حضور در نشست‌های علمی و ارائه مقالات مختلف، دانش و تجارب ارزشمندی درباره این کشور دارند. آنچه در ادامه می‌آید گزیده‌ای از نظرات حجت‌الاسلام سلکی در این گفتگو است.

به عنوان مقدمه توضیحاتی راجع به وضعیت کشور روسیه و تعداد مسلمانان این کشور بفرمایید؟

بیش از ۱۸۵ قوم در روسیه زندگی می‌کنند که ۴۴ قومیت آن مسلمان هستند. البته صحبت از تعداد جمعیت این کشور امری سهل و ممتنع است، زیرا روس‌ها هیچ‌گاه مایل به ارائه عدد دقیقی از جمعیت خود نبوده‌اند و به همین دلیل است که هیچ‌گاه آمار عددی دقیقی از جمعیت کشور روسیه و به تبع آن

تعداد مسلمانان و دیگر اقلیت‌های دینی وجود ندارد. اما چیزی که درباره تعداد جمعیت این کشور برآورد می‌شود عددی بین ۱۴۶ تا ۱۵۰ میلیون نفر است که از این میان ۱۶ تا ۲۰ میلیون جمعیت مسلمانان این کشور را شامل می‌شود. مسلمانان در روسیه دارای بیشترین نرخ رشد هستند، در سال ۲۰۲۲ رشد جمعیت آنان معادل ۱/۱ درصد بوده است که برآورد می‌شود تا سال ۲۰۵۰ این رشد جمعیت به عدد ۱/۷ درصد برسد این در حالی است که نرخ رشد جمعیت روس‌تبارها و سایر اقلیت‌های قومی دیگر بسیار پایین‌تر از این میزان است.

اسلام چگونه به روسیه راه یافته است؟

اسلام از دو منطقه به روسیه وارد شده است، منطقه اول «قفقاز»، که اسلام در پی فتح ایران توسط خلیفه دوم، به منطقه «دربند» که در آن زمان جزئی از خاک ایران بوده است، وارد شده و لذا در این منطقه یکی از قدیمی‌ترین مساجد جهان اسلام وجود دارد. منطقه دوم شهر «بلغار» در «تاتارستان» است که ورود اسلام به آن حدوداً در سال ۹۴۲ میلادی به درخواست «خان آلموش» از خان‌های مستقل و از قدرت‌های محلی تاتارستان، اتفاق افتاده است. تفاوت ورود اسلام در این دو منطقه این است که در تاتارستان، اسلام در قالب یک حکومت وارد و پذیرفته شده است.

وضعیت تاریخی جامعه مسلمانان در روسیه با چه فراز و نشیب‌هایی مواجه بوده است؟

جمعیت مسلمانان در روسیه همواره با فراز و فرودهایی روبه‌رو بوده است، تا قبل از تشکیل یک دولت-ملت واحد، مسلمان‌ها به صورت گروه‌های کوچک در مناطق روسیه حضور داشتند، این حضور پس از ظهور «ایوان مخوف» یا «ایوان گروزی» یا «ایوان چهارم» در نیمه قرن شانزدهم با چالش جدی روبرو شد.

از سال ۱۷۸۸ میلادی به دستور «یکاترین دوم» همسر یکی از تزارهای روسیه که پس از مرگ همسرش به مقام تزاری رسیده بود، اولین مجمع دینی مسلمانان به نام «مجمع دینی مگامتا» یعنی «محمدی‌ها» در منطقه «اوبا» از جمهوری «باشقیرستان» تأسیس می‌شود. تزارها از همان ابتدا تلاش در ایجاد ساختاری شبیه به ساختار «کلیسای ارتودوکس» برای اسلام داشتند که بتوانند با یک ساختار واحد، با عموم مسلمانان روبرو بشوند. تا پیش از «انقلاب کمونیستی» این ساختار مسلمانان، حدود پنج مفتی به خود دیده است. این ساختار در شرق روسیه شکل گرفته است و نه در منطقه قفقاز، چرا که تا آن زمان روس‌ها وارد منطقه قفقاز نشده و این منطقه را تصرف نکرده بودند.

از لحاظ ساختاری و اداری، پس از ظهور کمونیسم از سال ۱۹۲۲ میلادی، «استالین» سخت‌گیری بر ضد مذاهب را آغاز می‌کند و این موضع را ادامه می‌دهد تا این که سران «اتحاد جماهیر شوروی» به‌ناچار در سال ۱۹۴۳ و در میانه «جنگ جهانی دوم» به منظور پر کردن خلأ نیروی انسانی در جنگ، آزادی‌هایی به مسلمانان و سایر ادیان اعطا و آنان را ترغیب به حضور در جبهه نبرد می‌کنند.

پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۸ میلادی اولین کنگره رسمی مسلمانان با چراغ سبز و موافقت حکومت شوروی تشکیل می‌شود.

مسلمانان در کدام مناطق روسیه حضور دارند، از چه مذاهبی هستند و از نظر آداب و رسوم چه وضعیتی دارند؟

مناطق بومی مسلمانان در روسیه عبارت است از منطقه شمال قفقاز که جمهوری‌هایی مانند: «آدیغیه»، «قره‌چای چرکسیا»، «کاباردینو-بالکاریا»، «اوستیای شمالی»، «اینگوشتیا»، «چچن»، «داغستان» و سرزمین «استاوروپل» را شامل می‌شود. در برخی از این جمهوری‌ها جمعیت مسلمانان دارای اکثریت است ولی در بعضی دیگر به علت مهاجرت‌های اجباری و تغییر ترکیب جمعیتی، مسلمانان در اقلیت هستند. با این حال تمام این جمهوری‌ها مسلمانان بومی خود را داشته‌اند. مناطق یاد شده از لحاظ جغرافیایی بیشتر کوهستانی هستند و فرهنگ، آداب و رسوم ساکنین آنها با مسلمانان منطقه شرق یعنی تاتارستان، باشقیرستان و ناحیه ولگا، متفاوت است.

در منطقه قفقاز با مذاهب حنفی، شافعی و شیعه روبرو هستیم، شیعیان عده کمی هستند که در شهر دربند حضور دارند و شامل «آذری‌ها»، «لزگین‌ها» و «ایرانی‌ها» هستند. گروهی که ایرانی نامیده می‌شوند، آذری‌های ایرانی بوده‌اند که قبل از انضمام این منطقه به روسیه تزاری در این مکان سکونت داشته‌اند.

در منطقه شرق و ناحیه ولگا ما با تاتارها و باشقیرهای حنفی مذهب مواجه هستیم که میزان تدینشان در شرایط فعلی و پس از فروپاشی شوروی با مسلمانان

ساکن قفقاز قابل مقایسه نیست. مسلمانان قفقاز، توجه بیشتری در حفظ آداب و رسوم دینی دارند.

با این وصف اکثریت مسلمانان روسیه را اهل سنت تشکیل می‌دهند، این جمعیت بیشتر متأثر از فضای مصر هستند یا عربستان؟

مسلمانان روسیه بیشتر تحت تأثیر فضا و تبلیغات سعودی و سپس ترکیه هستند.

از لحاظ تاریخی تعامل حکومت‌های روسیه و شوروی با مسلمانان چگونه بوده است؟

روس‌ها از زمان تشکیل نخستین دولت‌هایشان تا به امروز، مواجهه خشنی را با مسلمانان در تاریخ ثبت کرده‌اند. از زمان ایوان مخوف یا ایوان گروزی، جامعه مسلمانان روسیه قدیم با سخت‌ترین برخوردها شامل قتل و کشتار، تبعید و تغییر دین و مسیحی‌سازی روبرو بوده‌اند. امروزه چه در تاتارستان و چه در دیگر نواحی، تاتارهایی وجود دارند که مسیحی شده‌اند درحالی‌که عقبه آنها حکایت از مسلمان بودنشان دارد.

مسئله دیگر، تصرفات سرزمینی است که روس‌ها پس از ایوان مخوف به دنبال آن بودند که درگیری‌هایی در مناطق مختلف مانند قفقاز و «کریمه» با کشورهای مثل ایران و عثمانی را شامل می‌شده است و منجر به تصرف مناطق قومی مانند چیچنستان، داغستان و برخی مناطق دیگر شد.

از سال ۱۸۰۰ تا ۱۸۶۴ میلادی، داغستان، شرق گرجستان و برخی خان‌نشین‌های قفقاز را از ایران جدا کردند که حاصل درگیری‌های بسیاری بین روسیه و مسلمانان بوده است. پس از این جریانات بود که «امام شامیل» در داغستان قیام کرد.

کمونیست‌ها پس از دو جنگ جهانی درگیری‌هایی با تاتارهای کریمه و چچن‌ها داشتند که در خلال همین درگیری‌ها، بیش از یک میلیون چچنی را سوار بر قطارهای حامل حیوانات کردند و به سمت دشت‌های سیبری، ازبکستان و قرقیزستان کوچ اجباری دادند.

جنگ چچن پس از فروپاشی شوروی با کشته شدن ۵۰ هزار نفر یا بیشتر، آخرین نمونه برخورد روس‌ها و مسلمانان بود، در این جنگ شهر «گروزی»، پایتخت چچن، با خاک یکسان شد به شکلی که اگر اکنون نیز کسی آن را ببیند متوجه خواهد شد که این شهر یک‌بار کوبیده شده و از نو بنا گردیده است.

آیا مسلمانان در زمان حاضر از نظر نظامی نقشی در ارتش روسیه دارند؟

از نظر تاریخی، روس‌ها در هر دو جنگ جهانی سعی بر تأمین بخشی از ارتش خود از میان نیروهای مسلمان داشتند. در شرایط فعلی سازماندهی ارتش روسیه شامل سربازی اجباری می‌شود که نیروهای آن از قومیت‌های مختلف تأمین می‌شوند، در میان کادر رسمی ارتش روسیه نیز افرادی از میان مسلمانان

حضور دارند، ولی آنچه در حال حاضر می‌توان دید این است که تنها از جمهوری خودمختار چین نیروهای مختلفی برای جنگ آماده شده است.

همکاری این نیروهای چینی با حکومت روسیه چگونه است و آیا در تهاجم اخیر به اوکراین نقشی برای آنها تعریف شده است؟

«رمضان قدیروف» فرزند «احمد قدیروف» رئیس‌جمهور جمهوری خودمختار چین است که پدرش یکی از استقلال‌طلبان این منطقه بود ولی با روس‌ها صلح کرد و در ادامه رئیس‌جمهور شد. در پی ترور احمد قدیروف در جریان انفجاری در خلال برنامه‌ای در یک ورزشگاه، پسرش جایگزین وی گردید. رمضان قدیروف همواره سعی در ایجاد یک رابطه مراد و مریدی بین خود و ولادیمیر پوتین داشته و در همین راستا از جانب روسیه امتیازات ویژه‌ای به او اعطا شده است. از جمله این امتیازات، اختیار تربیت نیروهای کماندو ویژه در چین و بهره‌برداری از آنان در راستای تأمین امنیت روسیه و چین است. همچنان که در سوریه بخشی از نیروهای رمضان قدیروف حضور داشتند، در تهاجم به اوکراین نیز یک گروه ۱۰ هزار نفری، تجهیز و وارد اوکراین شدند که چند روز پیش نیز یکی از ژنرال‌های این نیروی ویژه کشته شد. در مقابل و در اوکراین نیز، چین‌هایی که در این کشور به هر عنوانی ساکن بوده‌اند دو گردان نیرو تشکیل داده و با نیروهای رمضان قدیروف درگیر شده‌اند و در واقع یک برخورد چینی-چینی در جنگ روسیه و اوکراین اتفاق افتاده است.

آیا دیگر مسلمانان روسیه در جریان تهاجم به اوکراین با حکومت مرکزی همراه بوده‌اند؟

چه جنگ با اوکراین واقع می‌شد و چه نمی‌شد، فضا و افکار عمومی مسلمانان به ویژه در منطقه قفقاز، به نفع روس‌ها نیست. مسلمانان قفقاز با داشتن روحیه جنگندگی، از دیرباز با روس‌ها مشکل داشتند تا جایی که در جنگ چچن، اینگوش‌ها و داغستانی‌ها به چچنی‌ها کمک می‌کردند. البته این روحیه حاصل ساختار جغرافیای کوهستانی این منطقه است که منجر می‌شود آنان تمایل کمتری نسبت به حکومت روسیه داشته باشند هر چند، مسئله در منطقه تاتارستان و باشقیرستان بر خلاف این است.

آیا روسیه برنامه خاصی برای مواجهه با این روحیه ستیزه‌گری مسلمانان علیه خود اجرایی نکرده است؟

روس‌ها در کلیه مناطق مسلمان‌نشین، سیاست تقویت جنبه‌های قومی را در رابطه با مسلمانان دنبال می‌کنند، به همین جهت در شرق روسیه رابطه خوبی بین باشقیرها و تاتارها که هر دو از اقوام ترک هستند، وجود ندارد و تاتارها به گونه‌ای خود را برتر از باشقیرها می‌دانند؛ حتی در مسکو و در ساختارهای اداره دینی مسلمانان، تاتارها سعی می‌کنند که یک نوع تفوقی بر سایر اقوام داشته باشند. در طرف دیگر نیز دیگر قومیت‌ها به نوعی با تاتارها مقابله کرده‌اند و به همین دلیل است که ادارات دینی موجود در منطقه قفقاز زیر بال اداره مرکزی که فعلاً در مسکو یا در تاتارستان وجود دارد، نرفته و نمی‌روند.

**به جز مشارکت در بحث جنگ از سوی نظامیان مسلمان، اساساً نگاه
فعلی مسلمانان غیر نظامی به تهاجم نظامی به اوکراین چیست و آیا
اموری مانند ملیت یا تأثیرپذیری از حاکمیت، موجب حمایت آنان از
نظام روسیه بوده است؟**

مسلمانان در شرایط فعلی ظهور و بروز آشکاری از خود نشان نمی‌دهند. در بین برخی از ساختارها مثل اداره دینی قفقاز، حمایت‌هایی از آقای ولادیمیر پوتین وجود دارد ولی قابل تعمیم نیست. عده‌ای که بهره‌ای از تدین دارند، نگاه موافقی با سیاست‌های دولت روسیه ندارند. البته این برداشت مربوط به قبل از درگیری اوکراین است و به شکل طبیعی، قابل تعمیم به حال حاضر به نظر می‌رسد.^۱



بخش پنجم: منشورات

مستند "سیستانی" منتشر شد



سید عمار نقشوانی (نخجوانی) متولد نجف و بزرگ شده در آمریکا و انگلیس است و در سال ۲۰۱۴ میلادی به عنوان یکی از ۵۰۰ مسلمان تأثیرگذار در دنیا مطرح و انتخاب شد. وی که با سخنرانی‌ها و فعالیت‌های رسانه‌ای‌اش به زبان انگلیسی شناخته می‌شود، شنبه ۱۹ فوریه مطابق با ۳۰ بهمن مستندی با عنوان «سیستانی» در کانال یوتیوب‌اش^۱ منتشر کرده که طی دو روز ۵۰ هزار بار دیده شده است. نقشوانی در این مستند یک ساعته که برای مخاطب انگلیسی‌زبان تولید شده، مراحل زندگی آیت‌الله سیستانی را تشریح می‌کند.

در این مستند با کسی که در جریان بازداشت آیت‌الله در زمان صدام با وی همراه بوده، مصاحبه اختصاصی انجام شده و مصاحبه‌شونده (سیدعلی خلخالی) از احوالات آیت‌الله در مدت بازداشت می‌گوید و اینکه بعضی‌ها شرط آزادی را

^۱ https://www.youtube.com/watch?v=EW_UakEdk1g

مصاحبه تلویزیونی و اعلام دخالت ایران در انتفاضه شعبانیه عنوان می‌کنند. آقای سیستمی هم در مقابل می‌گوید که به دو شرط حاضر به همراهی می‌شود. یکی از شروط این است که اسم ایران را نیاورد، چون بستگانش در ایران هستند و نمی‌خواهد برای آنها دردسر ایجاد کند. بالاخره مصاحبه انجام نمی‌شود.

نقشوانی در این مستند به مخاطبان انگلیسی‌زبانش به صراحت القا می‌کند که اصلاح «فتوا» و «آیت‌الله» دو بار در رسانه‌ها مطرح شد، یک‌بار در ماجرای «سلمان رشدی» و دیگر بار در سال ۲۰۱۴ و پس از اقدامات داعش در عراق و فتوای جهاد آیت‌الله سیستمی.

در بخش دیگر این مستند صدای سیدجواد شهرستانی شنیده می‌شود و مستندساز که به‌تازگی به ایران سفر کرده بوده، در دیدار با داماد آیت‌الله در جریان حواشی دیدار پاپ با مرجعیت قرار می‌گیرد.

شهرستانی به مستندساز می‌گوید که پاپ شرط کرده بود که برای دیدار با آیت‌الله باید صندلی مخصوصش را بیاورد ولی آقای سیستمی نمی‌پذیرد و اینکه بعد از این دیدار، مسیحیان دیگری از جمله ماکرون (رئیس‌جمهور) فرانسه نیز درخواست دیدار با مرجعیت را داشته‌اند که به علت شرایط کرونایی و... پذیرفته نشده است.

در بخش پایانی این مستند نیز با یکی از اعضای کلیسای کاتولیک مصاحبه می‌شود که هرچند سخنان وی کاملاً مطابق با تفسیر اطرافیان آیت‌الله از دیدار وی با پاپ نیست ولی نکات قابل توجهی در سخنان این کشیش وجود دارد. از جمله اینکه گویا کلیسای کاتولیک هنوز از حوزویان نجف که اجازه ندادند

پاپ وارد حرم شود، دلخور بوده و این برخورد را فراموش نکرده است. برخوردی که در نجف خبرساز شد ولی خبر آن به ایران نرسید.^۱

رواق اکراد در جامع الازهر مصر

به قلم: شهباز محسنی



اخیراً کتاب «الاکراد فی مصر عِبَرُ الْعُصُورِ» را خواندم که به قلم خانم دریّه عونى، روزنامه‌نگار مصری در پاریس، با همکاری آقایان محمود محمد زاید و مصطفی محمد عوض، استادان تاریخ دانشگاه الازهر تألیف شده است. کتاب در ۲۰۱۱ میلادی در قاهره و در ۱۸۸ صفحه منتشر شده است.

۱ <https://t.me/hozebisansor/۲۵۷>

کتاب الاکراد فی مصر، در هفت فصل تنظیم شده است؛ روابط مصر با کردها در زمان فراعنه، کردهای مصر پیش از تأسیس دولت ایوبی، کردهای مصر در عصر ایوبیان، کردهای مصر در عصر ممالیک، کردهای مصر در دوران امپراتوری عثمانی تا زمان محمدعلی پاشا خدیو مصر، مشاهیر کُرد در دوران جدید و تحقیقات و دیدارهای میدانی مؤلفین با خانواده‌های کُرد در مصر.

تألیف این کتاب، تلاش قابل تقدیری است در معرفی حضور تاریخی کردها در مصر. کردهای زیادی از دیرباز، به مصر مهاجرت کرده و ارتباطشان را با موطن نخستشان قطع کرده‌اند و اکنون تنها اسم و عنوانی کردی بر نام خانوادگی‌شان باقی مانده. از فرزندان و نوادگان این مهاجران به مصر، فرماندهان نظامی، مدیران و مسؤولان، ادبا و شعرا و فقها و هنرمندان زیادی برخاسته‌اند که منشأ خدمات بزرگی به وطنشان مصر بوده‌اند اما کرد بودنشان را هم فراموش نکرده‌اند.

بزرگان زیادی از رهبران نهضت‌های اصلاح و فکر و ادب و هنر در مصر، اصالت کردی داشته‌اند؛ امثال محمد عبده، قاسم امین، عباس محمود عقاد، امیر الشعراء احمد شوقی، نجیب الريحانی، عایشه تیمور، محمد تیمور، شیخ عبدالباسط عبدالصمد، قاری معروف قرآن کریم، و هنرمندانی چون ادهم و محمد سیف وائلی، و سعاد حسنی، و نجاه الصغیره، و رشدی أباطه، علی بدرخان، منی واصف و اکنون کردهای زیادی در همه شهرهای مصر از اسکندریه در شمال، گرفته تا اسوان در جنوب مصر ساکن‌اند.

صفحاتی از کتاب، اختصاص به معرفی «رواق الأکراد در جامع الازهر» دارد. رواق عبارت است از جا و مکانی از مسجد که به مطالعه تخصیص می‌یابد یا به تعبیر دیگر ایوانی است سقف‌دار که بر روی ستون‌هایی بنا شده است. هر استادی به دور یکی از ستون‌ها حلقه‌ای درس تشکیل می‌داد و طلاب و شاگردان پیرامون وی و به دور آن ستون حلقه می‌بستند و از محضر استاد بهره می‌بردند. رواق، حجره‌ها و اتاق‌هایی را نیز برای سکونت طلاب شامل می‌شد، که کمدهایی برای نگهداری وسایل و کتاب‌های طلاب و همچنین کتابخانه و سالن داشت.

برای هر گروه از طلاب با توجه کشور و دیارشان، رواقی ویژه، تعریف و برپا شده بود که در طول چند سال تحصیلشان در آن اقامت می‌یافتند. شهریه و دیگر امکانات رفاهی در اختیارشان قرار می‌گرفت و به مناسبت‌های مختلف دینی نیز به این طلاب، هدایا و وجوهی پرداخت می‌شد؛ مثلاً به هنگام بر سر کار آمدن امرا و شاهان و برپایی مراسم‌های مربوط، اعیاد فطر و قربان و میلاد نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

تأسیس این رواق‌ها، برای کاستن بار مالی از دوش طلاب و خانواده‌هایشان بود که از سرزمین‌های دور می‌آمدند. همچنین برای کاستن بار سنگین روحی احساس غربت در مصر، در سال‌های دور از خانواده و عزیزان و وطنشان. تعداد رواق‌های الازهر به بیست و نه رواق می‌رسید. بعضی از این رواق‌ها به طلاب مصری تخصیص یافته بودند که از شهرهای غیر قاهره آمده بودند و در قاهره مسکن و مأوایی نداشتند.

چه‌بسا از دلایل جاذبه‌های جامع‌ال‌ازهر در جذب علما و طلاب کشورهای اسلامی، تخصیص بدون تبعیض همین رواق‌ها و امکانات بود که در ایجاد انگیزه و نشاط و شور و شوق علمی در میان طالبان علم، مؤثر بود.

البته اداره آن همه رواق و ازدحام آن همه طلاب در آنجا که از شهرها و کشورهای مختلف بودند، نیاز به برنامه ریزی و نظارت و نظم و انضباط فراوان داشت. لذا هر رواقی مدیران و مسؤولان و ناظرانی داشت که رفت و آمدِ طلاب و مسافرت‌هایشان و رفتار و سلوک علمی و حضور و غیابشان را نظارت و ثبت می‌کردند و امکاناتی که لازم بود در میانشان توسط مدیریت رواق، توزیع می‌شد. در رواق‌اکراد یا کردها، طلبه‌های مناطق کُردی اقامت داشتند. رواق‌اکراد در قسمت راست داخل باب المَزینین در کنار رواقِ یمنیه واقع بود. گفتنی است که باب المَزینین، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین باب از باب‌های هشتگانه جامع‌ازهر در قاهره مصر است و مدخل اصلی‌ازهر شریف است.

رواق‌الاکراد به خاطر کثرت طلاب باهوش و تلاشگر و جویای علم، از مهم‌ترین رواق‌های‌ال‌ازهر بود. طلاب کُرد در آنجا فقه و اصول مذهب شافعی می‌خواندند. همچنانکه پیشتر ذکر شد رواق، در مسائل مالی استقلال داشت. منبع دخل و درآمد هم خَیرین، علما، صاحبان جاه و منصب و سلطان بودند. طلبه مصری و کُرد و غیر کرد در گرفتن شهریه مساوی بودند و تبعیضی در کار نبود. رواق‌الاکراد اوقافی هم مانند زمین‌های زراعی، خانه‌ها و مغازه‌ها داشت. یکی از شخصیت‌های بارزی که اراضی کشاورزی و دکان‌هایی تجاری وقف رواق‌اکراد کرده بود زینب خاتون از خانواده مشهور ایوبیان بود؛ که همه ثروتش را وقف

ترویج علم و دین و تأسیس مدارس کرده بود و در واقع بنای رواق الاکراد در ازهر شریف و تقویت و توسعه و تأمین هزینه‌های هنگفت آن، از محل موقوفات این امیره خانم گرد بود.

از سوی طلاب رواق، فردی به عنوان مسؤول رواق تعیین می‌شد که به مثابه رئیس اداری رواق بود و باید پاسخگوی شیخ الازهر می‌بود و به وی گزارش کار می‌داد. مسؤولیت‌های متعددی مانند دادن حقوق به طلاب و دفاع از حقوقشان و اشراف بر اراضی کشاورزی و دکان‌ها و خانه‌های موقوفی داشت. رواق الاکراد هم دارای کارمندان متعددی بود که شیخ رواق را کمک می‌کردند؛ از جمله آنان وکیل رواق (که در غیاب شیخ رواق، کارهای او را انجام می‌داد)، نقیب رواق (کارهای ثبت و نوشتن در دفاتر و جذب و خروج طلاب را انجام می‌داد)، مبلغ رواق، که برای نماز فراخوان می‌داد. امام مسجد، که برای طلاب امامت نماز می‌کرد. مباشر رواق، که در واقع کارش حراست از رواق بود. جابی رواق (گردآورنده)، کسی بود که متوّل جمع‌آوری درآمدهای موقوفات بود. کسانی هم بودند که برای رواق آب و آذوقه می‌آوردند.

برنامه‌های آموزشی در رواق اکراد تا اواسط قرن بیستم ادامه یافت تا اینکه قانون تحول و توسعه آموزشی الازهر در زمان جمال عبدالناصر به سال ۱۹۵۴ میلادی، به منظور پیروی از روش‌های آموزشی جدید به تصویب رسید. هدف از تصویب آن، توسعه برنامه‌های آموزشی الازهر و جذب بیشتر دانشجویان و طلاب مصری و غیر مصری بود. دانشکده‌های بیشتری در رشته‌های جدید علمی در علوم زبانی و حقوقی و علوم انسانی تأسیس شد. همچنین شهرک‌های دانشجویی جدیدی

احداث شد. یکی از این شهرک‌های دانشجویی برای دانشجویان مصری بود و دیگری برای دانشجویان خارجی که نامش را «مدینه البعوث الإسلامیه» گذاشتند. لذا طلاب را از رواق‌های قدیمی الازهر به این شهرک‌های جدید منتقل کردند و بر اساس تخصص و روش‌های جدید علمی، آنان را به دانشکده‌های جدید انتقال دادند و سازماندهی کردند. از رواق‌های قدیمی به عنوان بخش‌هایی برای اداره خدمات مسجد و نمازخانه زنان استفاده شد.^۱

کتاب، فرقه ترامپ، منتشر شد



ترجمه کتاب جدید «استیون حسن» متخصص و پژوهشگر شناخته شده حوزه فرقه‌ها و کنترل ذهن وارد بازار نشر شد. این کتاب با عنوان «فرقه ترامپ» به خوبی نشان می‌دهد که چگونه مدیریت فرقه‌ما بانه ترامپ و اطرافیانش، باعث

^۱ <https://kurdpress.com/fa/news/۲۷۹۸۰>

کنترل ذهن و مغزشویی هوادارانش شده و این اتفاق چه آسیب‌های اجتماعی و سیاسی در پی داشته است.

این روانشناس آمریکایی در اثر خود، ریاست‌جمهوری و جنبه‌های مختلف عملکرد ترامپ را با فرقه‌های شناخته‌شده‌ای نظیر «جیم جونز»، «دیوید کورش»، «ران هابارد»، «سان میونگ مون» و... مقایسه کرده و در عین حال مراحل کنترل ذهن و ویژگی‌های یک رهبر فرقه را با استفاده از نظریات مختلف علمی توضیح می‌دهد.

از آنجا که استیون حسن، خود سال‌ها عضو فرقه «مونیز» بود، به خوبی با ارتباطات تشکیلاتی-فرقه‌ای آشناست و از طرفی تحصیلات آکادمیک وی به او دیدی دقیق و علمی داده، از این رو ظرافت‌های بسیاری از روابطی که سمت و سوی فرقه‌ای داشته و همچنین روش‌های تأثیرگذاری در افراد را به وسیله مجموعه‌ای از راه‌های روانشناسی اجتماعی توضیح داده و نشان می‌دهد که فرقه‌ها چطور مخاطبان‌شان را رام و وفادار خود می‌کنند.

فرقه ترامپ برای مخاطب روشن می‌سازد که چطور حتی افرادی دارای سلامت عقلی، منطقی و با شرایط مناسب نیز، بدون اینکه متوجه باشند به اعضای یک فرقه تبدیل و متقاعد می‌شوند که فجیع‌ترین و حتی وحشیانه‌ترین ایده‌ها و دستورات را از سمت مافوق فرقه‌ای خود، باور و اجرا کنند.

این کتاب ۴۱۶ صفحه‌ای در ۱۰ فصل به فارسی ترجمه و توسط انتشارات «نگاه» منتشر شده است. جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و... کتاب و تسلط

نویسنده بر مباحث، تنوع و کیفیتی ایجاد نموده که علاوه بر جذاب و خواندنی بودن، می‌تواند به منبعی برای تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مشابه تبدیل شود. نویسنده با تکیه بر تجربیات عملی و سال‌ها مطالعه در باب جریان‌های فرقه‌ای، اثری تازه خلق کرده تا کلیشه رایج از تصورات مرتبط با فرقه‌ها را شکسته و نشان دهد فرقه‌های نامرئی به زیست نامحسوس خود در جهان ادامه داده و هر روز بر دامنه و عمق نفوذ خویش، می‌افزایند.^۱

۱ <https://www.farsnews.ir/news/۱۴۰۰۱۲۰۹۰۰۰۸۴۰>

معرفی کتاب، صلح به نام خدا؛ گفتارهای اسلامی در مورد معاهدات با اسرائیل،

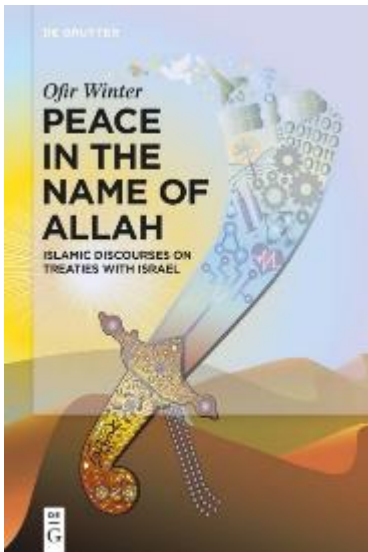
عنوان لاتین:

Peace in the Name of Allah; Islamic Discourses on Treaties with Israel

نویسنده: Ofir Winter

ناشر: De Gruyter

تاریخ انتشار: فوریه ۲۰۲۲



از پیمان دراماتیک کمپ دیوید
در سال ۱۹۷۸ تا اعلام غافلگیرکننده
پیمان ابراهیم در سال ۲۰۲۰،
برقراری صلح با اسرائیل همیشه برای
رژیم‌های عربی کار سختی بوده است.
کتاب «صلح به نام خدا» از طریق
تجزیه و تحلیل صدها فتوا، خطبه،

مقاله، کتاب، مصاحبه، اشعار، تمبر پستی و دیگر رسانه‌ها، بررسی می‌کند که
چگونه مقامات سیاسی و مذهبی مصر، اردن و امارات توجیهات اسلامی برای
صلح با اسرائیل را ارائه کرده‌اند و چگونه مخالفان با آنها مقابله کردند.

این بحث ماهیت انعطاف‌پذیر و مبهم گفتمان‌های سیاسی مبتنی بر وحی را
نشان می‌دهد. اسلام نه «طرفدار» و نه «مخالف» صلح با اسرائیل است، بلکه تنها

مردم چنین هستند، همانطور که بازیگران مختلف سیاسی مسلمان مواضع رقابتی یا حتی متناقضی دارند.

این کتاب اولین کتابی است که به طور سیستماتیک، در یک چشم‌انداز تاریخی تطبیقی، گفتمان‌های عربی-اسلامی را در ترویج صلح با اسرائیل بررسی می‌کند.

فهرست مطالب:

۱. پیشگفتار
۲. مقدمه: صلح در اسلام
۳. مصر: زمینه سازی برای صلح
۴. اردن: مشروعیت بخشیدن به یک صلح گرم
۵. امارات متحده عربی: پیشگام در توافق ابراهیم
۶. نتیجه گیری

هزاره‌ها در پاکستان

نویسنده: ماسیمو اینتروین (Massimo Introvigne)

در تیراندازی و انفجار انتحاری که ظهر جمعه ۱۳ اسفند در مسجد شیعیان «کوچه رسالدار» در نزدیکی بازار تاریخی «قصه‌خوانی» در پیشاور رخ داد، بیش از ۶۰ نفر کشته و نزدیک به ۲۰۰ تن زخمی شدند. شیعیان هزاره که در پاکستان در اقلیت قرار دارند، همواره هدف حملات اسلام‌گرایان تندروی سنی قرار گرفته‌اند. داعش مسئولیت این حمله خونین را برعهده گرفت. به گفته برخی منابع این تهاجم خونبارترین حمله در پاکستان، پس از انفجار در یک گردهمایی انتخاباتی در «مستونگ» واقع در استان بلوچستان در ژوئیه ۲۰۱۸ به شمار می‌آید. در آن انفجار ۱۴۹ نفر جان خود را از دست دادند.

بسیاری از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی سیاسی و دینی بین‌المللی این جنایت را محکوم کردند.

آنچه در ادامه می‌آید، مقاله‌ای مفصل از وضعیت هزاره‌های پاکستان است که به تازگی (فوریه ۲۰۲۲) مجله دینی و حقوق بشری *Bitter Winter* آن را منتشر کرده است. این مقاله خواندنی گزارشی دقیق و بدون پرگویی را از تاریخ معاصر حضور تلخ هزاره در پاکستان و عوامل و ریشه‌های سال‌ها جنایت خونین علیه این شیعیان ارائه می‌دهد.

۱. فرار از افغانستان

شیعیان از دهه ۱۹۸۰ توسط افراط‌گرایان سنی تندرو در پاکستان مورد آزار و اذیت و هدف قرار گرفته‌اند. اگرچه شیعیانی از قومیت‌های مختلف در پاکستان وجود دارند، اما در این بین هزاره‌ها سنگین‌ترین خراج خون را پرداخته‌اند. هزاره‌ها اصالتی مغولی-ترکی دارند و به زبان فارسی صحبت می‌کنند. آمارها به خودی خود سیاسی هستند، اما ممکن است حدود ۷۰۰۰۰۰ هزاره در پاکستان وجود داشته باشد، این رقم با احتساب پناهجویان افغانستانی که شهروند پاکستان نیستند، می‌تواند به یک میلیون برسد.

هزاره‌ها به اصالت مغولی خود افتخار می‌کنند و دوست دارند خود را از نوادگان چنگیزخان (حدود ۱۱۶۰-۱۲۲۷) معرفی کنند. تجزیه و تحلیل دی‌ان‌ای آنها تأیید می‌کند که از سربازان مغول هستند که پس از تهاجمات قرون وسطی در افغانستان امروزی ساکن شدند و با سایر جمعیت‌های ترک و غیر ترک ازدواج کردند. اگرچه هزاره‌ها در مناطقی از پاکستان امروزی و در نزدیکی مرز افغانستان حتی قبل از آن وجود داشتند، هزاره‌های پاکستان عمده‌تاً از چهار مهاجرت نسبتاً اخیر از افغانستان ناشی می‌شوند که از قرن نوزدهم آغاز شد.

اولین مورد در دهه‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰ رخ داد که یک مهاجرت اقتصادی بود، زیرا هزاره‌های افغان توسط شرکت‌های انگلیسی برای کار در ساخت راه آهن و معادن زغال سنگ استخدام شدند. از آنجایی که هزاره‌ها جنگجویان خوبی بودند، در ارتش هند بریتانیا نیز استخدام شدند که برخی از آنان زمانی که

خدمت آنها در آنجا پایان یافت به دلایل اقتصادی در پاکستان امروزی ساکن شدند.

مهاجرت دوم مربوط به پناهندگانی بود که از آزار و شکنجه‌های خونین امیر افغانستان عبدالرحمن خان (۱۸۴۴-۱۹۰۱) فرار کردند. از عبدالرحمن خان به عنوان پدر افغانستان مدرن یاد می‌شود که با مشقت آهنگین توانست آن را متحد و اداره کند. او همچنین یک مسلمان سنی متعصب بود که تشیع را بدعتی می‌دانست که باید ریشه کن شود. در نهایت فشارها علیه جمعیت هزاره منجر به سه قیام علیه وی در سال‌های ۱۸۸۸-۱۸۹۰، ۱۸۹۲ و ۱۸۹۳ شد.

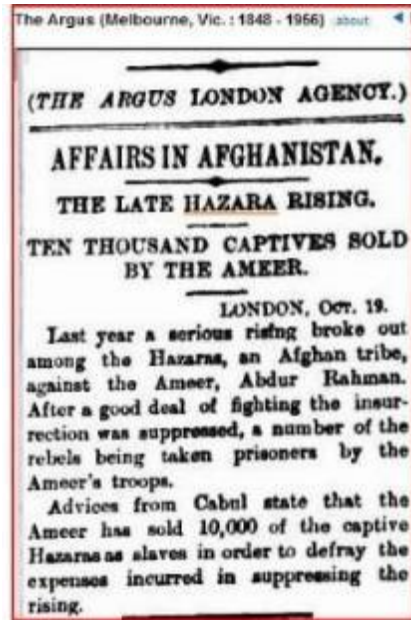


زندانیان هزاره در دهه ۱۸۸۰

اگرچه قبل از دهه ۱۹۷۰ سرشماری قابل اعتمادی از جمعیت افغانستان وجود نداشت، اما مورخان بر این باورند که تقریباً نیمی از هزاره‌های ساکن در افغانستان کشته شدند. تخمین‌ها از کشته شدن بین ۳۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ نفر از

هزاره‌ها حکایت دارد. مانند همه نسل‌کشی‌ها، انگیزه‌های متفاوتی برای سیاست‌های امیر وجود داشت، از جمله تصرف اموال هزاره‌های مرفه و ترس از جانبداری آنها از نزدیکان او که در تلاش برای سرنگونی او بودند. همچنین یک درگیری قومی قدیمی بین هزاره‌ها و پشتون‌ها، گروه قومی-زبانی غالب در افغانستان، که عمدتاً سنی هستند (اگرچه در برخی از قبایل شیعه پشتون نیز وجود دارد) وجود داشت.

بریتانیا نقش دوگانه‌ای در قیام هزاره‌ها در قرن نوزدهم داشت. از یک سو مستشاران نظامی انگلیسی و عده‌ای از نیروهای آنان به عبدالرحمن خان کمک کردند. از سوی دیگر، انگلیسی‌ها از اسکان مجدد پناهندگان هزاره در هند بریتانیایی حمایت کردند. از میان کسانی که در افغانستان ماندند و از نسل‌کشی جان سالم به در بردند، ده‌ها هزار نفر، به ویژه زنان، به عنوان برده فروخته شدند. در سنت‌های هزاره داستان «چهل دختر» وجود دارد که جریان ۴۰ دختر هزاره است که به جای اسیر شدن توسط سربازان عبدالرحمن خان و فروخته شدن به عنوان برده و احتمالاً از دست دادن باکرگی خود، خودکشی کردند.



رسانه‌های بین‌المللی در مورد تجارت برده هزاره در افغانستان

جامعه هزاره‌ها در پاکستان با موج سوم پناهندگان رشد کرد که از آزار و اذیت کمونیست‌ها و شوروی در افغانستان در طول سال‌هایی که حزب مارکسیست دموکراتیک خلق افغانستان (PDPA) در قدرت بود، از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۲، فرار کرده بودند.

پیش از این در سال ۱۹۷۹، پس از دستگیری روشنفکران هزاره به عنوان بخشی از سرکوب نخبگان مسلمان توسط دولت، هزاره‌ها در ۲۳ ژوئن در کابل تظاهرات کردند و حدود ۲۰۰۰ نفر پس از دستگیری کشته یا اعدام شدند. در

همان زمان، برخی از هزاره‌ها معتقد بودند که کمونیست‌ها آنها را از آزار و اذیت سنی‌ها محافظت می‌کنند و به حزب دموکراتیک خلق پیوستند.

موج چهارم مهاجرت هزاره‌ها به پاکستان در زمان جنگ داخلی و دوران طالبان اتفاق افتاد که تا امروز ادامه دارد. طالبان بخشی از یک جنبش تندرو سنی هستند که شیعیان را بدعت‌گذار می‌دانند و بارها قتل عام هزاره‌ها را انجام داده‌اند. منابع هزاره ادعا می‌کنند که بیش از ۱۵۰۰۰ نفر از آنان از زمان سقوط رژیم مورد حمایت شوروی کشته شده‌اند.

عملیات موسوم به «افشار» در فوریه ۱۹۹۳ توسط فرمانده نظامی ضد طالبان، احمدشاه مسعود (۱۹۵۳-۲۰۰۱) و با هدف از بین بردن شبه‌نظامیان شیعه، از جمله حزب عمدتاً هزاره وحدت، که بخشی از کابل را کنترل می‌کردند، رهبری شد.



لوگوی حزب وحدت

آنها همراه با مسعود علیه شوروی جنگیده بودند اما اکنون دولت ائتلافی را تهدید می‌کردند. نیروهای مسعود وارد ولسوالی افشار کابل شدند و درگیری به

کشتار مردم شیعه اعم از هزاره و غیر هزاره تبدیل شد. به اعتقاد خود او، مسعود سعی کرد جلوی جنون ترور و تجاوز جنسی علیه شیعیان را بگیرد، اما پیش از آنکه موفق شود صدها زن کشته و به صدها زن تجاوز شد.

در ماه اوت ۱۹۹۸، در پی انتقام از اعدام حدود ۳۰۰۰ زندانی طالبان در مزار شریف (که البته به دستور یک فرمانده سنی پشتون صورت گرفته بود)، طالبان وارد شهر شدند و بیشتر هزاره‌ها را که آنها را «غیر مسلمان» و کافر اعلام کرده بودند، هدف قرار دادند. تعداد کشته‌شدگان هزاره‌ها از ۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ تخمین زده می‌شود.

کشتار جمعی در دهه ۲۰۱۰ با ظهور یک بازیگر جدید، داعش، که شیعیان را نیز غیرمسلمان می‌داند، به امری عادی تبدیل شد. اگرچه رسانه‌های طالبان گهگاه ادعا می‌کردند که آنها اکنون سیاست مدارا با هزاره‌ها را اجرا می‌کنند و قتل عام فقط توسط داعش انجام می‌شود، با این حال، سال ۲۰۲۱، عفو بین‌الملل و سایر سازمان‌های غیردولتی شواهدی یافتند که نشان می‌دهد طالبان نیز هزاره‌ها را به قتل می‌رساند. از سوی دیگر، داعش مسئول مرگبارترین حوادث بوده و صدها هزاره در جریان حملات انتحاری خفه، سر بریده یا کشته شدند.

جای تعجب نیست که این حوادث منجر به موج جدیدی از پناهندگان هزاره به پاکستان شد، هرچند برخی به غرب یا ایران رفتند. در پاکستان، این پناهندگان هزاره نوادگان هم‌کیشان خود را یافتند که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مهاجرت کرده بودند، اما به‌زودی متوجه شدند که در پاکستان نیز امن نیستند.

۲. ظهور افراط‌گرایی ضد شیعی



تظاهرات گسترده ضد شیعه در کراچی در سپتامبر ۲۰۲۰ با این ادعا که شیعیان در توهین به یاران حضرت محمد (ص) گناهکار هستند و باید مجازات شوند، برگزار شد.

پدر پاکستان امروزی، محمد علی جناح (۱۸۷۶-۱۹۴۸) است که تلاش کرد تا شیعیان از جمله هزاره‌ها را در جنبش سیاسی خود داشته باشد. یکی از بنیانگذاران «اتحادیه مسلمانان سراسر هند» که توسط جناح ایجاد شده بود، قاضی محمد عیسی (۱۹۱۴-۱۹۷۶) یک هزاره اهل کوئته بود.



قاضی محمد عیسی

هزاره‌ها با وعده جناح مبنی بر ایجاد یک پاکستان غیر فرقه‌ای که در آن همه مذاهب به طور مسالمت‌آمیز همزیستی کنند، به جنبش او کشیده شدند. رفته رفته خلف وعده‌ها برای هزاره‌های پاکستان آشکار شد، زمانی که تلاش آنها برای به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک «قبیله محلی» (و نه به عنوان مهاجر) در استان بلوچستان، جایی که اکثر آنها زندگی می‌کردند، بارها با شکست مواجه شد. اگرچه در سال ۱۹۶۲ آنها به عنوان «قبیله محلی کویت» شناخته شدند.

با وجود برخی موارد تبعیض، دهه‌های اول پاکستان صلح‌آمیزترین سال‌ها برای هزاره‌ها بود. یکی از آنها، ژنرال محمد موسی خان (۱۹۰۸-۱۹۹۱) به عنوان فرمانده کل ارتش پاکستان بین سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۶۶ خدمت کرد.



ژنرال محمد موسی خان

از سوی دیگر، اکثر مسلمانان پاکستان سنی‌مذهب هستند و بیشتر به یکی از سه جریان، بریلوی، دیوبندی و اهل حدیث تعلق دارند. بین ۶۰ تا ۸۰ درصد از مسلمانان پاکستان بریلوی هستند. دیوبندی بین ۱۵ تا ۲۵ درصد و اهل حدیث بین ۵ تا ۱۰ درصد هستند. در حالی که افراط‌گرایی اخیراً در میان صوفیان بریلوی نیز ظهور کرد و شیعیان را نیز هدف قرار داد، دیوبندی و اهل حدیث همواره شیعه را به عنوان بدعت‌گذار محکوم می‌کردند و سعی می‌کردند پاکستان را به عنوان یک کشور سنی معرفی کنند.

در حالی که برخی شورش‌های ضد شیعی و هزاره حتی پیش از این نیز رخ داده بود، حمله به شیعیان بیشتر محصول اواخر دهه ۱۹۷۰ و نتیجه تعامل چهار عامل مختلف است.

اولین مورد تصویب قوانینی بود که از سال ۱۹۷۴ اعضای جامعه احمدیه را غیرمسلمان معرفی می‌کرد. آنها یک واقعیت کلیدی را نادیده گرفتند که قوانین ضد احمدی آرمان سکولار جناح را رد کرد و این اصل را ایجاد کرد که شهروندان پاکستانی ممکن است به دلیل تفسیرشان از اسلام مورد تبعیض قرار گیرند. بدیهی است که این اصل در مورد شیعیان نیز قابل اجرا بود.

دوم ظهور شیعیان مبارز در ایران و انقلاب ۱۹۷۹ ایران بود. حوادث غیرمنتظره در ایران امواجی از شوک را در سراسر جهان سنی ایجاد کرد و ترس از قیام‌های مسلحانه شیعی علیه دولت‌های سنی را گسترش داد.

سومین مورد کودتای ژنرال محمد ضیاء الحق (۱۹۲۴-۱۹۸۸) بود. به عنوان رئیس جمهور پاکستان، ضیا سعی کرد با ایجاد اتحاد با جنبش‌های تندرو مسلمان سنی، به ویژه با منشأ دیوبندی، حکومت کند. ضیاء اسلامی‌سازی کشور را ترویج می‌کرد که این امر نیز به دلیل اتحاد او با عربستان سعودی بود که به اعتقاد او نیازی راهبردی برای مقابله با توسعه‌طلبی ایران بود.



ژنرال محمد ضیاء الحق

عامل چهارم، حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ بود که دو پیامد ناگوار برای شیعیان پاکستان داشت. اولین مورد این بود که طالبان و دیگر مخالفان شوروی که مسلمانانی رادیکال (و ضد شیعه) بودند اغلب از مرزها عبور می‌کردند و پایگاه‌هایی را در پاکستان ایجاد می‌کردند. دوم این بود که ناآرامی در افغانستان به هجوم جدید پناهجویان هزاره به ویژه در برخی مناطق بلوچستان منجر شد. با تحریک ستیزه‌جویان سنی تندرو، این نگرانی افزایش یافت که ممکن است شمار هزاره‌ها در نهایت بر شمار ساکنان غیر هزاره غلبه کند و مشکلات اقتصادی ایجاد کند و ادارات محلی را به دست گیرند.

این عوامل منجر به رویداد مهمی برای جوامع هزاره و شیعه در پاکستان شد، «مقررات زکات» ژنرال ضیا در سال ۱۹۸۰، که مقرر کرد همه مسلمانان در پاکستان زکات خود را در مالیات لحاظ کنند. شیعیان اعتراض داشتند که مطابق فقه آنها زکات به اموال آنها تعلق نمی‌گیرد و هم احتمال می‌دادند که زکات آنها برای حمایت از نهادهای سنی استفاده می‌شود. آنها به اعتراضات خیابانی گسترده دست زدند که سرکوب خشونت‌آمیز پلیس را در پی داشت.

دولت ایران از پاکستان خواست تا به درخواست‌های شیعیان پاسخ دهد، که به بسیاری از پاکستانی‌ها این تصور را داد که ایران در امور داخلی پاکستان مداخله می‌کند. حتی برخی بر این باور بودند که ایران «تحریک نفاذ فقه جعفریه» پاکستان را که در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد و توسط روحانیون شیعه (اما غیر هزاره)، جعفر حسین (۱۹۱۴-۱۹۸۳) و عارف حسین حسینی (۱۹۴۶-۱۹۸۸) برای مخالفت با اقدامات ضد شیعی ضیاء رهبری می‌شد، تحت کنترل دارد.



عارف حسین الحسینی

نام این سازمان به خودی خود باعث نگرانی‌هایی شد. در حالی که رهبران آن اعلام می‌کردند که فقط می‌خواهند فقه شیعه جعفری زندگی شیعیان پاکستان را تنظیم کند، مخالفان آنها گمان داشتند که جنبش می‌خواهد اصول جعفری را بر همه شهروندان پاکستانی تحمیل کند.

از جمله کسانی که این را باور نکردند، سعودی‌ها بودند. آنها به شدت نگران بودند که ایران ممکن است پاکستان را به حوزه نفوذ خود جذب کند و میلیاردها دلار برای حمایت از تبلیغات ضد شیعه، عمدتاً از طریق روحانیون دیوبندی، سرمایه‌گذاری کردند. یکی از این روحانیون، حق نواز جهنگوی (۱۹۵۲-۱۹۹۰)، یکی از اعضای حزب سیاسی دیوبندی «جمعیت علمای اسلام»، در سال ۱۹۸۵ سپاه صحابه پاکستان را به عنوان یک تشکیلات افراطی ضد شیعه تأسیس کرد که در نهایت مسئول قتل هزاران شیعه شد.

۳. حملات مرکبار لشکر جهنگوی (LeJ)



پرچم لشکر جهنگوی

در دهه ۱۹۸۰، خشونت بین مسلمانان سنی و شیعه بیشتر در منطقه «جنگ» در پنجاب متمرکز بود، جایی که درگیری قدیمی بین زمین‌داران شیعه و دهقانان سنی به آن دامن زد.

تشکیلات دفاعی شیعیان در تحریک نفاذ فقه جعفریه پاکستان (TNFJ) که در بخش قبلی مورد بحث قرار گرفت، اختلافاتی داخلی را در اواخر دهه ۱۹۸۰ تجربه کرد. یکی از دو جناح اصلی آن در سال ۱۹۸۸ نام تحریک جعفریه پاکستان (TJP) را برگزید و سپاه محمد پاکستان (SMP) به عنوان یک گروه انشعابی از TJP، در سال ۱۹۹۳ توسط مولانا مرید عباس یزدانی (۱۹۶۷-۱۹۹۶) تأسیس شد. این سازمان از تحریک نفاذ فقه جعفریه و تحریک جعفریه به دلیل

نگرش‌های غیر خشونت‌آمیز آنها انتقاد کرد و حملاتی را علیه اهداف سنی دیوبندی به راه انداخت.



مولانا مرید عباس یزدانی

یزدانی در سال ۱۹۹۶ بنا به گزارش‌ها به تحریک نفر دومش غلامرضا نقوی (متوفی ۲۰۱۶) کشته شد. نقوی در همان سال ۱۹۹۶ دستگیر شد و در دهه بعد ارتش و پلیس پاکستان موفق شدند سپاه محمد را ریشه‌کن و همه رهبران او را دستگیر کنند. نقوی پس از گذراندن ۱۸ سال در زندان، در سال ۲۰۱۴ آزاد شد و در سال ۲۰۱۶ در سفر زیارتی مشهد فوت کرد. هیچ یک از این سازمان‌های شبه‌نظامی شیعه در میان هزاره‌ها پیروان قابل توجهی نداشتند.



غلامرضا نقوی

نقوی به مرگ طبیعی درگذشت، در حالی که رهبر TNFJ عارف حسین الحسینی و رقیب سنی او، روحانی ضد شیعه سنی، حق نواز جهنگوی، هر دو به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۰ ترور شدند. نام خانوادگی جهنگوی بخشی از نام یک سازمان جدید به نام «لشکر جهنگوی» شد که توسط «ریاض بصره» (۱۹۶۷-۲۰۰۲) در سال ۱۹۹۶ تأسیس شد. هم بصره و هم جانشین او مالک اسحاق (۱۹۵۹-۲۰۱۵) در درگیری‌های مسلحانه با پلیس پاکستان کشته شدند. لشکر جهنگوی از سازمان‌های قبلی خود در مخالفت با شیعیان رادیکال‌تر بود. مانیفست آنان قابل استناد است و اهداف سازمان را به وضوح بیان می‌کند:

۱. مبارزه برای استقرار حکومت شریعت اسلامی در پاکستان و سراسر جهان و رفع همه موانع در برابر آن.

۲. اعلام تشیع به عنوان اقلیت غیر مسلمان.

۳. قتل هر کسی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همسران پاک حضرت محمد صلی الله علیه و آله و صحابه و قرآن و دین اسلام توهین کند.

۴. قتل هر روزنامه‌نگار، تاجر، وکیل، دیوان‌سالار، دکتر، مهندس یا استادی را که از موقعیت اجتماعی خود برای خدشه‌دار کردن اعتقادات مسلمانان سوء استفاده می‌کند و یا به هر نحوی به تبلیغ و نشر بر خلاف عقاید اسلامی می‌پردازد.

۵. قتل هر کسی را که با کمک مالی، نظامی، مسکونی یا هر کمک دیگری به دشمنان اسلام کمک می‌کند.

لشکر جهنگوی اینگونه تشخیص داد که شیعیان بزرگ‌ترین مانع در راه گسترش اسلام هستند که بیشترین تلاش را برای فساد و تخریب عقاید مسلمانان انجام می‌دهند. شیعیان بزرگ‌ترین دشنام‌دهندگان به پیامبر و همسران پاک پیامبر و صحابه و کتاب و دین هستند. به همین دلیل لشکر جهنگوی شیعه را هدف اول و اولیه خود قرار داده است. اما در کنار آن، لشکر جهنگوی به تناسب زمان و حساسیت شرایط، هر از چندگاهی عملیات‌هایی را علیه دیگر فرقه‌های دشمن اسلام انجام داده است. اما هدف اصلی لشکر جهنگوی شیعه بوده و خواهد بود.



مالک اسحاق

این گروه‌ها همچنین اولین سازمان سنی ضد شیعه بود که توانست در بلوچستان، جایی که هزاره‌ها را هدف قرار می‌داد، پا بگیرد. مطمئناً رهبران ملی لشکر جهنگوی عمدتاً پنجابی هستند. با این حال، ستیزه‌جویان آنها در بلوچستان به سادگی دستورات خارج از استان را اجرا نمی‌کنند. کمپین تروریستی ضد هزاره در بلوچستان عمدتاً توسط رهبران محلی اجرا می‌شود. افرادی همچون عثمان سیف الله کرد (متوفی ۲۰۱۵) و داوود بدینی، که از قضا برادرزاده خالد شیخ محمد، رهبر القاعده است که توسط ایالات متحده به عنوان «معمار اصلی» حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر متهم شده است.

کرد و بادینی نقش کلیدی در حملات ضد هزاره در بلوچستان داشتند که با سوء قصد به ترور وزیر آموزش و پرورش ولایت هزاره، سردار نثار علی هزاره در سال ۱۹۹۹ آغاز شد. اگرچه وزیر جان سالم به در برد، اما این حمله موجی از کشتار نخبگان سیاسی و فرهنگی هزاره را آغاز کرد.

در سال ۲۰۰۳، ظاهراً به درخواست مالک اسحاق، تروریسم ضد هزاره از هدف قرار دادن رهبران فردی هزاره تا کشتار جمعی بی‌رویه افزایش یافت. جهت‌گیری جدید با کشتن ۱۲ دانشجوی پلیس هزاره در ژوئن ۲۰۱۳ آغاز شد و پس از آن در ماه جولای با حمله‌ای علیه نمازگزاران که برای نماز جمعه گرد آمده بودند ادامه پیدا کرد که در پی آن ۵۳ نفر در کویته کشته شدند. در ۲ مارس ۲۰۰۴ نیز در کویته، ۴۲ هزاره در جریان راهپیمایی عاشورا کشته شدند. تعداد حملات پس از دستگیری بادینی در سال ۲۰۰۳ و کرد در سال ۲۰۰۶ کاهش

یافت. اما آنها در سال ۲۰۰۸ موفق به فرار از زندان شدند و فعالیت‌های تروریستی خود را از سر گرفتند.

۴. موج سوم حملات تروریستی ضد هزاره، ۲۰۱۰-۲۰۱۵

بلوچستان که بیشترین تعداد هزاره‌ها در پاکستان را در خود جای داده است، درگیر دو درگیری مختلف است. یکی بین هزاره‌های شیعه با مسلمانان تندرو سنی و دیگری بین جدایی‌طلبان بلوچ با دولت مرکزی پاکستان. تقریباً ۳۵ درصد از ساکنان بلوچستان بلوچ و ۳۵ درصد دیگر پشتون هستند. هر دو قومیت غالباً سنی‌مذهب هستند، اما از نظر قومی متفاوت و به زبان‌های مختلفی صحبت می‌کنند. در حالی که دشمنی بین پشتون‌ها و هزاره‌ها در افغانستان شکل گرفت، هزاره‌ها و بلوچ‌ها عمدتاً روابط دوستانه داشتند.

آیا دو درگیری هزاره-سنی و جدایی‌طلب-حکومتی در بلوچستان با هم مرتبط هستند؟ این یک سؤال مهم و بحث‌برانگیز است. دولت مدعی است که گروه بلوچی وابسته به سازمان تروریستی ضد شیعه لشکر جهنگوی که در بخش قبلی مورد بحث قرار گرفت، با جدایی‌طلبان بلوچی علیه ارتش و پلیس بر اساس این اصل که «دشمن دشمن من دوست من است، ائتلاف کرده است. در مقابل، رهبران ارشد هزاره و برخی از محققان معتقدند که دولت از لشکر جهنگوی محافظت می‌کند و از ستیزه‌جویان آنها علیه جدایی‌طلبان بلوچی استفاده می‌کند. با این حال، کسانی که بر این باورند که دولت رابطه پنهانی با لشکر جهنگوی دارد به این واقعیت اشاره می‌کنند که دو رهبر محلی لشکر جهنگوی

در بلوچستان، عثمان سیف‌الله کرد و داوود بدینی، در سال ۲۰۰۸ موفق به فرار از زندان شدند، مکانی که قرار بود یک زندان با حداکثر امنیت در کویت باشد، شاهکاری که انجام آن بدون همدستی رسمی دشوار است.



عثمان سیف‌الله کرد

به هر حال، کرد و بادینی لشکر جهنگوی بلوچستان را دوباره سازماندهی کردند و در سال ۲۰۱۱ اعلامیه‌ای منتشر کردند که در آن اعلام شد که تروریسم ضد هزاره برای سومین موج بازگشته است.

«ما پاکستان را از شر افراد ناپاک خلاص خواهیم کرد. پاکستان به معنای سرزمین پاکان است و شیعیان حق زندگی در این کشور را ندارند. ما حکم و امضای علمای بزرگوار مبنی بر کافر بودن شیعه را داریم. همانطور که مبارزان ما در افغانستان علیه هزاره‌های شیعه جهاد کرده‌اند، مأموریت ما در پاکستان نیز محو این فرقه ناپاک و پیروان آن از هر شهر و روستا و هر گوشه و کنار پاکستان است. مانند گذشته، جهاد موفقیت‌آمیز ما علیه هزاره‌ها در پاکستان و به ویژه

در کویته ادامه دارد و در آینده نیز ادامه خواهد داشت. ما پاکستان را گورستان هزاره‌های شیعه خواهیم کرد و خانه‌های آنها توسط بمب‌ها و بمب‌گذاران انتحاری ویران خواهد شد. زمانی استراحت می‌کنیم که بتوانیم پرچم اسلام واقعی را در این سرزمین پاکان به اهتزاز در آوریم. جهاد با هزاره‌های شیعه اکنون وظیفه ما شده است.»

در واقع، حملات پیش از این مانیفست آغاز شده بود. در ۳ سپتامبر ۲۰۱۰ در کویته و در راهپیمایی روز قدس، مراسم سالانه برای همبستگی با آرمان فلسطین که لشکر جهنگوی نیز از آن حمایت می‌کند ۷۳ شیعه که اکثراً هزاره بودند در یک حمله انتحاری کشته شدند. در ۶ می ۲۰۱۱، ستیزه‌جویان لشکر جهنگوی در یک زمین بازی در کویته که هزاره‌ها در حال بازی کریکت و فوتبال بودند تیراندازی کردند که ۸ نفر را کشته و ۱۵ نفر نیز مجروح شدند. در ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱، اتوبوس حامل هزاره‌ها در مسیر کویته به تفتان مورد حمله قرار گرفت و ۲۸ نفر کشته بر جای گذاشت. یک اتوبوس دیگر در ۴ اکتبر ۲۰۱۱ در اخترآباد مورد حمله قرار گرفت که در آن ۱۳ هزاره کشته شدند.



بستگان قربانیان هزاره پس از یکی از بمب گذاری‌های کوئته

سال ۲۰۱۲ برای هزاره‌ها بدتر از آن بود و ۱۲۵ شیعه در بلوچستان کشته شدند که ۱۲۰ نفر از آنها هزاره بودند. در ۹ آوریل ۲۰۱۲، یک حمله توسط افراد مسلح موتورسوار، جان شش مغازه‌دار هزاره را در جاده شاهزاده کوئته گرفت. در ۱۴ آوریل، یک گروه تروریستی وابسته به لشکر جهنگوی در حمله به یک تاکسی در کوئته شش هزاره را کشت. دو هزاره دیگر نیز در حالی که در بیرون اداره گذرنامه در همان شهر منتظر بودند کشته شدند. یک اتوبوس دانشگاه در ۱۸ ژوئن هدف حمله انتحاری قرار گرفت که در آن ۴ هزاره کشته و ۷۲ تن دیگر زخمی شدند. در ۱ سپتامبر، هفت هزاره در دو رویداد جداگانه در کوئته ترور شدند. در ۲۰ سپتامبر، اتوبوس زائران هزاره در مسیر ایران در ماستونگ مورد حمله قرار گرفت که سه کشته و ۱۲ زخمی برجای گذاشت. در کوچلک، در ۴ اکتبر، افراد مسلح یک تاکسی حامل سه مقام دولتی هزاره را

هدف قرار دادند که یکی از آنها کشته شد. در ۱۶ اکتبر، حمله به یک تعمیرگاه خودرو هزاره چهار مرد را کشت. دو راننده تاکسی هزاره و دو مسافر آنها در ۶ نوامبر در کویته کشته شدند. یک راننده تاکسی هزاره دیگر در ۱۰ نوامبر مورد اصابت گلوله قرار گرفت. در ۱۳ دسامبر هزاره‌ها در بازار قندهاری هدف قرار گرفتند و سه نفر جان باختند.

بدتر از آن در سال ۲۰۱۳ بود، زمانی که لشکر جهنگوی مسئولیت یک بمب‌گذاری انتحاری علیه یک باشگاه اسنوکر را بر عهده گرفت که در ۱۰ ژانویه ۹۶ هزاره را کشت و همچنین مسئولیت بمبی را که در بازار سبزیجات هزاره شهر کویته در ۱۶ فوریه منفجر شد و ۸۴ قربانی بر جای گذاشت. این حملات نشان داد که لشکر جهنگوی اکنون روی حملات کمتر اما مرگبارتر تمرکز کرده است. این روند در سال ۲۰۱۴ تأیید شد، زمانی که اتوبوس دیگری حامل زائران هزاره که این بار از ایران بازمی‌گشت، در ۲ ژانویه در ماستونگ مورد حمله یک بمب‌گذار انتحاری قرار گرفت و ۳۰ نفر جان باختند. دیگر زائران شیعه اهل استان خیبر پختونخوا در روز ۹ ژوئن در یک هتل بین راهی در تفتان مورد حمله قرار گرفتند. ۳۰ قربانی از شیعیان غیر هزاره بودند، اما تروریست‌ها قصد داشتند به یکی از راهروهای هتل که حدود ۳۰۰ زائر هزاره در آن خوابیده بودند حمله کنند و همه آنها را به قتل برسانند که با ورود پلیس از انجام این کار جلوگیری شد.

احزاب سیاسی هزاره در واکنش به این حملات خواستار مداخله بین‌المللی شدند. یکی از آنها حزب دموکراتیک هزاره، یک سازمان سکولار بود که در

سال ۲۰۰۲ تأسیس شد، و اولین رهبر آن، حسینعلی یوسفی (۱۹۵۸-۲۰۰۹)، توسط لشکر جهنگوی در سال ۲۰۰۹ ترور شد. دیگری شاخه محلی مجلس وحدت مسلمین بود (MWM)، یک حزب ملی شیعه مبتنی بر مذهب، که توسط بخشی از هزاره‌های بلوچستان حمایت می‌شود. دولت MWM را به انتقام‌گیری از مسلمانان سنی متهم کرده است و مدعی است که با ده‌ها قتل از رهبران دیوبندی ارتباط دارد.



حسینعلی یوسفی

پیامدهای عملیات تروریستی بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۵ برای هزاره‌ها چشمگیر بود. کودکان از ترس تروریسم توسط والدین خود از تحصیل در مدارس منع شدند. هزاره‌ها به ندرت از محله‌های تحت سلطه هزاره‌ها در کویت خارج می‌شدند، اگرچه آنها حتی در آنجا امنیت نداشتند. حدود ۱۰۰۰۰۰ هزاره

بلوچستان را ترک کردند. برخی به بزرگ‌ترین شهرهای پاکستان نقل مکان کردند. برخی دیگر به استرالیا و همچنین کشورهای غربی رفتند. عثمان سیف الله کرد در ۱۵ فوریه ۲۰۱۵ توسط سپاه مرزی پاکستان کشته شد. اگرچه بادینی، فرمانده دوم آنها، آزاد بود و توانست حملات تروریستی دیگری را در سال ۲۰۱۵ سازماندهی کند، اما شاخه بلوچی لشکر جهنگوی رهبر کاریزماتیک خود را از دست داده بود. هزاره‌ها که از مرگ او خوشحال بودند متوجه شدند در همان سال دشمن مرگبار جدیدی به بلوچستان می‌آید؛ داعش.

۵. دو دشمن جدید؛ داعش و کووید، از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲



همانطور که ذکر شد بلوچستان ده‌ها سال است که محل دو درگیری مرگبار، یکی بین هزاره‌های شیعه و رادیکال‌های سنی، و دیگری بین جدایی‌طلبان بلوچ و دولت مرکزی بوده است. اما سومین موضوع مربوط به این منطقه رابطه

پیچیده‌ای است که در سال‌های اخیر خود را نشان داده است، بین لشکر جهنگوی و داعش، که در آن دو گروه مراحل از رقابت و همکاری را پشت سر گذاشتند. از سال ۲۰۱۵، داعش و طالبان در جنگی در افغانستان با هم درگیر شدند که تلفات زیادی به همراه داشت. این درگیری‌ها مشکلی را برای لشکر جهنگوی ایجاد کرد، زیرا داعش حضور خود را در پاکستان تثبیت کرده بود. داعش اولین حمله خود را با کشتن ۴۳ مسافر اتوبوس شیعه در کراچی در ۱۳ مه ۲۰۱۵ انجام داد و توسط افراطی‌ترین عناصر شبکه لشکر جهنگوی در بلوچستان در سال ۲۰۱۵ مورد استقبال قرار گرفت.

در ۲۴ اکتبر ۲۰۱۶، سه تروریست به دانشکده آموزشی پلیس بلوچستان در کوئته حمله کردند و ۶۱ دانشجو را کشتند و ۱۶۵ نفر را زخمی کردند. دو تروریست با انفجار کمربندهای انتحاری خود کشته شدند و دیگری توسط پلیس هدف گلوله قرار گرفت. این حمله بیشتر یک هجوم بر علیه پلیس و حکومت مرکزی پاکستان بود تا اقدامی ضد هزاره‌ها. به طور مشخص، داعش (که تصاویر تروریست‌ها را در اختیار رسانه‌ها قرار داد) و لشکر جهنگوی مسئولیت این حمله را بر عهده گرفتند. بعدها ادعای دیگری نیز به نمایندگی از «جناح العالمی» وابسته به لشکر جهنگوی به رسانه‌ها ارسال شد. مشخص نبود که آیا جناح‌های مختلف لشکر جهنگوی از هم جدا شده‌اند و تنها یکی از آنها طرفدار داعش بود یا خیر. کما اینکه مشخص نبود که با ادعاهای مختلف چه باید کرد. در حالی که دولت پاکستان مدعی شد که داعش این حمله را به لشکر جهنگوی واگذار کرده

است، کارشناسان بین‌المللی بر این باور بودند که داعش در آن زمان قادر به انجام عملیات مستقل در پاکستان بوده است.

آنچه واضح است این است که از سال ۲۰۱۶، حملات لشکر جهنگوی کمتر شد، اگرچه به طور کامل از بین نرفت اما بیشتر حملات مرگبار جدید علیه هزاره‌ها و اهداف سیاسی یا دولتی در بلوچستان توسط داعش انجام شد، که احتمالاً عوامل سابق لشکر جهنگوی را به خدمت گرفته بود.

داعش با اثرگذاری مرگبار خود علیه کسانی که بدعت‌گذار می‌دانستند در پاکستان شروع به عملیات کرد. یک تروریست انتحاری ۱۴ ساله مجرد با انفجار کمربند انتحاری در زیارتگاه صوفی شاه نورانی در خوزدار بلوچستان، حداقل ۵۲ نفر را کشت و بیش از ۱۰۰ نفر را مجروح کرد. در حمله انتحاری داعش به زیارتگاه صوفی لعل شهباز قلندر در سهوان واقع در ایالت سند، ۹۰ نفر دیگر کشته و ۳۰۰ نفر زخمی شدند.

در حالی که این حملات داعش صوفیان را هدف قرار داد و حمله دیگری که در ۱۳ جولای ۲۰۱۸ در ماستونگ ۱۴۹ نفر را کشت، به حزی حمله کرد که مخالف اسلام سیاسی تلقی می‌شد، پس از چندی این هزاره‌ها بودند که تبدیل به هدفی برای حملات داعش شدند. شاید آنها دلیل حمله به یک مرکز رأی‌گیری در کویت در ۲۵ جولای ۲۰۱۸ که ۳۱ کشته برجای گذاشت، نبودند، اما انگیزه ضد هزاره‌ها زمانی که بازار سبزی هزارگانجی هدف یک بمب‌گذار انتحاری در ۱۲ آوریل ۲۰۱۹ قرار گرفت و ده هزاره کشته شدند مشخص بود.

نگرش ضد هزاره داعش در ۳ ژانویه ۲۰۲۱، زمانی که معدنچیان شاغل در معادن زغال سنگ ماچ در بلوچستان مورد حمله قرار گرفتند، آشکارتر و مرگبارتر ظاهر شد. تروریست‌های داعش هزاره‌ها را از معدنچیان سنی جدا کردند و ۱۱ هزاره را با خود بردند و با بریدن گلویشان به قتل رساندند. این رویداد اعتراضات گسترده هزاره‌ها را در پاکستان و سراسر جهان به دنبال داشت. در همین حال، هزاره‌ها دشمن دیگری به نام کووید-۱۹ پیدا کرده بودند. اولین بیمار مبتلا به کووید ۱۹ در پاکستان در ۲۶ فوریه ۲۰۲۰، به تازگی از ایران بازگشته بود، جایی که احتمالاً به این ویروس مبتلا شده بود. اگرچه مشخص نیست که آیا او شیعه بوده و به دلایل مذهبی به ایران سفر کرده است یا خیر، اما بلافاصله این شایعه منتشر شد که زائران شیعه به ایران و عراق مسئول انتقال بیماری به پاکستان هستند. این شایعه توسط مقامات بهداشتی و سیاستمداران جدی گرفته شد. بخش‌هایی از کویته که عمدتاً هزاره‌ها در آن زندگی می‌کردند، که برخی از آنها از سفرهای زیارتی در ایران بازگشته بودند، قرنطینه شد و کارمندان دولتی هزاره به مرخصی اجباری فرستاده شدند و مورد آزمایش قرار گرفتند. اگرچه تست هیچ کدام از آنها مثبت نشد، با این حال، شعارهایی در مورد «ویروس شیعه» تا حد زیادی در رسانه‌های اجتماعی دست به دست شد.

چیزی که برای هزاره‌ها باقی ماند این بود که خود را چه در پاکستان و چه در اقلیت مهاجر هزاره‌ها سازماندهی کنند تا علیه اتهامات و تروریسم اعتراض کنند. آنها این کار را به خوبی انجام دادند و ناظران بین‌المللی نیز به نقش کلیدی زنان هزاره در سازماندهی شبکه‌های همبستگی اشاره کرده‌اند.

با این حال، وضعیت هزاره‌ها در پاکستان همچنان مبهم است. پس از ده‌ها سال رنج و کشتار، بسیاری از آنها اکنون بر این باورند که تنها جامعه بین‌المللی می‌تواند دولت پاکستان را متقاعد کند که از آنها به نحو مؤثرتری محافظت کند.^۱

^۱ <https://mersadcass.com/products/translations/هزاره‌ها-در-پاکستان/>